



با خط درشت و در یک ستون، ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

شماره ۴۲۸، دوشنبه اول آبان ۱۳۹۹ - ۲۲ اکتبر ۲۰۲۰

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیه

در این شماره می خوانید:

متن سخنان مهدی سامع در اجلاس سه روزه شورای ملی مقاومت ایرانص ۲

لبنان؛ سیستم حاکم در نقش چاشنی انفجاری - منصور امان.....ص ۴

کلید روحانی برای خالی کردن صندوق ذخیره مردم - زینت میرهاشمی.....ص ۷

اخبار زنان و نیروهای کار در مرداد ۹۹

زنان در مسیر رهایی - اسد طاهری.....ص ۹

چالشهای معلمان - فرنگیس بایقره.....ص ۲۱

دانشگاه در ماهی که گذشت - کامران عالمی نژاد.....ص ۲۶

کارورزان سلامت - امید برهانی.....ص ۲۹

جنبش رنگین کمان بیشماران - گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی.....ص ۴۷

فرهنگ و هنر در مرداد ۹۹

رویدادهای هنری ماه - فتح الله کیائیه.....ص ۱۴

از زبان کودکان میهنم/ مهران - م. وحیدیص ۱۹

حس بهار- س. پگاهص ۱۹

مرا ببوس - مرجانص ۲۰

از پشت هزاره ها - م. صبحص ۲۰

مارکسیسم، کینزیسم و بحران سرمایه داری - آدم بوث/ مارکسیسم دات کام - برگردان: بابک.....ص ۳۴

برخی از بیانیه های «کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر» (تیر و مرداد ۹۹).....ص ۴۰

یکدست سازی، رویا یا واقعیت - مهدی سامع.....ص ۴۴

در سوک رفیق مبارز و چهره محبوب مردم کردستان ایران، کاک جلیل گادانی.....ص ۶۴

به یاد رفیق یعقوب تقدیری قزلجه میدان - گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی.....ص ۶۴

شهادت فدایی در شهر بومر ماه.....ص ۶۵

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

فراگیری خبرها

مصطفی صالحی؛ صورت مساله باقی ست و جواب در پیش! - منصور امان.....ص ۶۰
 از ساده سازی «فساد حکومتی» تا مهندسی «آمار کرونا» - زینت میرهاشمی.....ص ۶۱
 اسراییل چگونه به خلیج فارس آمد؟ - منصور امان.....ص ۶۲
 عدم تصویب قطعنامه، گسترش نا امنی در خاورمیانه! - زینت میرهاشمی.....ص ۶۳

متن سخنان مهدی سامع در اجلاس سه روزه شورای ملی مقاومت ایران

شنبه ۴ مرداد ۱۳۹۹ - ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۰

اعضای محترم شورای ملی مقاومت ایران، خانمها، آقایان، رفقا، خواهران و برادران
 از جانب خودم و از سوی رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، آغاز چهلمین سال حیات شورای ملی مقاومت
 ایران را به همه شما و به همه رزمندگان راه آزادی و عدالت و نیروهای انقلاب دمکراتیک مردم ایران شادباش می گویم.
 سی و نه سال از حیات شورای ملی مقاومت که به ابتکار هم‌رزم مجاهد، مسعود رجوی پایه گذاری شد می گذرد. چهلمین
 سال حیات این شورا به عنوان پایدارترین و طولانی ترین ائتلاف سیاسی در تاریخ ایران، هم‌زمان است با آغاز قرن ۱۵
 خورشیدی. طی یک صد سال گذشته، زنان و مردان آزادیخواه میهن ما در مبارزه با دیکتاتوریه‌های سلطنتی و دینی، هزینه
 های کلانی پرداخته و البته دستاوردهای گرانقدری نیز داشته اند.
 از این فرصت استفاده می کنم و یاد و نام همه شهدای راه آزادی از انقلاب مشروطه تا شهدای دهه ۶۰ و قیامهای سالهای
 ۸۸، ۹۶ و ۹۸ را گرامی می دارم. با ستایش از مقاومت زندانیان سیاسی و عقیدتی که تحت شدیدترین شکنجه ها و
 رفتارهای ضد انسانی قرار دارند و ادای احترام به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی، به همه آنها درود می فرستم و برای
 شان موفقیت و سرفرازی آرزو می کنم.
 دوستان عزیز

خیزش سترگ و پرتوان مردم ایران در هفته آخر آبان سال گذشته یک بار دیگر بر این واقعیت مهر تایید زد که تضاد
 اصلی مردم ایران با رژیم حاکم در تمامیت آن است و این تضاد آشتی ناپذیر است.
 این نکته اصلی ترین عامل وحدت نیروها و شخصیت‌های تشکیل دهنده شورای ملی مقاومت است. که برای استقلال،
 آزادی و حاکمیت مردم مبارزه می کنند و با رژیمهای شیخ و شاه مرزبندی قاطع دارد. تمامی تلاشهای دشمنان داخلی و
 خارجی مردم ایران و توطئه های ولایت ننگین خامنه ای علیه مقاومت سازمان یافته مردم ایران به خاطر همین مرزبندی
 است. رفتارهای نرم افزاری جمهوری اسلامی علیه شورا و مقاومت مردم ایران، نشر دروغهای گوناگون، تزیق گفتمانهای
 انحرافی به درون نیروهای مخالف نظام، پخش روزانه انبوهی اراجیف سخیف علیه مقاومت ایران به خاطر پایداری و
 پافشاری بر همین مرزبندی است.

حکومت جلادان و شیادان همیشه دروغ می گوید. مساله مهم اما این است که برخی از کسانی که خود را در اپوزیسیون
 تعریف می کنند، دروغهای حکومت علیه شورای ملی مقاومت و نیروها و شخصیت‌های تشکیل دهنده آن را، آگاهانه و یا نا
 آگاهانه تکرار می کنند.

چپ مارکسیستی به عنوان یکی از سه تهدیدی که خامنه ای در روز یکشنبه ۲۸ اردیبهشت امسال از آن نام برد، باید
 گفتمانهای تولید شده از جانب نهادهای امنیتی رژیم را به درستی درک کرده و آن را افشا کند. همانگونه که ما چنین
 کرده ایم.

دستگاههای امنیتی نظام، در یک سلسله دروغهای سخیف، مناسبات درونی شورا را نشانه گرفته که گویا این مناسبات دمکراتیک نیست. به عنوان نماینده یکی از نیروهای عضو شورا گواهی می دهیم که اعضای این شورا ضمن تعهد مشترک به امر سرنگونی رژیم ولایت فقیه و مرزبندی با شاه و شیخ، هیچ مانعی برای فعالیت مستقل ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی دیگر اعضای شورا ایجاد نکرده و نمی کنند و به کثرتگرایی درون شورا متعهد و وفادار بوده و آن را به رسمیت می شناسند.

دوستان عزیز

آن چه اکنون در میهن ما می گذرد، انکشاف بحران و شرایط انقلابی است که از سال ۱۳۸۸ آغاز شد. خیزشهای پُردامنه ی در دی ماه سال ۱۳۹۶ که به گفته یک کارگزار سیاسی امنیتی رژیم در ۱۶۰ شهر جریان داشته، قیام آبان ماه سال ۱۳۹۸ که بنا به اعتراف سرکردگان سپاه و کارگزاران نظام در صدها شهر و در بیش از هزار نقطه جریان داشته، اعتلای شرایط انقلابی است که تهیدستان شهرهای کوچک و بزرگ را وارد عمیق ترین مبارزه شرنوشت سازشان برای «کار، نان، آزادی» کرد. این قیامها و نزدیک به ۲۰ هزار حرکت اعتراضی و جنبشهای کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان،



جوانان، زنان، ملیتها، کامیونداران غارت شدگان، اصناف و بازاریان طی ده سال گذشته، نشان می دهد که مردم ایران رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن را بر نمی تابند و خواستار سرنگونی این نظام جهل و جنایت و تحقق دمکراسی و عدالت و حکومت غیر دینی هستند.

وظیفه خود می دانم که از همه زنان و مردانی که در ایران و سراسر جهان برای تحقق این امر مبارزه می کنند و از تلاشهای خانم مریم رجوی برای به رسمیت شناساندن جهانی حق مردم ایران برای سرنگونی رژیم قدردانی کنم. سپاسگزارم که به من گوش کردید.

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalqh

https://telegram.me/nabard_khalqh

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

لبنان؛ سیستم حاکم در نقش چاشنی انفجاری

منصور امان

انفجار هولناک بیروت، بیش از هر چه انفجار یک سیستم مُخرَب، فاسد و فلج است که از ایران تا سواحل مدیترانه را در چنگ خود دارد. در این پهنه جُغرافیایی، ظُهور فاجعه‌هایی که زندگی را بر بخش بُزرگی از جمعیت به جهنم بدل می‌سازد، رویداد نادری نیست. چه، فاجعه‌آلگویی است که مُناسبات سیاسی و اجتماعی آن را تکرار می‌کند.

سیستمی فاقد مشروعیت

علت انبار نزدیک به ۳ تُن ماده انفجاری در بندر بیروت و چگونگی انفجار آن هنوز در ابهام است. اما پُرسشها در این باره در مُقایسه با مساله عوامل زیربنایی حادثه، گمانه‌زنی را امری حاشیه‌ای و حتی گمراه‌کننده جلوه می‌دهد. فاکت این است که یک بُمب ساعتی زیر بیروت و دو میلیون ۴۰۰ هزار ساکنان آن تیک تاک می‌کرده است و ساختار حاکم یا از آن بی اطلاع بوده، یا با ساده‌گیری از کنار آن گذشته و یا خود مُتولی آن بوده. هر یک از این سه حالت برای اثبات اینکه ساختار حاکم فاقد مشروعیت حاکمیتی است، بسنده می‌کند. سیستم حاکم برای دو میلیون و چهار صد هزار ساکن بیروت فقط اسقاط و ورشکستگی به ارمغان نیاورده، بلکه در نقش چاشنی انفجاری بُمبی عمل کرده که هیچ پنجره و روپنای خانه‌ای را در این شهر سالم باقی نگذاشته و نزدیک به نیم میلیون نفر را از داشتن هر سر پناهی محروم کرده است. در سایه نظم فاسد طایفه‌ای - فرقه‌ای، "پاریس خاورمیانه" مدت‌هاست که هر گونه نسبتی با این قیاس را از دست داده و اینک بر سینه تابلوی "منطقه فاجعه" را حمل می‌کند.

هُویت این سیستم فاسد آشکار است و در لبنان همه آن را می‌شناسند: یک طبقه برتر که از سیاستمداران وابسته به خانواده‌های مافیایی و افراد تحت حمایت آنها، جنگ سالاران، باندهای مُسلح نیابتی و مُدیران ارشد دولتی ترکیب شده است. آقای "جبران جرجی باسیل"، رهبر "جُنُبش آزاد میهنی"، قوی‌ترین بلوک مسیحی، یک از پدرخوانده‌های این سیستم است. او از وزارت راه و انرژی تا خارجه را در دولتهای مُختلف را دوره کرده است. ژنرال میشل عون، جنگ سالار پیشین و رییس جمهوری کنونی لبنان، پدر همسر اوست و به لُطف پُشتیبانی و فشار دامادش به این پُست رسیده است. "جُنُبش آزاد میهنی" و به بیان دقیق‌تر آقای باسیل، تاسیسات و سیستم برق رسانی لبنان را در دست دارد و باید افزود که لبنان گران‌ترین نرخ هزینه برق در کشورهای منطقه را داراست.

یک چهره دیگر نظم حاکم، خانواده "حریری" است که از طریق ساخت و ساز و خرید و فروش املاک میلیارد شده است. فعالیت این خانواده پُرنفوذ سُنّی مذهب در سیاست، کسب قراردادهای پُرسود دولتی و خُصوصی را با خود به همراه داشته است؛ امتیازی که در یک کشور با سابقه جنگهای ویرانگر داخلی، خارجی، تروریسم و ویرانی ناشی از آنها برای یک بساز و بفروش ارزشی برابر امتیاز چاپ پول دارد. عربستان سعودی، جایی که مرکز کارتل اقتصادی این خانواده مُستقر است، بر رویکرد و هدفگیری جریان سیاسی آنها به نام "حزب مُستقل" تاثیر غالب دارد.

حزب الله، سیمای رژیم شکست خورده

اما مهم‌ترین سیمای شناخته شده رژیم شکست خورده لبنان، باند شبه نظامی حزب الله است؛ یک گروه نیابتی جنگ سالار که دارای نُفوذ تعیین‌کننده‌ای در این کشور است. بدون حزب الله هیچ دولتی نمی‌تواند بر سر کار بیاید، مهم‌ترین گذرگاههای زمینی، دریایی و هوایی را کنترل می‌کند و نوار مُهم مرزی با اسرائیل را در اشغال خود دارد.

حزب الله نه فقط از سوی یک دولت خارجی تشکیل شده، بلکه برای حفظ موجودیت خود نیز وابسته مُطلق به آن است. این رابطه فساد برانگیز، باند مُسلح حزب الله را به ابزاری برای پیشبُرد و تامین خواسته‌ها و هدفهایی بدل ساخته که از سوی یک مرکز بیگانه تدوین و دیکته می‌شود و خواسته‌ها و منافع مردم لبنان در آن جایی ندارد. در سایه پُمپاژ مالی و

نظامی حزب الله توسط رژیم ولایت فقیه، این جریان به نیروی اصلی مسلح در کشور تبدیل شده است. توازن یاد شده به گروه نیابتی امکان داده خواسته هایش را بر کشور دیکته کند.

جنگی که این جریان در سال ۲۰۰۶ بر مردم لبنان تحمیل کرد، نماد وابستگی خارجی آن و آثار و پیامدهای مُخرَبش است. بازتاب اجتماعی این جنگ چندان سهمگین و صف بندی علیه حزب الله آنچنان گسترده و روشن بود که سرکرده آن، آقای حسن نصرالله، را ناچار کرد در نقش نادم و پشیمان در تلویزیون ظاهر شده و پوزش بطلبد که اگر می دانست اسیر کردن دو سرباز اسرائیلی به چنین جنگی ختم می شود، دست به آن نمی زد. اعتراف آقای نصرالله آشکار کرد که این جریان و اربابانش در تصمیمگیریهای خود مردم لبنان را به هیچ وجه به حساب نمی آورند و برای آنها آثار احتمالی اقدامات شان بر زندگی جامعه بی تفاوت است.

تکامل اجتماعی از دل مُبارزه

شرایط جنگی و از هم گسیختگی در لبنان اما با این اعتراف پایان نیافت. امروز حزب الله دامنه آتش افروزی خود را به سوریه گسترش داده و به کشور همسایه لشکر کشیده تا در نقش دستیار آقای بشار اسد "بهار عربی" را به خون بکشد، این کشور را به صحنه جنگ ویرانگر نیابتی بدل سازد و پای کارفرمایش را در سوریه سفت کند. حزب الله برای ورود به این جنگ نه از جانب دولت، نه از پارلمان و نه از جامعه وکالت دارد و این در حالی است که منابع و منافع لبنان را خرج آن می کند که تنها بخشی از آن هزینه اجتماعی و اقتصادی کلان میزبانی از نزدیک به یک میلیون آواره سوری است که به لبنان پناه آورده اند. این همان وضعیتی است که مُعترضان به گروهان گرفتن لبنان توسط حزب الله می نامند.

در این میان بدهی خارجی لبنان به ۸۰ میلیارد دلار رسیده است که برابر ۱۷۰ درصد تولید ناخالص ملی کشور است. به گزارش فایننشیل تایمز، ۷۰ درصد داراییهای سیستم بانکی به دولت فاسد و ورشکسته آقای حسن دیاب، متحد حزب الله، وام داده شده که در ماه میلادی آوریل سال جاری (فروردین ۹۹) دیگر قادر به پرداخت اقساط دیون خود نبود. یک تاثیر کمبود بودجه و منابع خود را در سقوط ارزش پول ملی به نمایش می گذارد. در حالیکه ارزش رسمی لیر لبنان در برابر دلار آمریکا ۱۵۰۰ به ۱ اعلام می شود، نرخ واقعی ۱۰ هزار به ۱ است. این چرخه معیوب در ادامه راه خود مُستقیم به جیب و سفره مردم می رسد و مخارج آنها را به واسطه تورم پرداخت ناپذیر می کند و در همان حال نرخ بیکاری را نیز به ۳۵ درصد افزایش داده است. از این رو شگفت آور نیست که امروز نزدیک به نیمی از جمعیت هفت میلیونی لبنان زیر خط فقر زندگی می کند، این در حالی است که طبقه یک درصدی، درآمد خالصی برابر با نیمی از جامعه را به جیب می زند.

اعتراضات توده ای که در نقاط مُختلف لبنان در پاییز سال گذشته آغاز شد، واکنش اجتماعی به این بی عدالتی، فشار روزافزون اقتصادی و محدود شدن دایره کار و زیست بود. فساد و ناکارایی سنتی دولت و دوایر اجرایی که اکنون با یک جنگ خارجی کمرشکن نیز ترکیب شده بود، تاثیر خود را بر منابع کشور به شدن برجا می گذاشت و طبقه حاکم راه ساده تری از انتقال فشار به جامعه و دوشیدن آن در سر نداشت. خیزشها را افزایش مالیات بنزین و تنباکو و وضع مالیات جدید بر ارتباط اینترنتی جرقه زد، اما آنچه که مُعترضان به سرعت به سمت آن یورش بردند، سیستم حاکم بود؛ نظامی که از تامین بدیهی ترین خدمات عمومی مانند آتش نشانی ناتوان بود و بازسازی ویرانه های جنگ و جلوگیری از اسقاط زیر ساختارهای موجود را در زُمره وظایفش نمی دانست. توده ها گذشته از وابستگی قومی و مذهبی متحد شدند و نظام طایفه ای را پشت سر گذاشتند تا لبنان را به کشور خودشان بدل کنند؛ جایی برای زندگی و نه جنگ و مرگ تدریجی! قیام کنندگان لبنانی چونان مُعترضان عراقی، مناسبات اجتماعی مُتفرق و قُطب بندی شده را تکامل می بخشند و گفتمان هُویت طایفه ای و فرقه ای را کنار می زنند تا پرچم شان نیازهای سیاسی و اقتصادی مُشترک اکثریت جامعه باشد.

پُرسش آینده طرح شده است

انفجار ۲۰۲۰ بیروت محصول همان مناسباتی است که جنگ ۲۰۰۶ را مُمکن کرد و از پیش برای ارتکاب فاجعه های ملی و انسانی برنامه ریزی شده است. نظام سهمیه بندی طایفه ای در عمل نظام سکتهدایی است که هر یک فقط خود را در

برابر قلمرو خویش و شبکه های شان مسوول می شناسد و از این رو تامین منافع سکت خودی را حتی اگر به زیان دیگر سکتها تمام شود، مُجاز می داند. حُکمرانی در این قالب به ویژه هنگامی که بازیگران خارجی هم در زمین حاضرند و یکی از نقش آفرینان اصلی در اساس از جای دیگری دستور می گیرد، در حقیقت یک سلطه مُخرَب است که در اشکال گوناگون به رُخ جامعه لبنان کشیده می شود. آنچه که پس از فرو نشستن دود و آتش انفجار بی پیرایه تر از هر هنگام به چشم همگان ظاهر گردیده، همین واقعیت است که امروز پرسشهای مُهمی در مورد آینده را نیز در برابر لبنان و مردُم این کشور گذاشته است که جُمَلگی آنها بی واسطه از دلان سووال پیرامون قُدرت سیاسی گذر می کند.

پرسش فوری مسائلی همچون بازسازی، جُبران خرابیها، تامین کالاهای اساسی، رسیدگی به بی خانمان شده ها، راه اندازی سیستم بهداشت و درمان (به ویژه با نگاه به اپیدمی ویروس کُرونا)، تشکیل کمیته تحقیق مُستقل و با نظارت بین المللی و جُز آن را دربر می گیرد. پُرسش پس از این، تصفیه حساب با نظام طایفه ای فرقه ای به مثابه سرچشمه فجایعی است که به صورت دائمی بر سر لُبنان نازل می شود. با انتخابات جدید، ترفندی که طبقه حاکم برای تضمین سُلطه خود پیشنهاد می کند، این مُهم دست یافتنی نیست. آنچه که باید تعیین تکلیف قطعی بشود، نه این یا آن فرد و دسته، بلکه نظم مُخرَب، سکتاریستی و ناکارای حاکم است. یک نهاد برآمده از مردُم لُبنان، می تواند در این باره تصمیم بگیرد. تنها انتخاباتی که می تواند به گونه واقعی راه حلی برای بُن بست کنونی باشد، انتخابات برای تشکیل مجلس مووسسان است. به همین گونه "اصلاحات" به سبک فرانسه و بانک جهانی نیز چاره مُشکلات لُبنان نیست، بلکه ادامه شرایط حاضر در شکل دیگر است. به همان اندازه که رُفرمهای پیشنهادی آنها در پهنه قُدرت سیاسی آرایشی و کم عمق است، "اصلاحاتی" که در پهنه اقتصادی در برنامه عمل خود دارند - تا آنجا که به سطح زندگی و کار جامعه برمی گردد - عمیق و بُنیادی است. برنامه آنها یک قالب شناخته شده سرمایه داری نولیبِرال است که به ویژه کشورهایی که توانایی پرداخت قرضهای خارجی خود را ندارند، در حصار آن جای داده می شوند. با اَلگوی ثابت این نوع رُفرم، کاهش مخارج دولت از طریق خُصوصی سازی خدمات عُمومی، کاهش مالیات طبقه مُرفه و افزایش مالیاتهای غیرمُستقیم، مُقررات زدایی از بازار کار، حذف بیمه همگانی، کاهش حُقوق بازنشستگی، حراج داریبهای همگانی به سود سرمایه گذاران و جُز آن همه آشنا هستند. مفهوم چنین جراحی برای مردُم لُبنان که بدون آن نیز دهه هاست که بدون برخورداری از پُشتیبانی دولت و امکانات عُمومی روزگار سختی را سپری می کنند، بهبود نیست و حتی زندگی را بر آنها سخت تر خواهد کرد.

برآمد

انفجار بُمبی در بندر استراتژیک بیروت که گفته می شود قُدرت تخریبی آن مُعادل یک دُهْم بُمب اُتمی هیروشیما بوده، حتی برای آن دسته اندک در لبنان که آثار ناگوار سیستم طایفه ای فرقه ای و حاکمیت باندهای مُسلح برایشان چندان ملموس نبود یا با آن مُدارا می کردند، روشن ساخت که این مُناسبات فقط در اشکال زشت فساد و ناکارایی در زندگی آنها پدیدار نمی شود، بلکه می تواند فاجعه را نیز میهمان آنها کند، تکه شیشه ای شود و تن آنها را بدرد، خانه هایشان را ویران کند و دوستان و اعضای خانواده شان را بکشد.

هنگامی که غُبار انفجار فرو بنشیند، گُشته ها به خاک سپرده شوند و خیابان و کوچه روفته شود، آثار دیرپای فاجعه شروع به پدیدار شدن می کند و درد و رنج مردُم لبنان تازه شروع خواهد شد. آنها اما قصد کرده اند که نُقطه پایان بر این کابوس دائمی بگذارند. سیل جاری توده این را می گوید.

کمک مالی به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از طریق **PayPal** به آدرس **bedostan@gmail.com**

کلید روحانی برای خالی کردن صندوق ذخیره مردم

زینت میرهاشمی

خبر به اصطلاح خوش حسن روحانی با عنوان طرح «گشایش اقتصادی» که در میان باندهای حکومتی به کشاکشی بر سر ابهامات و آینده آن دامن زد در میان مردم انعکاس مثبت نداشت. واکنشهای مردمی در رسانه ها و واقعیت کسب و کار مردم، هدف اصلی تبلیغات روحانی، یعنی ایجاد امید و اعتماد به حکومت را زیر سوال برده است.

اعتراضهای گسترده نیروهای کار، از جمله اعتصاب بیش از دو ماه کارگران نیشکر هفت تپه، اعتصاب کارگران پالایشگاهها و تاسیسات نفت و گاز و صنایع پتروشیمی تا اعتراضهای فرهنگیان، بازنشستگان و دیگر اقشار مردم، وضعیت فاجعه بار کسب و کار و معیشت مردم و عمیق تر شدن استثمار، بی عدالتی و تبعیض را نشان می دهد. لذا نیروهای کار هیچ اعتمادی به طرحها و حرفهای بزک کرده، تکراری و دروغهای خامنه ای و حسن روحانی ندارند.

اعلام طرح «گشایش اقتصادی» را به عنوان خبر خوش، از چند منظر می توان نگاه کرد. برای درک چیستی این طرح و هدفهای آن در نجات اقتصاد ورشکسته و بحرانی کشور می توان به جدلهای باندهای حکومتی اشاره کرد.

روحانی اعلام کرد که طرح «گشایش اقتصادی» را در روز ۲۰ مرداد، به جلسه شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا ارائه داده است. بعد از آن گفت که بسته پیشنهادی اش در صورت توافق سران دو قوه دیگر به اجرا درخواهد آمد. ساخت نهاد شورای هماهنگی اقتصادی و قانونگذاری در آن، به خودی خود وضعیت آشفته و بحرانی ساختارهای قانونگذاری رژیم را نشان می دهد. این نهاد، تاکیدی چند باره بر نقش نمایشی مجلس ارتجاع به عنوان قوه قانونگذار در ساختار رژیم ولایت فقیه است.

دروغ به عنوان کلیدواژه روحانی در توجیه این طرح مانند همه کارنامه اش به چشم می خورد. روحانی که این طرح را سند افتخار دولتش اعلام کرده، در مورد آمار واردات و صادرات غیر نفتی، کاهش اتکا به نفت دروغ می گوید. آمار وی در رابطه با رشد اقتصادی در مقایسه با داده های آماری دیگر پایوران رژیم خلاف آن را ثابت می کند. در گزارش رئیس مرکز آمار، آمده است: «نرخ رشد اقتصادی سال ۱۳۹۸ منفی ۷ درصد و رشد اقتصادی بدون نفت نیز منفی ۶ درصد بوده است». (نود اقتصادی ۲۹ مرداد ۹۹).

روحانی که اتکای دولتش به نفت در سال ۹۹ را فقط ۱۰ درصد بودجه کشور اعلام می کند، محور اصلی طرح «گشایش اقتصادی» را بر بالا بردن سقف سلف فروشی نفت با اوراق مشارکت نفتی به عنوان یک راه حل ممکن برای جذب نقدینگی و جبران کسری بودجه بنا کرده است. روحانی در توضیح طرح اش به عدم اتکا به مالیات به عنوان یک راه حل که به مردم سخت می گذرد اشاره می کند. در حالی که گرفتن مالیات از هلدینگهای زیر مجموعه نهاد ولایت فقیه، سپاه پاسداران و بخش اقتصاد زیر زمینی و غیر شفاف که به قبیله حکومت وصل می شوند نه فقط هیچ فشاری به مردم وارد نمی کند، بلکه می تواند به میزان زیاد بودجه را از نظر درآمد و هزینه متوازن کند. اما این هلدینگها مالیات نمی پردازند و کارگران و بخش اقتصاد خرد بدون داشتن روابط با بالا باید مالیات بپردازند. حسن روحانی و هیچ نهاد دیگری زورشان به گرفتن مالیات و شفاف شدن دفتر خامنه ای که «حداقل شامل ۸ معاونت و ۷ دفتر ویژه و تعدادی موسسه انتشاراتی و رسانه ای» است و نهادهای دیگر تحت کنترل ولی فقیه نمی رسد.

احمد توکلی، عضو مجمع تشخیص مصلحت روز یکشنبه ۲۶ مرداد گفت: «طرح شفافیت دفتر رهبر جمهوری اسلامی را ارائه داده است ولی از آن استقبال نشده است.» (اعتماد ۲۶ مرداد)

بر اساس گزارش سازمان امور مالیاتی «حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران در سال ۹۶، بیش از ۵۵۸ هزار میلیارد تومان بوده است. رقمی که سهمی حدود ۳۷،۷ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص می دهد.» (فارس، ۶ مرداد ۹۹)

می توان حدس زد با توجه به ساختار فاسد و تاریکخانه نهادهای قبیله ای و فامیلی حکومت، این بخش که دقیقا جایگاه امنی دارند، بر شمارشان هر روز افزوده شود. نگرانی روحانی از «سخت» شدن شرایط بر این بخش که یک سوم اقتصاد

ایران را تسکین می دهد است و نه سخت شدن زندگی مردم. او تا کنون هنر خود را در دست درازی به جیب مردم و سفره های بی رمق آنها نشان داده است اما دستش را برای جبران کسری بودجه به جیب دانه درشتها دراز نکرده است. بسته اقتصادی روحانی قبل از این که رونمایی شود سر و صدای زیادی در میان مجلس نشینان و نظریه پردازان رژیم به وجود آورده است. اعتراض مجلس نشینان به این است که چرا این طرح به مجلس برای بحث نیامده و به نهاد شورای هماهنگی اقتصاد مراجعه شده و چرا رئیس مجلس به نقش این نهاد توجه نکرده است.

اعتراض دیگر مجلس نشینان به این طرح این است که چرا روحانی و باند او دولت آینده را بدهکار می کنند؟ دلواپسانی که برای گزینش ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ نقشه دارند، نگرانند که در آینده چطور بدهکاری دولت فعلی را بپردازند و چه بسا که نفر بعدی هم همین طرح را داشته باشد. همانطور که احمدی نژاد هم قبلا چنین طرحی را داشت. گرفتن پول از خریداران نفت و رفتن پول آن به جیب حسن روحانی مشخص است اما بازگشت پول نفت به خریداران اوراق نفتی مشخص نیست.

رئیس کل بانک مرکزی از فروش اوراق نفتی به عنوان یک شیوه مدیریت در کشورهای دیگر برای «هموار سازی هزینه های دولت و کاهش نوسانات اقتصاد کلان» دفاع می کند. پرواضح است که وضعیت رژیم با کشورهای دیگری که از این شیوه ها استفاده می کنند، متفاوت است.

رئیس کل بانک مرکزی فروش این اوراق را «تامین مالی سالم» برای کسری بودجه دولت می داند. از چهار راه حلی که حسن روحانی برای مدیریت نقدینگی و کسری بودجه بر می شمارد دو مورد آن به طور مستقیم به ضرر اقشار پایین جامعه و طبقه کارگر است.

چهار راه حل عبارت است از «کاهش هزینه ها، افزایش درآمدهای مالیاتی، فروش سهام و اموال دولت، انتشار اوراق بدهی یا پیش فروش کالاهایی نظیر نفت». از این چهار مورد، حراج و واگذاری ثروت کشور و پیش فروش نفت تا کنون و در هر سال عملی شده است. اگر امسال این موضوع به یک جنجال تبدیل شده میزان این پیش فروش و مشتریان آن است. اگر قبلا این اوراق هر ساله در بازار بورس به پالایشگاهها فروخته می شد امسال مردم هم می توانند خریدار آن باشند.

تفاوت پیش فروش نفت هر ساله با طرح جدید، ورود به بازار بورس است. روحانی قصد دارد مردم بیشتری را وارد بازی خطرناک بورس بکند. یک بار با سهام عدالت، حالا با فروش نفت. بازاری که بسیاری آن را کازینو می دانند که رشد حسابی می کند و چشم انداز آن ترکیدن حساب است. از طرف دیگر این نوع فروش نفت، سقفی بالای سر مردم و نانی در سفره شان به وجود نمی آورد. کسانی وارد این قمار می شوند که پولی برای خرید آن دارند.

بر اساس طرح روحانی قیمت پایه هر بشکه نفت ۹۴۴ هزار و ۶۲۲ تومان و حداقل خرید برای هر نفر در عرضه اولیه یک بشکه و حداکثر ۲۰ هزار بشکه است. (خبریان ۲۴ مرداد)

بر اساس طرح «گشایش اقتصادی» به گفته رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، «قرار است ۲۰۰ میلیون بشکه نفت در طول چند مرحله به ارزش ۱۶۰ هزار میلیارد تومان به مردم فروخته شود و دولت در مجموع ۸۰ هزار میلیارد تومان سود بابت آن به مردم بدهد.» (فارس، یکشنبه ۲۶ مرداد)

طرح روحانی که مورد مخالفت مجلس ارتجاع قرار گرفته است، حتا اگر برای اجرای آن رضایت خامنه ای هم جلب شود، نه تنها هیچ مشکلی از حجم نقدینگی و عدم اعتماد مردم به سرمایه گذاری را حل نمی کند بلکه هیچ گشایش اقتصادی هم به همراه نخواهد داشت.

روحانی چه در زمینه برداشتن سوبسیدها از بنزین و بالابردن قیمت آن و چه پیش فروش کردن نفت به مردم در حقیقت مسیر احمدی نژاد (حذف سوبسیدها) را تکمیل کرده است.

بدون شک بحران اقتصادی موجود که با تحریمها تشدید شده است، محصول ساختار حکومت است. فشار پر هزینه اقتصادی به مردم همراه با سرکوب در داخل و تولید تنش و بحران در خارج از مرزها تدبیری برای حفظ خیمه نظام است. اما شواهد و به ویژه باورمند بودن مردم به تغییر و سرنگونی، خوابهای پایوران نظام برای ادامه حیات را به شدت آشفته کرده است.

زنان در مسیر رهایی (مرداد ۹۹)

اسد طاهری

هفت زن متقاضی مقامهای ارشد کلیسا شدند

هفت زن اعلام کردند که نامزد انتصاب در پست‌هایی شده‌اند که تاکنون در ساختار کلیسای کاتولیک در انحصار مردان بوده است؛ مقام‌هایی همچون دیاکون، اسقف، سفیر پاپ، کشیش منطقه و واعظ. گمان می‌رود این درخواست آشفته‌گی‌هایی را در کلیسای کاتولیک در پی داشته باشد و ممکن است اصلاحاتی را در این ساختار مذهبی جرقه بزند.

در میان این هفت نفر، نام "لوآن روشر"، یک زن تراجنسی، نیز دیده می‌شود که برای مقام دیاکون نامزد شده است. او می‌گوید: "زنان نیز به همان اندازه مردان کاریزما دارند و اکنون زمان آن رسیده تا به زنان نیز در کلیسای کاتولیک حق

برابر داده شود و صدای زنان شنیده شود."

این زنان می‌دانند که راه سختی را در پیش گرفته‌اند. آنها به این موضوع اشاره دارند که سکوت زنان در کلیسای کاتولیک قرن‌هاست ادامه دارد. آنها می‌گویند با زنان زیادی گفتگو کرده‌اند که از ترس از دست دادن شغل‌های کوچکی همچون تدریس که به لطف کلیسای کاتولیک دارند، حاضر به طرح چنین تقاضاهایی نیستند.



آغازگر این حرکت زنی به نام آن "سوپا" است. او پیش از این در ۲۵ ماه اعلام کرده بود که متقاضی انتصاب در پست اسقف اعظم شهر لیون فرانسه است.

"فیلیپ بربرن"، اسقف اعظم کلیسای کاتولیک شهر لیون، سال گذشته در پی اتهامات سکوت و مخفی کردن یک پرونده کودک آزاری کشیشان در این شهر محاکمه شد. او در این رابطه مجبور شد از مقام خود کناره‌گیری کند.

خانم سوپا این درخواست خود را یک اقدام نمادین برای "برانگیختن آگاهی درباره نامرئی بودن زنان در کلیسای کاتولیک" توصیف کرده است.

قتلی که ترکیه پدرسالار را تکان داد

قتل "پینار گولتکین"، دختر دانشجوی ۲۷ ساله اهل "موغلا" ترکیه به دست دوست پسرش، جامعه ترکیه را تکان داد و به اعتراضات خیابانی و واکنش در شبکه‌های اجتماعی انجامید. معترضان می‌گویند قتل‌های پرشمار زنان در سال‌های اخیر در ترکیه نتیجه روندهایی است که از سوی نهادهای مذهبی و دولتی پیش برده می‌شود.



پینار گلتکین از روز ۱۶ ژوئیه/ ۲۶ تیرماه ناپدید شده بود و خبر پیدا شدن جسد او در روز ۲۱ ژوئیه/ ۳۱ تیر ماه تیر یک رسانه های ترکیه شد. همزمان با انتشار این خبر جمعی از فعالان زنان در اعتراض به این زن کشی در چند شهر با شعار "ساکت نخواهیم ماند" به خیابان آمدند که با دخالت پلیس، تجمعات آنها به خشونت کشیده شد.

منابع خبری در ترکیه از بازداشت دهها تن از معترضان در ازمیر و استانبول خبر داده اند. جسد گولتکین ۲۷ ساله در حالی پیدا شد که سوخته و زیر بتون دفن شده بود. دوست پسر سابقش به قتل او اعتراف کرده و گفته انگیزه قتل "حسادت" بوده است.

آمار زن کشی در ترکیه مانند بسیاری دیگر از نقاط جهان بسیار بالاست و نشان از خشونت سیستماتیک دارد که پدرسالاری در متن جامعه و برفراز آن، به ویژه در ذهنیت عثمانیستی حزب حاکم بر زنان اعمال می شود.

تظاهرات معترضان لهستانی علیه تصمیم دولت برای خروج از یک پیمان اروپایی

نزدیک به دو هزار نفر در ورشو، پایتخت لهستان، در اعتراض به مخالفت دولت محافظه کار و ناسیونالیست این کشور با یک پیمان بین المللی ضد خشونت علیه زنان دست به تظاهرات زدند

این پیمان که "کنوانسیون استانبول" نام دارد، سال ۲۰۱۱ میلادی در جریان نشست شورای اروپا در ترکیه به امضا رسید.



کنوانسیون استانبول که مقامهای لهستان اینک به مخالفت با آن پرداخته اند، نخستین ابزار فراملی با قابلیت وضع قوانینی الزام آور از حیث حقوقی است که با هدف جلوگیری از خشونت علیه زنان و مبارزه با هرگونه برخورد خشونت آمیز با منشا جنسیتی از سوی نهاد قانونگذار اتحادیه اروپا به تصویب رسیده است.

مقامات لهستان به تازگی اعلام کرده اند که مخالف این پیمان اروپایی هستند. یک مقام دولتی در ورشو ضمن تاکید بر رد کنوانسیون استانبول از سوی کشورش آنرا مغایر با مفاد و ارزشهای قانون اساسی توصیف کرد.

مخالفت ورشو با این پیمان حقوق بشری در حالی اعلام می شود که لهستان پیشتر در سال ۲۰۱۲ این پیمان را امضا کرده است. کنوانسیون استانبول سه سال بعد در سال ۲۰۱۵ در دولت میانه رو پیشین حاکم بر لهستان به تصویب رسیده بود.

طی شش ماه اخیر ۴۸۹ زن مکزیکی قربانی خشونت شدند



بر اساس گزارش دبیرخانه وزارت امنیت اجتماعی مکزیکی طی شش ماه اخیر در ۴۸۹ زن مکزیکی قربانی خشونت شده اند. این قتلها در بازه زمانی ژانویه تا ژوئن سال جاری روی داده است.

نهادهای متعدد جامعه مدنی به علت افزایش اخیر موارد خشونت علیه زنان در مقابل کاخ ملی در مکزیکوسیتی پایتخت این کشور دست به تظاهرات زده اند.

آنها با حمل پلاکاردهایی با مضمون "اگر راه حلی نیست، با ایستادگی ادامه خواهیم داد" و "چه عدالت نازلی" به خشونت علیه زنان واکنش نشان دادند. گفتنی است، مکزیک در بین کشورهای آمریکای لاتین دارنده بیشترین موارد خشونت علیه زنان است.

جهنم دختر بچه ای که در ۱۳ سالگی مجبور به ازدواج شد

دختر نوجوان قربانی کودک همسری در مشهد به دنبال رانده شدن از خانه توسط همسرش به پلیس مراجعه و روایت زندگی اش را بازگو کرد.



به گفته این کودک که در ۱۳ سالگی تن به ازدواج اجباری با مردی ۲۷ ساله داده، وی به دلیل سوءظنهایی که همسرش از ازدواج اول در ذهن داشته، به صورت مداوم و به بهانه های مختلف مورد توهین، تحقیر و ضرب و شتم و اعمال محدودیتهایی چون حبس در خانه قرار گرفته و طی این سه سال انواع خشونتهای خانگی را از جانب همسرش تجربه کرده است.

این دختر نوجوان پس از جدایی پدر معتاد و ازدواج دوباره مادر، به مادر بزرگش سپرده می شود. او ادامه می دهد: "مادر بزرگم از سر دلسوزی من و برادرم را به خانه اش برد اما دیگر نمی توانستیم به مدرسه برویم یا درخواست خرید پوشاک یا خوراکی داشته باشیم. با وجود این، فرزندان بزرگ و نوه های مادر بزرگم نیز در کنار او زندگی می کردند و مادر بزرگم که صلاح نمی دانست ما هم در کنار آنها باشیم، مرا در ۱۳ سالگی به مردی شوهر داد که ۲۷ سال داشت و همسرش را طلاق داده بود."

وی می گوید: "همسرم با این ادعا که من نازا هستم کتکم می زد و می گفت من نان اضافه ندارم که به یک زن نازا بدهم، در حالی که من فقط ۱۷ سال دارم و پزشک نیز می گوید این شرایط در بسیاری از زنانی که در سن پایین ازدواج می کنند، طبیعی است. به دلیل این که هیچ پشتیبانی نداشتم همواره در برابر تهمتهای همسرم سکوت کردم تا این که این بار نه تنها به شدت کتکم زد و سر و صورتم را کبود کرد، بلکه مرا از خانه بیرون انداخت."

زنان مهاجر افغانستانی؛ در منگنه قوانین زن ستیز رژیم ایران



زنان و دختران افغانستانی ساکن ایران از حق دستیابی به امکانات پزشکی محروم اند و این امر باعث شده تا تعداد زایمانها در منزل که می تواند خطرات زیادی برای مادر و فرزند داشته باشد صورت گیرد. خانواده های افغانستانی به علت هزینه سه میلیون تومانی زایمان در بیمارستان قادر به پرداخت آن نبوده و از این رو نمی توانند از خدمات بیمارستانی بهره مند شوند.

زنان و دختران افغانستانی که آسیب پذیرترین

بخش جامعه مهاجر و پناهجوی افغانستانی در ایران هستند، در برنامه های وزارت بهداشت جایی ندارند و به مطالبات و خواسته های آنان توجه نمی شود. همین زنان که بخش فرودست جامعه مهاجر و پناهجو می باشند، به علت برخوردار نبودن و دسترسی نداشتن کافی به آموزش و روشهای پیشگیری از بارداری و همچنین برخی ویژگیهای فرهنگی یا از

حاملگی جلوگیری نکرده یا جدیت لازم را به خرج نمی دهند. از این رو رشد جمعیت در بین افغانستانیهای ساکن در ایران بالاتر از میانگین رشد جمعیت ایران است.

جنبه دیگری از چالشهای دختران و زنان افغانستانی ساکن ایران نداشتن امنیت اجتماعی است، در تحقیقی که چهار سال پیش در سال ۱۳۹۵ در ایران انجام گرفت، نزدیک ۵۱ درصد از زنان مورد پژوهش گفتند که احساس امنیت نمی کنند و بارها به علت افغانستانی بودن از جانب شهروندان ایرانی در کوچه و خیابان از طرف صاحب کار، صاحب خانه و همسایه مورد تحقیر، توهین، اذیت و آزار کلامی قرار گرفته اند.

روشن است که زنان و دختران افغانستانی به ویژه آنان که شرایط قانونی ندارند، بیشتر از سایر پناهجویان و مهاجرین افغانستانی مورد تبعیضهای گسترده ساختاری قرار می گیرند. این امر در برگیرنده لایه دیگری از نقض حقوق انسانی زنان و دختران افغانستانی به دلایل جنسی- جنسیتی در حوزه خصوص و عمومی است که موقعیت آنها را بسیار آسیب پذیر می کند.

محکومیت پنج زن فعال در شبکه های اجتماعی در مصر

دادگاهی در مصر پنج زن جوان را به دلیل به اشتراک گذاشتن "ویدیوهای منافی عفت" در شبکه اجتماعی "تیک تاک" به دو سال زندان محکوم کرد. این زنان که نام همگی آنها اعلام نشده است، به پرداخت ۱۹ هزار دلار جریمه هم محکوم شده اند.



این اولین احکام حبسی است که دادگاه مصر در راستای طرح مقابله با افراد تاثیرگذار در شبکه های اجتماعی صادر می کند. مقامهای مصر به تازگی بازداشتهایی را شروع کرده اند که هدف اصلی اش زنانی است که در شبکه اجتماعی تیک تاک پرطرفدارند.

در واکنش به این احکام، فعالان مصری کمپین در اینترنت به راه انداخته و خواستار آزادی این زنان شده اند.

تظاهرات زنان در ترکیه علیه احتمال خروج آنکارا از پیمان استانبول

روز چهارشنبه، ۵ اوت/ ۱۵ مرداد، زنان به دلیل ترس از خروج احتمالی ترکیه از معاهده اروپایی در مورد خشونت مبتنی بر



جنسیت معروف به "کنوانسیون استانبول"، در سراسر ترکیه راهپیمایی کردند.

زنان در حمایت از این پیمان شعار می دادند: "انتخاب مال ماست، تصمیم مال ماست، شب مال ماست، خیابان مال ماست". آنها در راهپیماییهای روز چهارشنبه ۱۵ مرداد پوسترهایی با شعارهایی مثل "کنوانسیون استانبول از خون زنان به وجود آمده"، و "اجازه زن کشی نمی دهیم" در دست داشتند.

حزب حاکم ترکیه، "حزب عدالت و توسعه" (AKP) در تلاشی سازمانیافته برای خروج این کشور از کنوانسیون استانبول لابی می کند. این حزب معتقد است موادی از این کنوانسیون "مخرب" است و باعث "از بین رفتن ارزشهای خانوادگی" و "نقشهای جنسیتی سنتی" و ورود "ارزشهای غربی" به جامعه ترکیه می شود. آنها همچنین ادعا می کنند که این کنوانسیون "شیوه زندگی دگرباشان" را ترویج می کند.

"نعمان کورتولموش"، معاون ریاست حزب عدالت و توسعه، در یک مصاحبه تلویزیونی گفت: "دو موضوع در این کنوانسیون وجود دارد که ما آنها را تایید نمی کنیم؛ اول موضوع جنسیت و دیگری موضوع گرایش جنسی است. موضوعات دیگری نیز وجود دارد، اما این دو مفهوم فضاهایی را فراهم می کند که عناصر دگرباش و حاشیه ای بتوانند در این زمینه ها کار کنند."

فعالان مدنی نگرانند که این مخالفتها بهانه ای برای از بین بردن حمایتهای جنسیتی قرار گیرد.

"فریده ارلپ"، عضو فعال "پلتفرم زنان قوی تر" می گوید: "از آنجا که قادر نیستند به صراحت بگویند که زنان را به عنوان برده های خانگی می خواهند و علاقمندند در آزادی کامل به ضرب و شتم زنان پردازند و آنها بکشند، به حقوق دگرباشان به عنوان یک بهانه اجتماعی پذیرفته تر برای حمله به کنوانسیون می چسبند." ارلپ می افزاید: "حمله به کنوانسیون استانبول نتیجه یک جنبش جهانی است که به عنوان جنبش ضد جنسیت شناخته می شود. ما می بینیم که این امر در لهستان، کرواسی، صربستان و در کشورهای مختلف اروپایی ریشه دارد. آنچه در اینجا در ترکیه اتفاق می افتد، در اساس ترجمه ای ترکی از یک ایدئولوژی سیاسی خارجی است."

مقاومت زنان خوزستان علیه میراث معنوی جمهوری اسلامی



زنان خوزستانی با هشتگهای "من فصلیه نمی شوم" و "من خونیس نمی شوم" کارزاری راه انداخته اند تا جلوی ثبت ملی سنت زن ستیز "فصل و خون بس" به عنوان "میراث معنوی" را بگیرند.

چندی پیش رییس دادگستری شوش با اعلام این که "ثبت ملی دو اثر فاخر اجتماعی فصل و خون بس را به عنوان میراث معنوی و ناملموس در اواخر سال ۹۸ درخواست کرده"، از "فرهپختگان" برای گردآوری مستندات لازم برای ثبت ملی این سنت دعوت کرد.

آنچه این مقام قضایی به دنبال ثبت ملی آن به عنوان میراث معنوی است، سنتی ارتجاعی برای پایان دادن به دعوای خونین میان دو قوم است که در آن زنی از طایفه قاتل به طایفه مقتول داده می شود. عربها به آن زن "فصلیه" می گویند و در سایر اقوام نیز "خون بس" نامیده می شود.

دخترانی که در این موقعیت قرار می گیرند و اینگونه ازدواج می کنند، در واقع قربانی خطای مردان طایفه می شوند. آنها به شدت زیر فشار روحی و تحقیر قرار دارند و مرتبه اجتماعی شان در عشیره بسیار پایین است. یکی از ضوابط ثبت آثار معنوی و ناملموس این است که اثری در فهرست ثبت می شود که رو به زوال و در حال انقراض باشد. یکی دیگر از شرایط ثبت نیز این است که آن سنت بعد از ثبت، باید پویا و پایدار شود و گزارشهایی از پویایی آن به ثبت کنندگان ارائه شود.

رویدادهای هنری ماه (مرداد ۹۹)

فتح الله کیائیهها

من عدوی تو نیستم ، انکار توام

مرداد با نام بزرگمرد شعر نو فارسی آغاز می شود و هجوم گزمه های حکومتی به جمع مشتاقان شعرش در آرامگاه امامزاده طاهر. این نمایشی است کوتاه، دردناک و تفکر برانگیز که هر ساله با برآمدن بامداد در دومین روز مرداد، بر سر مزار این هنرمند مردمی اجرا می شود. تفکر انگیز از آن جهت که مگر او در زندگی و شعرش چه کرده است که هر دو رژیم شیخ و



شاه تحمل کردنش نتوانند و میزان محبوبیت و مقبولیتش را برنتابند. شاید قسمتی از این پاسخ را بتوان در مجموعه اشعارش یافت و بسیاری دیگرش را در نوع و روش زندگیش که به زر و زور و تطمیع و تهدید حاکمیت "نه" گفت و آغوش گرم خلقی اسیر و زخم خورده را بر مقام و جاه و صندلی و میز و تشریفاتی فرمایشی که چاپلوسان هنری مدام در پی کسب آن به رقابت می پردازند، ترجیح داد.

او بیشتر در شعرش زندگی کرد و شعرش تصویر روشنی بود از زندگی اش و نوع نگرشش به جهان و انسان و اینکه جایگاه

انسان در کجاست و چگونه باید باشد و از چه قداستی می تواند برخوردار شود، اگر که بخواهد. شاید بتوان او را در یک جمله خلاصه کرد: **آمد، نه گفت و رفت** و اینک پیکرش در امامزاده طاهر و خودش در سینه خلق اسیر است؛ خلقی که شعرش را می خواند و حضور بر سر مزارش را حتی در زیر سایه چماق گزمه گان حکومتی درنگ نمی کند.

کوتاه شده ای از بیانیه کانون نویسندگان را بخوانیم: "چند ساعت پیش از آنکه اعضای کانون و دوستداران شاملو بر مزار او گرد آیند، ماموران امنیتی و انتظامی، زن و مرد، مجهز و پرشمار درهای گورستان را بستند و بر درگاه ها ایستادند تا از حضور افراد بر مزار شاملو جلوگیری کنند. به همین نیز بسنده نکردند و جمعیت را که کم کم بر تعداد آن افزوده و پشت در انبوه می شد وادار کردند تا از گورستان دور شود. کمی دورتر اما باز جمعیت گرد آمد. پوسترهایی که کانون نویسندگان ایران به مناسبت این روز منتشر کرده بود، زیر صدای تهدیدآمیز ماموران و کنار توقیف گوشیهایی که گمان می کردند با آنها عکس و فیلم گرفته شده، توزیع شد. عکس گرفتن و فیلمبرداری برای شرکت کنندگان ممنوع بود اما چندین مامور لحظه به لحظه از اتفاقها و حاضران عکس و فیلم می گرفتند که هم ابزار ایجاد هراس بود و هم امکانی برای شناسایی.

"فشار ماموران برای پراکنده کردن جمعیت ساعتی طول کشید و در این مدت صدای آهسته خواهش شان به فریاد بلند تهدیدآمیز انجامید. در چهارسال اخیر که بستن درها و ممنوعیت ورود اعضای کانون و دوستداران شاملو را بر فشارها و ممنوعیتهای سابق افزوده اند، نخستین بار بود که در این مراسم کسی بازداشت نشد. دقیق تر اینکه تا تنظیم این متن گزارشی از بازداشت کسی نرسیده است."

اخبار تکمیلی منتشر شده در شبکه های اجتماعی حکایت از آن دارد که در جریان این رویداد علی کاکاوند و روزبه سوهانی، دو تن از اعضای کانون نویسندگان توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند که بعدا روزبه سوهانی آزاد شده، ولی هنوز اطلاعی از وضعیت علی کاکاوند در دسترس نیست.

زبان و ادبیات

افتتاح آنلاین لغتنامه دهخدا

ده سال پس از فیلتر شدن وب سایت غیررسمی لغتنامه دهخدا، نسخه آنلاین رسمی این لغتنامه در وبگاه جدید مووسسه دهخدا و مرکز بین المللی آموزش زبان فارسی در دسترس همگان قرار گرفت.

نخستین وبگاه غیررسمی لغتنامه دهخدا در نیمه دوم دهه هشتاد آغاز به کار کرد، اما پس از اعتراضات سال ۸۸، به دلیل اضافه شدن بخشی به این وبگاه که در واکنش به حوادث روز ابیات متناسب با اعتراضات را منتشر می کرد، در سال ۸۹



فیلتر شد. پس از آن مقامهای قضایی و دولتی اعلام کردند که مسدود شدن این وبگاه به دلیل اعلام موضع مووسسه دهخدا مبنی بر نداشتن ارتباط با این وبگاه بوده است.

اما همان زمان، وب سایت "مشرق نیوز"، یکی از رسانه های امنیتی، در واکنش به اعتراضات به فیلتر شدن سایت لغتنامه نوشت: " این سایت در طول یک سال گذشته به فعالیت علیه منافع ملی و همکاری با جریانهای ضدانقلاب می پرداخت و در ستون کناری صفحه اول سایت با عنوان

چکامه، اشعاری با محتوای همسو با خواسته دشمنان نظام اسلامی منتشر می کرد".

اینک و پس از گذشت ده سال و در روز بیستم مرداد این وبسایت آغاز به کار دوباره خود را اعلام و مهدی تجلی، مدیر روابط عمومی مووسسه دهخدا، با اشاره به "استفاده غیرقانونی برخی وبگاهها و اپلیکیشنها از این لغتنامه" گفت این نسخه ها به صورت ناقص عرضه شده و اشکالاتی دارند که همگان متوجه آن نمی شوند.

نسخه رسمی لغتنامه دهخدا علاوه بر این که از نظر کامل و دقیق بودن قابل اعتماد اعلام شده، مزیتهایی نیز به نسبت دیگر نسخه های آنلاین دارد که امکان جستجو در معانی واژه ها یکی از این موارد است.

مووسسه لغتنامه دهخدا در پیوند با مرکز بین المللی آموزش زبان فارسی، هم اکنون در باغ عمارتی قرار دارد که محمود افشار یزدی (درگذشته ۱۳۶۲) برای سازمان لغتنامه دهخدا و گسترش زبان و ادبیات فارسی و ایران شناسی وقف کرد.

"نامش را پس بگیر": کتابهایی که نمی دانستید به قلم زنان نوشته شده



در تاریخ ادبیات جهان شکاف بزرگی میان زن و مرد وجود دارد. بسیاری از زنان نویسنده با استفاده از نام مستعار مردانه هویت زنانه خود را پنهان کرده اند تا نوشته های شان جدی گرفته شود. "شارلوت"، "امیلی" و "آن برونته" بسیاری از آثارشان را زیر نامهای "کارر"، "الیس" و "اکتون بل" منتشر کردند و "مری آن اوانز" در اثر "میدل مارچ" خود را پشت نام مردانه "جورج الیوت" پنهان کرد.

مسوولان "جایزه ادبیات داستانی زنان"، معتبرترین جایزه سالیانه کتاب در

بریتانیا برای رمانهای زنان که از سال ۱۹۹۶ بنیان گذاشته شد، در بزرگداشت ۲۵ سالگی این جایزه به منظور قدردانی از زنان نویسنده ای که در رویارویی با تعصب و تبعیض جنسیتی در طول تاریخ ناگزیر از انتشار آثارشان تحت نامهای مستعار مردانه بوده اند، کارزار جدیدی موسوم به "نامش را باز پس بگیر" به راه انداخته اند.

در این ابتکار جدید تعداد ۲۵ کتاب که اغلب شان متعلق به قرن نوزدهم است، منتشر می شود که روی جلد آن با نام اصلی نویسنده و اعتبار و تصاویری که شایسته اش است، پوشیده شده.

این کتابها را می توان به طور رایگان به شکل کتاب الکترونیکی دانلود کرد
www.independent.co.uk/extras/indybest/books/fiction-books/reclaim-her-name-

اما womens-prize-fiction-book-author-middlemarch-george-eliot-a9668126.html،

اصل کتابها به کتابخانه بریتانیا هدیه شده است و قابل خرید نیست.

هنرهای تجسمی

حراج آثار هنری برای التیام دردمندان

"بنکسی" تابلوهای نقاشی سه گانه ای را با هدف گردآوری کمک مالی برای بیمارستانی در "بیت لحم" به مزایده می



گذارد. سه تابلو نقاشی رنگ روغن اثر "بنکسی" که به بحران مهاجرت اشاره دارد، در حراجی "ساتبیز" لندن به فروش گذاشته خواهد شد. انتظار می رود این تابلوها که به عنوان "منظره دریای مدیترانه" شناخته می شوند، به قیمت ۸۰۰ هزار تا ۱,۲ میلیون پوند به فروش برسند.

چنین می نماید که "بنکسی" برای خلق این سه تابلو نقاشی از سبک دوره رمانتیسم منظره استفاده کرده باشد و جلیقه های نجات نارنجی رنگ و حلقه های نجاتی را در سواحل دریا خلق کرده تا به این وسیله مرگ مهاجرانی که در دهه اخیر به اروپا سفر کردند را به تصویر بکشد.

مدیر بخش هنر معاصر اروپایی در حراجی ساتبیز بیان کرد: "این تابلوهای سه گانه در گالری ساتبیز و در کنار آثار برخی از برترین نقاشان منظره تاریخ از جمله "بلوتو"، "فن خوین" و "ترنر" نصب شده است. با این حال این تابلوها از نظر پیام سیاسی که دارد، منحصر بفرد هستند."

قرار است این سه اثر در جریان حراجی روز بیست و هشتم جولای ساتبیز در کنار خودنگاره ای از "رامبرانت" به فروش گذاشته شود.

بنکسی هنرمند گرافیتی کار اهل بریستول است که با نقاشیهای دیواری و هنر گرافیتی اعتراضی خود، شهرت جهانی دارد. با این حال هنوز هویت اصلی او فاش نشده است. نقاشیهای این هنرمند بیشتر به مسائل سیاسی و موضوعهایی مانند گرمای جهانی، جنگ، مهاجران، شنود غیرقانونی و شرایط سخت کاری پرداخته است. تاکنون بارها نقاشیهای این هنرمند از روی دیوار جدا و به قیمتهای چشمگیر فروخته شده است.

داستان مجسمه ای که حصر خانگی شد



در یکی دو ماه گذشته گزمه های حکومتی در وحشت از "ما"، یک مجسمه بتنی را شبانه با جرثقیل به انبار تجهیزات شهرداری منتقل کردند. این مجسمه از یک سال پیش در پیاده رو خیابان کارگر شمالی، در جوار پارک لاله، مستقر بود.

مجسمه بتونی "ما" در هفتمین دوسالانه مجسمه سازی تهران در سال ۱۳۹۷ توجه و تحسین فراوانی برانگیخت. مجسمه نخست مدتی در

ورودی موزه هنرهای معاصر ایستاد و سپس به ورودی "گذر هنر و فرهنگ" در جوار پارک لاله منتقل شد. این مجسمه پس از دو سال شبانه توسط ماموران شهرداری از محل برچیده و به انبار تجهیزات شهرداری منتقل شده که در واقع به معنای فراموشی و نابودی کامل آن است.

افشین صیقلی، مجسمه ساز، گلایه می کند که مجسمه او به "انتهای پرتگاهی رو به دره" منتقل شده است. او گفته است: "پاسخ شهرداری ناحیه دو در بلوار کشاورز یک جمله بود: بار اعتراضی داره." اهمیت "ما" در متفاوت بودن آن است که تلویحا با هویت انبوه شهروندان ناشناخته، صدایی غیر از صدای مسلط را تداعی می کند، و این نمی تواند برای حاکمان پذیرفتنی باشد. "ما" به عقیده سازنده اش می خواست با شهروندان وارد گفتگو شود، زمان را بپذیرد و بگوید که زخمهای ما پاک کردنی نیست، ترمیم شدنی است.

موسیقی

گروه متال ایرانی و محکومیت به زندان

خبرها حاکی از آن است که علی مادرشاهی، سعید مکاری و سروش خردمند، اعضای گروه موسیقی "آرسامس" در مشهد



که در سال ۱۳۹۵ بازداشت شده بودند، اکنون پس از برگزاری دادگاه در مجموع به ۱۵ سال زندان محکوم شده اند. اتهام این گروه موسیقی سبک "متال"، "شیطان پرستی و تبلیغ علیه نظام" عنوان شده است. این گروه موسیقی در حساب رسمی اینستاگرام خود از صدور حکم مزبور خبر داد و به ناعادلانه بودن آن اعتراض کرد.

گروه موسیقی آرسامس از مهم ترین گروههای متال ایران است. این گروه به سرپرستی علی مادرشاهی از سال ۱۳۸۱ با سبک "ثرش/ دث متال" فعالیت خود را آغاز کرد. آرسامس در دهه هشتاد توانسته بود به موفقیت‌های چشمگیری دست یابد و به چند فستیوال بین المللی موسیقی نیز دعوت شده بود. گروه برزیلی *Sepultura*، آرسامس را به عنوان مهمان ویژه به کنسرت ارمنستان، از کنسرتهای تور جهانی خود، دعوت کرده بود.

موسیقی متال در ایران اغلب به صورت زیرزمینی اجرا می شود و هیچگاه مورد حمایت حکومت نبوده است. اواخر دهه هفتاد بود که موسیقی زیرزمینی ایران پذیرای سبک متال شد. امروز بیش از ۱۰۰ گروه متال در ایران فعالیت می کنند که البته جز در بین طرفداران این سبک موسیقی شناخته شده نیستند. گروههایی مثل "کَهِت میان" با سرپرستی همایون مجدزاده که اتفاقاً از معدود گروههای این سبک است که مجوز کنسرت و آلبوم از وزارت ارشاد دارد، یا گروه "نارانتیست" که اکنون دیگر در ایران فعالیت نمی کند، در کنار "آرسامس" از معروف ترین گروههای ایران متال در ایران هستند.

سینما

سینما در پنجه کرونا

کرونا چونان کابوسی وحشتناک گریبان هالیوود را گرفته است. به خلاصه ای در این باره توجه کنید: این ویروس مرگبار باعث تعطیلی سینماها شد، تمامی پروژه های هنری را لغو کرد و هزاران نفر در بخشهای گوناگون این صنعت و مشاغل مرتبط با آن بیکار شدند. نزدیک به دو میلیون نفر در هالیوود شاغل هستند و صنعت سینما حدود ۴۰۰ هزار کسب و کار آمریکایی را تغذیه می کند. از این تعداد بیش از ۷۰۰ هزار نفر در کالیفرنیا زندگی می کنند و میزان حقوق و مزایای دریافتی سالانه آنها حدود ۱۶ میلیارد دلار است.

همچنین لغو اکران فیلمها، سینماهای آمریکا به ویژه تالارهای خصوصی و کوچک را با مشکلات بسیاری مواجه کرده است و حتی برخی از سینماهای زنجیره‌ای آمریکا تا مرز ورشکستگی پیش رفته اند.



بحران کنونی فقط یک مشکل آمریکایی نیست و سایر کشورهای جهان را نیز تحت تاثیر قرار داده است. به گزارش تارنمای "وُرد اکانامیک فورام"، ارزش روزانه صنعت سینما، تلویزیون و هنرهای خلاقه در اقتصاد بریتانیا، حدود ۶۰ میلیون پوند است و با توجه به این که در این دوره بحرانی هزاران نفر مشاغل خود را از دست دادند، این موضوع سایر بخشهای اقتصادی جامعه را نیز تحت تاثیر قرار داده است.

در شرایطی که برخی از فیلمهای سینمایی یا سریالهای تلویزیونی آمریکایی در سایر کشورهای جهان تولید می شوند، توقف تولید این پروژه ها بر اقتصاد محلی این مناطق نیز تأثیرگذار است. بر اساس آمار وب سایت یاد شده، میزان درآمد سالانه استودیوهای بزرگ و شرکتهای پخش کننده فیلم حدود ۱۳۶ میلیارد دلار است که رقم قابل توجهی در اقتصاد جهانی محسوب می شود.

جشنواره فیلم تورنتو برگزار می شود

جشنواره فیلم تورنتو روز دهم سپتامبر با فیلمی از کارگردان آمریکایی "اسپایک لی" گشایش می یابد و تا ۱۹ سپتامبر ادامه خواهد داشت. این جشنواره در کنار جشنواره "کن" و "برلیناله" از بزرگترین جشنواره های ملی و بین المللی فیلم



به شمار می رود و کارشناسان آن را سکوی پرتابی برای رسیدن به اسکار می دانند. این جشنواره فاقد بخش مسابقه رسمی و هیات داوران است و "بهترین" فیلمها را تماشاگران با انداختن رای به صندوق برمی گزینند. امسال فیلم سینمایی "بندربند" محصول مشترک ایران و آلمان به جشنواره بین المللی تورنتو راه یافته است. این فیلم آخرین اثر کارگردان سرشناس ایرانی منیژه حکمت است که در بخش اصلی چهل و پنجمین دوره جشنواره بین المللی فیلم تورنتو اکران می شود. این بخش جشنواره، ویژه فیلمهایی با داستانهایی جذاب و توأم با چشم انداز جهانی است.

بر اساس معرفی نامه و تریلری که وبسایت جشنواره از این فیلم منتشر کرده، داستان آن در جنوب ایران و هنگام سیل اتفاق می افتد. این منبع می نویسد: "در "فیلم جاده ای" منیژه حکمت "که سرشار از موسیقی است، یک گروه موسیقی جوان به مقصد تهران راه می افتد، اما در سیلاب گرفتار می شود." در این فیلم ۷۵ دقیقه ای رضا کولغانی، پگاه آهنگرانی، مهدیه موسوی و امیرحسین طاهری ایفای نقش می کنند.

مهران

م . وحیدی



سلام
من مهران هستم. هنوز مدرسه نمی روم و تازه شش سالم تمام شده. من به جای اینکه در خانه بمانم و بازی کنم، با وزنه کار می کنم که کمک خرج خانه مان باشم. از وقتی «کرونا» آمده، زندگی ما سخت تر و سفره امان خالی تر شده و دیگر هیچی نداریم بخوریم. یک ماه پیش، بابام مریض شد و دو هفته بعد مرد. بعد برادر کوچکم مریض شد و هر چه داشتیم دادیم تا او را مداوا کنیم و حالا بهتر شده و می تواند غذا بخورد. بیشتر داروهای برادرم را از بازار سیاه خریدیم که خیلی گران بودند و بعضیهاشان هم قلبی از آب درآمدند.

مادرم در خانه است و الان خرج خانه امان را خواهرم می دهد. او معلم است و بعد از ظهرها هم تو یک کارگاه خیاطی کار می کند و صبحها که من خوابیده ام می رود سرکار و غروب بر می گردد. این ماسک را هم او برایم دوخته و سفارش کرده هر وقت به کوچه و خیابان می روم به صورتم بزنم و تمیز نگهش دارم که مریض نشوم. بعضیها به من می گویند: «چرا اومدی بیرون کار می کنی...ممکنه کرونا بگیری؟!» ولی من مجبورم بیرون کار کنم تا کمک خرج خانه امان باشم و اگر مجبور نبودم نمی آمدم. الان دست کم می توانم چند نان یا کمی پنیر و میوه بخرم ببرم خانه مان. گاهی وقتها خسته می شوم و حوصله ام سر می رود و نمی دانم چکار کنم و دوست دارم بازی کنم. گاهی روزها مشتریهای خوبی دارم که بعد از وزن کردن پول بیشتری به من می دهند و آدمهای مهربانی هستند. دیروز ماموران شهرداری آمدند حمله کردند به دستفروشها و همه را کتک زدند و بساط شان را غارت کردند. نزدیک بود مرا هم بگیرند و وزنه ام را ببرند که من زود فرار کردم و نتوانستند مرا بگیرند. من ماموران شهرداری را دوست ندارم و از آخوندها متنفر هستم.



حسن بهار

س. پگاه



به ستایش فصلها می نشینم
با جویباران اقاقی
که سیاهی را
می شویند
و تصویر پرنده را
در آسمان پدیدار می کنند
ابرها که ببارند، رودها سخن می گویند
و صخره ها، در افقهای دور
سرود می خوانند
فصل نو
کوچه ها را پر می کند
و جهان
با حقیقت تو
زاده می شود
مرداد ۹۹ مشهد

از پشت هزاره ها

م. صبح

من ترانه ای می خوانم
در طراوت باران
روزی که تو
باز خواهی گشت
و درختان نقره ای
از سیاهی و مه
سر برون می آرند
و در قاب روشن فردا
بال می گشایند

ستاره ها که ببارند
شبانه های باستانی
رنگ می بازند
و سپیدارها
در آینه
تکثیر می شوند
از پشت افقهای شب زده
چراغهای خاموش
مرثیه می خوانند
زمانه تلخی ست!
با طرح بر که های سکوت
در نیزارهای خونین
و تفنگی
که از دریچه کین
شلیک می شود
نگاه می کنم، به مهتاب کمرنگ
بر قاب پنجره ام
و اخگری
که در سینه باد
نمی سوزد
آه!
ای نیمروز کوتاه سربی
که از کرانه دور می چکی!
دانه های الماست را
بردامان شب ریز!
تا جهان
در حریر روشنی
یوست بیاندازد
کعبه ام کجاست؟
ای برآمده از تنگنای آفتاب!
عشق را نشانم بده!
دستهایم هنوز
خواب تو را می بینند
همراه من باش!
تا شعر خفته بر که ها را
بیدار کنیم

مرا ببوس

مرجان

مرا ببوس.... مرا ببوس
کنار چوبه دار.... به عهد خود وفادار...
که سر نهیم به راه خلق خویش
ستاره می فروزد... به حال ما بسوزد
فدایی طلایه دار کنون به پیش
شب سیه کجا رویم
یکی یکی جدا رویم
که رقص هم ببینیم...
به روی چوبه دار، ترا خدا نگهدار
شکفته شد... زخون ما
زغنچه جنون ما، سرود عشق و ایثار
به یاد رزم و پیکار
به شور و شوق دیدار
زجان ما جوانه زد، به خاوران شراره زد
قسم به جان در خاک ، به عاشقان بی باک
دلاوران چالاک
ای داغتان تازه...
در قلب ما می جوشد...
پر کینه می خروشد
که نام پاکتان پاینده است
دستی پر شقایق ...
جویبار خونینش...
آیینه هر عاشق.....
خاوران ما همواره تابنده است

چالشهای معلمان (شهریور ۹۹)

فرنگیس بایقره

تجمع معلمان خرید خدمات اصفهان



روز جمعه ۱۰ مرداد، شماری از معلمان خرید خدمات اصفهان در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و پرداخت نشدن دستمزد، در مقابل دفتر مجمع نمایندگان حکومت از این شهر در مجلس دست به تجمع زدند.

تجمع کنندگان دریافت حقوق معوقه، بیمه های مقطعی و بلا تکلیفی در تعیین وضعیت استخدامی را از جمله مشکلات خود بیان کردند.

یکی از معلمان با بیان اینکه از سال گذشته تاکنون

دو ماه حقوق دریافت کرده گفت با دریافت این میزان حقوق، در تنگنای مالی قرار گرفته است.

یکی دیگر از معلمان هم با اشاره به اینکه از سال ۹۳ وارد این طرح شده گفت: "امسال قرار است آموزش و پرورش ۲۸ هزار نفر را با آزمون استخدام کند، بدون اینکه معلمان خرید خدمات با سالها سوابق کاری و تجربه در این آزمون حضور داشته باشند."

در پایان تجمع معلمان خرید خدمات، عباس مقتدایی، از نمایندگان رژیم در مجلس، با پاس دادن معلمان به آموزش و پرورش و اینکه در این مورد وزارتخانه مزبور "باید پاسخگو باشد و پیگیری کند"، به این اکتفا کرد که بگوید "نامه ای خطاب به وزیر آموزش و پرورش تنظیم شده تا پاسخگوی مشکلات معلمان خرید خدمات باشد".

محکومیت دبیرکل کانون صنفی معلمان تهران به دو سال حبس



محمدتقی فلاحی، دبیرکل کانون صنفی معلمان تهران، به دو سال حبس تعزیری محکوم شد. این حکم در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب صادر شده و قابل تجدیدنظر است.

محمدتقی فلاحی در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه ۹۸، همزمان با روز معلم، در پی حضور در تجمع اعتراضی فرهنگیان در مقابل مجلس شورای اسلامی، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به زندان تهران بزرگ منتقل شد. آقای فلاحی ۶ روز پس از بازداشت، در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه با تودیع قرار از این زندان آزاد شد.

وی در مردادماه ۹۸ به تحمل ۸ ماه حبس تعزیری و ۱۰ ضربه شلاق محکوم شد که اجرای این حکم به مدت ۳ سال تعلیق شده بود.

اعتراض کانون صنفی معلمان ایران (تهران) به حکم صادر شده برای محمدتقی فلاحی

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) با انتشار بیانیه ای به حکم ناعادلانه زندان برای دبیر خود به شدت اعتراض کرد. این تشکل در بیانیه ای که روز آدینه ۱۰ مرداد به همین مناسبت منتشر کرد نوشت: "این اولین بار نیست که اعضای کانون صنفی معلمان در سراسر کشور مورد بازجویی و احکام سنگین قضایی قرار میگیرند و متأسفانه گویی پایان هم ندارد."

معلمان نوشتند: "با اتهامی که به محمد تقی فلاحتی نسبت داده شده، همه اعضای کانونهای صنفی و همه تشکلهای مستقل صنفی و مدنی و همه احزاب و سازمانها چون جناب فلاحتی محکوم هستند و بر اساس این دیدگاه مسوولان قضایی و حاکمیت، همه حرکتیایی که کاستیها و قصور سیستم موجود را آشکار کنند، مجرمند و لایق اعدام و زندان و شلاق ... !!!"

آنها تاکید کردند: "با وجود فشارهایی که بر جامعه مدنی و نهادهای صنفی وارد می شود، این نهادها همچنان در جهت ارزش گذاری به قانون و اعتلای جامعه معلمان و آموزش کشور تلاش خواهد کرد و از برخوردهای اعمال شده هراس و بیمی نداشته و ندارند."

و ادامه داده اند: "کانون صنفی معلمان تهران با تمام توان، از فعالیتهای دبیر خود جناب محمدتقی فلاحتی دفاع کرده و اعلام می نماید ایشان هیچ فعالیتی بر خلاف تصمیمات و نظرات کانون صنفی معلمان تهران نداشته و همواره بر مسیر قانون گام برداشته است."

تشکل صنفی معلمان در پایان بیانیه خود روشن کرده اند: "کانون صنفی معلمان ایران (تهران) بار دیگر صدور این قبیل احکام ظالمانه برای فعالان صنفی و مدنی را به شدت محکوم می کند و به مردم ایران و معلمان این سرزمین اعلام می دارد همچنان برای رسیدن به حقوق صنفی و بر حق دانش آموزان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته ادامه خواهد داد و از قوه قضایی کشور می خواهد به قوانین کشور احترام بگذارد و با بصیرت بیشتر اتهامات را بررسی، سپس حکم صادر کند."

تجمع آموزش دهندگان نهضت سواد آموزی

جمعی از آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی که از استانهای مختلف کشور به تهران آمده اند، روز یکشنبه ۱۲ مرداد مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.



این تجمع کنندگان که تعداد آنها نزدیک ۲۰۰ نفر است و از سال ۸۲ با نهضت سواد آموزی همکاری دارند، نسبت به لغو قرارداد آموزش دهندگی در سال جدید اعتراض دارند.

به گفته معترضان، نهضت سواد آموزی که در سال ۹۰ در وزارت آموزش و پرورش ادغام شده، در سال جدید اجازه تدریس به این آموزش دهندگان نداده است و اکنون این افراد پس از سالها تدریس در نهضت سوادآموزی بیکار شده

اند. تجمع کنندگان خواسته خود را عقد قرارداد تدریس عنوان کردند و گفتند: پس از سالها خدمت در نهضت سوادآموزی با کمترین دستمزد و بدون حمایتهای قانونی مانند بیمه، کمترین کاری که مسوولان می توانند انجام دهند، تغییر وضعیت ما به حق التدریس است.

تجمع بازنشستگان فرهنگی مقابل وزارت آموزش و پرورش

روز چهارشنبه ۱۵ مردادماه ۱۳۹۹، جمعی از معلمان در اعتراض به اجرا نشدن طرح رتبه بندی مشاغل در مقابل وزارت آموزش و پرورش در تهران تجمع کردند. معترضان با سر دادن شعارهایی از جمله "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم"، خواستار رسیدگی مسوولان به خواسته های خود شدند.

معلمان حق التدریس مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند

معلمان خرید خدمت استانهای مختلف کشور، مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند.

برابر اخبار دریافتی، معلمان در استانهای مختلف نیز تجمعات مشابهی را در مقابل استانداریها برگزار کرده اند. معترضان در مورد دلایل تجمع روز یکشنبه ۱۹ مرداد می گویند: "اصلی ترین خواسته صنفی معلمان خرید خدمت تبدیل وضعیت استخدامی است. سالهاست که نمایندگان مجلس در این مورد وعده می دهند. اما تاکنون موفق نشده اند که مسوولان وزارت آموزش و پرورش را برای استخدامی پیمانی معلمان خرید خدمت قانع کنند و این وزارتخانه هم ما را به رسمیت نمی شناسد."

جمعیت معلمان خرید خدمت، ۲۴ هزار نفر در سراسر کشور است. بخشی از حقوق آنها از طریق بودجه عمومی تامین اعتبار می شود.

پس از ۴ سال زندان؛ سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران آزاد شد



روز یکشنبه ۱۹ مرداد حکم آزادی محمود بهشتی لنگرودی، فعال صنفی و سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران، که بعد از تجمعات صنفی معلمان در شهریور ۱۳۹۴ بازداشت شده و دوران محکومیت پنج ساله خود را در زندان اوین می گذراند، از سوی دادیاری زندان اوین ابلاغ شد. پیشتر در مهر ماه ۱۳۹۸، حسین تاج، وکیل مدافع محمود بهشتی لنگرودی از مخالفت با آزادی مشروط این فعال صنفی معلمان خبر داده بود. به گفته او: "این درخواست با موافقت مسوولان زندان و ضابطین به مرجع قضایی ارسال شده بود که از سوی دادستان تهران با آن مخالفت شد."

مخالفت با درخواست آزادی مشروط در حالی صورت می گرفت که آن زمان آقای بهشتی لنگرودی ۴ سال از محکومیت ۵ ساله خود را پشت سر گذاشته بود و بر اساس قانون می توانست از حق آزادی مشروط استفاده کند. او طی ماه های گذشته بارها درخواست آزادی زودهنگام خود را به دفتر دادستانی ارائه کرده، اما پاسخ قانع کننده ای به درخواست آزادی مشروط او داده نشده بود.

محمود بهشتی لنگرودی در خرداد ۱۳۳۹ در شهرستان لنگرود در استان گیلان به دنیا آمد. در همین شهر بزرگ شد و به مدرسه رفت. در سال ۱۳۶۲ در رشته ادبیات عرب مدرک لیسانس خود را دریافت کرد و از همان سال به صورت حق التدریسی در آموزش و پرورش مشغول به کار شد، تا اینکه هفت سال بعد توانست به استخدام رسمی در بیاید. در همان سال ۶۲ و با آغاز معلمی با آدینه مرادعلی بیگی نیز ازدواج کرد؛ ازدواجی که ابوذر و سارا ثمره آن هستند. بهشتی لنگرودی به گفته خود از سال ۱۳۷۸ فعالیتهای صنفی را در جهت بهبود وضعیت معلمان آغاز کرد؛ فعالیتی که برای او هزینه های سنگین در پی داشت و در دهه های ۸۰ و ۹۰ بارها پای او را به دادگاه و زندان باز کرد.

تجمع فرهنگیان خرید خدمت یزد در برابر استانداری

جمعی از فرهنگیان خرید خدمت شاغل در واحدهای آموزشی استان یزد روز یکشنبه ۱۹ مرداد با تجمع در مقابل ساختمان استانداری یزد خواستار رسیدگی به مطالبات صنفی خود شدند.

تجمع آموزش دهندگان نهضت سواد آموزی مقابل وزارت آموزش و پرورش

آموزش دهندگان نهضت سواد آموزی باردیگر در روز سه شنبه ۲۱ مرداد مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند. این آموزش دهندگان گفتند: ما باوجود فعالیت چندساله جزو مشمولان آزمون قرار نگرفتیم. ما بلا تکلیف مانده ایم و خواستار تعیین تکلیف هستیم. به گفته معترضان، آموزش دهندگان قبل از سال ۹۲ حتی به عنوان حق التدریس هم جذب نشده اند و به هرجا مراجعه کرده اند، به آنها گفته شده باید منتظر آزمون مشمولان شوند. آموزشیاران نهضت سواد آموزی در روز یکشنبه ۱۹ مرداد نیز مقابل مجلس تجمع کرده بودند.

همبستگی یک تشکل فرهنگیان آذربایجان شرقی با کارگران اعتصابی هفت تپه

کانون صنفی مستقل فرهنگیان آذربایجان شرقی با صدور اطلاعیه ای همبستگی خود را با کارگران هفت تپه اعلام کرد و خواهان توجه حاکمیت به خواسته های آنان شد.

این تشکل نوشت: "سری جدید اعتراضات کارگران هفت تپه نزدیک به دو ماه است در خیابانهای شوش در این وانفسای سخت کرونایی و مبارزه نفس گیر در جدال با مرگ، گرمای بالای ۵۰ درجه خوزستان، دست و پنجه نرم کردن با گرانی افسار گسیخته [ادامه دارد]. مسوولان استانی و ملی با بی تفاوتی آشکار مطالبات آنها را نادیده گرفته و مانند اعتراضات سایر صنوف سعی در کم رنگ کردن و غیرقانونی جلوه دادن آنها دارند."

معلمان می گویند "آیا مسوولین از خود پرسیده اند دانش آموزی که پدر و مادرش ماه ها حقوق دریافت نکرده است، چگونه می تواند با فراغ بال به تحصیل مشغول باشد؟"

معلمان حاکمیت را به "حقوق بر جای مانده معلمان، کارگران، دانشجویان، زنان، فعالان محیط زیست و ..." فراخوانده اند و تاکید می کنند: "سیاستهای سرکوبگرانه و امنیتی راه به جایی نخواهد برد."

وزیر آموزش و پرورش: شروع سال تحصیلی از ۱۵ شهریور قطعی است

وزیر آموزش و پرورش تاکید کرد: اصل مهم شروع سال تحصیلی در ۱۵ شهریور است و این موضوع قطعی است و از ۱۵ شهریور همه دانش آموزان باید تحت آموزش قرار بگیرند اما کیفیت عرضه خدمات آموزشی می تواند به صورت حضوری، نیمه حضوری، تلویزیونی، بسته های آموزشی یا شبکه شاد باشد.

محسن حاجی میرزایی گفت: "بازماندگان از تحصیل به هر طریق ممکن باید به مدرسه بازگردانده شوند و شرایط کرونا نباید فرصتی برای جدایی کودکان از آموزش و مدرسه ایجاد کند."

تجمع معلمان قرار دادی مقابل مجلس

روز یکشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۹۹، جمعی از فرهنگیان حق التدریس در مقابل ساختمان مجلس و برای اعتراض به وضعیت نابسامان شغلی تجمع اعتراضی برگزار کردند.

معلمان معترض خواستار تعیین وضعیت شغلی و استخدام در آموزش و پرورش به صورت رسمی هستند. آنها پلاکاردهایی در دست داشتند که خواسته های آنها همچون "ما کارگر فصلی نیستیم، ما معلمیم"، "معلم غیرانتفاعی، کارگر فصلی نیستیم"، "استخدام حق مسلم معلم غیرانتفاعی" و ... خواهان استخدام رسمی در وزارت آموزش و پرورش هستند.

باوجود وعده های مسوولان آموزش و پرورش مبنی بر تغییر وضعیت استخدام معلمان حق التدریس به استخدامی رسمی، اما این امر تاکنون محقق نشده است.



تجمع پذیرفته نشدگان آزمون استخدامی آموزشیاران نهضت سوادآموزی مقابل مجلس

شماری از پذیرفته نشدگان آزمون استخدامی آموزشیاران نهضت سوادآموزی در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت شغلی خود، روز یکشنبه ۲۶ مرداد مقابل مجلس تجمع کردند.

معترضان از شهرها و سایر مناطق و نواحی کشور به تهران آمده بودند تا پیگیر وضعیت شغلی خود باشند، آنان در تشریح دلایل اعتراض خود گفتند: بعد از برگزاری آزمون استخدامی آموزشیاران نهضت سوادآموزی، تعداد حدود شش هزار نفر

نتوانستند در این آزمون با کسب حد نصاب نمره قبولی پذیرفته شوند که باتوجه به بالا رفتن سن و سوابق بالای شغلی و اینکه در سالهای آینده شانس استخدام شدن را ندارند و همچنین فرصت هیچ شغل دیگری برای آنها وجود ندارد، از نمایندگان مجلس و سایر مسوولان مربوطه درخواست داریم در ارتباط با جذب این تعداد آموزشیار کمک کنند.

تجمع اعتراضی معلمان مدارس غیردولتی مقابل مجلس



صبح روز یکشنبه ۲۶ مردادماه جمعی از معلمان مدارس غیردولتی کشور در اعتراض به شرایط کاری و قراردادی خود در مقابل مجلس تجمع اعتراضی برگزار کردند.

در این تجمع که برای سومین بار در سال جاری برگزار شد، معلمان پلاکاردهایی با مضمون درخواست استخدام در آموزش و پرورش، داشتن امنیت شغلی، داشتن سهمیه دولتی، برگرداندن بیمه سالهای قبل، استفاده از بیمه حمایتی دولت و ... در دست داشتند

و تلاش کردند اعتراض خود را نسبت به شرایط نامساعد و غیرعادلانه کاری و قراردادی به گوش نمایندگان مجلس برسانند.

شب طولانی معلمان شهرستانی در پارک



جمعی از آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی که تعداد زیادی از آنان را زنان تشکیل می دهند، شب سه شنبه ۲۸ مرداد را در یکی از پارکهای تهران سپری کردند تا بتوانند صبح روز بعد با حضور در برابر مجلس، مطالبات شان را پیگیری کنند. این معلمان خواستار استخدام در آموزش و پرورش و به رسمیت شناخته شدن حقوق کاری خود هستند.

آنها که از شهرهای دور و نزدیک به تهران آمده اند می گویند: "سالها در سخت ترین شرایط و در دورافتاده ترین مناطق کشور به

امر تعلیم و تربیت اشتغال داشتیم؛ با هزاران سختی و دشواری کار سوادآموزی را دنبال کردیم. حالا شایسته نیست که برای جذب در سیستم آموزشی کشور آواره باشیم و شبها را در پارکها سپری کنیم."

همبستگی جمعی از بازنشستگان فرهنگی و تامین اجتماعی با کارگران هفت تپه

روز یکشنبه ۱۹ مرداد، جمعی از بازنشستگان فرهنگی و تامین اجتماعی برای اعلام همبستگی با کارگران هفت تپه و حمایت از خواسته های شان در تجمع کارگران مقابل فرمانداری شرکت کردند.

(منابع: ایلنا، هرانا، ایسنا، کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی، کانال معلمان عدالتخواه)

دانشگاه در ماهی که گذشت (مرداد ۹۹)

کامران عالمی نژاد

۱۶۸ داوطلب آزمون دکتری وزارت بهداشت کرونا گرفته اند



روز سه شنبه ۷ مرداد، آزمون MHLE به عنوان اولین آزمون وزارت بهداشت با حضور حدود ۲ هزار داوطلب برگزار شد. سعید هاشمی، رییس مرکز سنجش آموزش پزشکی، گفت: "تعداد داوطلبان مبتلا به ویروس کرونا، ۱۶۸ نفر است. این تعداد بر اساس فرمهای تکمیل شده خود اظهاری توسط داوطلبان آزمون دکتری سال ۹۹، مشخص شده است. وی خاطر نشان کرد: "افرادی که قبلا در فرم خود اظهاری، بیماری کرونای خود را اعلام کرده اند، در محل جداگانه ای آزمون خواهند داد. همچنین اسامی داوطلبان مبتلا قبل از آزمون به دانشگاههای مربوطه از طریق مرکز سنجش آموزش

پزشکی اعلام خواهد شد و دانشگاهها موظف هستند پس از برقراری تماس با داوطلب مورد نظر محل آزمون وی را یک روز قبل از به داوطلب اعلام کنند و هماهنگیهای لازم جهت شرکت داوطلب در آزمون و ایجاد محیط ایمن برای سایر داوطلبان انجام شود.

۸۹ هزار داوطلب دوره دکتری کارت ورود به جلسه خود را دریافت کردند

سخنگوی سازمان سنجش آموزش کشور اظهار کرد: ۸۹ هزار و ۹۰۹ نفر کارت ورود به جلسه خود را دریافت کرده اند. در ادامه وی گفت: همچنین در آزمون دوره دکتری ۱۷۹ هزار و ۷۰۴ نفر ثبت نام کرده اند. براساس اطلاعاتی که داوطلبان در سامانه خوداظهاری تکمیل کرده اند در آزمون دوره دکتری ۵۴ داوطلب کرونایی حضور دارند که برای این افراد حوزه امتحانی جداگانه در نظر گرفته شده است.

تجمع دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان



جمعی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در روز یکشنبه ۱۲ مرداد در محوطه این دانشگاه تجمع کردند.

این تجمع اعتراضی که با حضور فعالان و اعضای شورای صنفی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان برگزار شد، دانشجویان با تنظیم نامه ای مشترک خطاب به وزیر بهداشت، ضمن بیان مشکلات شان، با انتقاد از آنچه عدم تعامل منطقی مسوولان دانشگاه با دانشجویان و زیر پا گذاشتن شان دانشجویان خوانده اند، خواستار تعیین نماینده ای ویژه توسط وی برای استیفای مطالبات خود شدند.

پول مافیای کنکور به برخی از مسوولان هم می رسد

احمد نادری عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس یازدهم در روز چهارشنبه ۸ مرداد در برنامه گام دوم بسیج دانشجویی دانشگاه علم و صنعت که پیرامون برگزاری کنکور سال ۹۹ برگزار شد، گفت: با توجه به شیوع کرونا در سراسر جهان، تمام عرصه های فردی و اجتماعی انسانی متأثر از این ویروس هستند. کشور ما را نیز با مسائل گوناگونی روبه رو کرده است و کنکور آخرین موضوع حال حاضر متأثر از کرونا است؛ که با ارائه نظرات گوناگون فراز و فرودهای بسیاری

داشته است.

وی در پاسخ به این سوال که آیا دولتها نتوانستند کنکور را حذف کنند یا عواملی نگذاشتند که این امر اتفاق بیافتد؟ گفت؛ بخشی به دلیل وجود مافیا بود و بخش دیگرش به دلیل عدم وجود زیرساختهایی برای جایگزین مناسب است تا بتوانیم در یک فاصله ۵ تا ۱۰ ساله به تدریج کنکور را حذف کنیم. بنده منکر مافیا نمی شوم و همه جا گفته ام مافیای کنکور هست و گردش مالی سنگینی دارد که این پول بعضاً به برخی از مسئولان در برخی دوره ها هم می رسد. نادری همچنین گفت: مافیای کنکور یک حالت شبه قانونی دارد. مافیا در تمام دنیا حالت زیرزمینی و غیرقانونی دارند. در ایران مافیای کنکور آمده با توسل به سیستمهای سنتی مانند وقف و امثالهم یک نوعی از کلاه شرعی و قانونی درست کرده و خود را شبه قانونی کرده است؛ از یک سو هم به برخی مسئولان رسیده و می رسد.

برگزاری کنکور کارشناسی ارشد



باوجود همه گیری ویروس کرونا در نقاط مختلف ایران، کنکور کارشناسی ارشد روز پنجشنبه ۱۶ مرداد برگزار شد و ۶۹۱ هزار و ۹۶۸ نفر در این آزمون شرکت کردند.

بر اساس اعلام سازمان سنجش، ۸۵ داوطلب آزمون کارشناسی ارشد به کرونا مبتلا هستند. ابراهیم خدایی، رییس سازمان سنجش، گفت که آزمون این داوطلبان در بیمارستانهای طالقانی و مسیح دانشوری بدون مشکل برگزار شد.

پیش از این، کنکور دکترا روز پنجشنبه ۹ مرداد، با حضور ۱۷۵ هزار داوطلب در ۶۰ شهرستان برگزار شده بود.

بی مسوولیتی سازمان سنجش نسبت به سلامت داوطلبان آزمونها

در ۲۰ روز اول مرداد ماه ۱۰ آزمون در ایران برگزار شد که شواهد نشان می دهد در آزمونهای پرجمعیت و سراسری پروتکل‌های بهداشتی به درستی رعایت نشده است. ۲ آزمون با جمعیت ۸۰۰ هزار نفری را سازمان سنجش آموزش کشور برگزار کرد و ۸ آزمون دیگر را مرکز سنجش پزشکی وزارت بهداشت برپا کرد.

پروتکل‌های بهداشتی تعیین شده شامل فاصله گذاری اجتماعی، تهویه مناسب، استفاده از ماسک و مایع ضدعفونی کننده می شود. اخباری که از آزمون دوره دکتری اولین آزمون سراسری پرجمعیت در روزهای کرونایی با حضور ۱۷۹ هزار نفر داوطلب منتشر شد حاکی از آن بود که فاصله گذاری اجتماعی به درستی رعایت نشده بود، تعدادی از داوطلبان از ماسک استفاده نکردند، پدهای الکلی برای پاک کردن استامپ در زمان ثبت اثر انگشت در آزمون به اندازه کافی در اختیار داوطلبان قرار نگرفته بود. تعدادی از داوطلبان توانسته بودند گوشی تلفن همراه به حوزة های امتحانی ببرند. مراقبان به اقدامات متخلفانه داوطلبان اهمیت نمی دادند و از آنها فاصله می گرفتند.

واگذاری مدیریت درآمد و هزینه به استانهای دانشگاه آزاد اسلامی

احمد حیدری، معاون امور مجلس و ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی در حاشیه شانزدهمین جلسه هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی استان همدان با اشاره به مصوبات این جلسه اظهار کرد که کلیات بودجه سال مالی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ این استان پیش بینی و تصویب شد.

او از واگذاری مدیریت درآمد و هزینه به استانهای دانشگاه آزاد اسلامی از شهریور ۹۹ خبر داد و افزود: بررسی روند مالی، دانشجویی و مباحث درآمد و هزینه دانشگاه آزاد اسلامی از دیگر مواردی است که مقرر شد افزایش، کاهش یا ثبات شهریه رشته های مختلف در ترم آینده در اختیار هیات امنای استانی قرار گیرد.

جزئیات برگزاری مراسم عزاداری محرم در دانشگاهها



حجت الاسلام تقوی، معاون فرهنگی سیاسی نهاد رهبری در دانشگاهها با اشاره به برنامه های عزاداری دانشگاهها در دهه اول محرم گفت: نهاد رهبری در دانشگاهها نمی تواند برای تک تک دانشگاهها برنامه ریزی کند و اینگونه نیست که ما بگوییم باید چه اقداماتی در این زمینه انجام دهند، البته در شرایط عادی و پیش از این برنامه هایی را اعلام می کردیم اما در شرایط فعلی و شیوع بیماری کرونا ستاد ملی مبارزه با کرونا و سازمان تبلیغات اسلامی شرایطی را برای برگزاری برنامه ها و عزاداری های محرم اعلام کردند.

وی افزود: شرایط در استانهای مختلف متفاوت است و استانهایی در وضعیت قرمز، وضعیت هشدار و سایر وضعیتها متفاوت است و بر اساس این اقتضائات تصمیم گیری می شود.

گلایه دانشجویان صنعت نفت از بهانه های غیر واقعی وزارتخانه

دانشگاه صنعت نفت از جمله دانشگاههای دولتی است که در سال ۱۳۱۸ فعالیت خود را با عنوان «آموزشگاه فنی آبادان»



آغاز کرد و بعدها چهار دانشکده نفت آبادان، اهواز، تهران، علوم دریایی محمودآباد را زیرمجموعه خود ایجاد کرد.

دانشگاه صنعت نفت در دولت روحانی دستخوش تغییراتی شد که از مهمترین آنها می توان به جلوگیری از استخدام دانشجویان در شرکتهای تابعه وزارت نفت اشاره کرد. این تحولات سالهاست که مورد اعتراض دانشجویان و دغدغه مندان صنعت نفت قرار گرفته، اما متأسفانه پیگیریها پیرامون آن، تا کنون نتیجه

قابل قبولی نداشته و همچنان شاهد بلاتکلیفی وضعیت این دانشگاه و دانشجویان آن هستیم.

در سال ۱۳۹۶ دانشکده نفت تهران در پی برگزاری آزمون استخدامی و تحسن دانشجویان، موقتاً تعطیل شد و همچنان در تعطیلی بسر می برد. دانشگاه علوم دریایی محمود آباد نیز هنوز تعطیل است. دانشجویان و رشته های تحصیلی این دو دانشکده در همان سالها به دانشکده نفت آبادان انتقال پیدا کردند و دیگر دانشجویی در آنها پذیرش نشد و مشخص نیست این تعطیلی تا چه زمانی ادامه دار باشد.

(منابع: آنا، خبرگزاری دانشجو، مهر، ایسنا، ایران اینترنشنال، انصاف نیوز، باشگاه خبرنگاران جوان، ایرنا، کانال شورای صنفی دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی)

کانال تلگرام رادیو پیشگام

@radiopishgam

<https://telegram.me/radiopishgam>

گاوروزان سلامت (مرداد ۹۹)

امید برهانی

تجمع کادر درمانی بیمارستان یاسوج

تعدادی از کادر درمان پیمانی و رسمی بیمارستان جلیل یاسوج (بیمارستان معین کرونای استان کهگیلویه و بویراحمد) در روز شنبه ۴ مرداد با تجمع جلوی استانداری خواستار پرداخت مطالبات خود از جمله کارانه و پاداش کرونا شدند. یکی از اعضای کادر درمان این بیمارستان به خبرنگار گفت: از مسوولان و متولیان امر انتظار داریم صدای ما را بشنوند و مطالبات ما را پرداخت کنند. وی افزود: با جان و دل در خدمات رسانی به بیماران کرونایی تلاش کرده ایم اما حدود ۲۰ ماه قبل مطالبات خود را دریافت نکرده ایم.

تجمع نیروهای شرکتی بهداشت و درمان مقابل مجلس

نیروهای پرستاری، اتاق عمل، هوشبری، آزمایشگاهی، روانشناس، پزشک، تغذیه و... که در روز یکشنبه ۵ مرداد در مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند، خواستار حذف شرکتهای واسطه پیمانکاری و تبدیل وضعیت استخدامی خود به صورت پیمانی و رسمی هستند.



آنها گفتند: نیروهای شرکتی شاغل در حوزه های بهداشت و درمان در چند ماه اخیر آنچنان درگیر رسیدگی به مریضهای بدحال مبتلا به کرونا بودند که وقتی برای پیگیری مطالبات خود نداشتند. درحالی که در این مدت مسوولان وزارت بهداشت، نمایندگان مجلس و... مدام وعده رسیدگی به خواسته هایمان را می دادند. این در شرایطی است که کادر شرکتی مراکز بهداشتی و درمانی در برخورد با بار مراجعه بیماران، دچار فرسودگی جسمی و روحی شده اند.

معترضان افزودند: نیروهای شرکتی بعضاً ۱۳ تا ۱۴ سال سابقه کار دارند اما از کارانه، اضافه کار و دیگر مزایای شغلی بی بهره هستند.

ابتلای ۱۱ نفر از کادر درمان به کرونا در یک شیفت بیمارستان خورشید

رئیس دانشگاه علوم پزشکی اصفهان اعلام کرد که: تنها در یکی از شیفتهای بیمارستان خورشید ۱۱ نفر به کرونا مبتلا شده اند و به مرخصی رفته اند. در این شرایط که کادر درمان مبتلا به کرونا برای قرنطینه به مرخصی رفته اند برای جایگزین نیروی درمانی خدمت رسانی در مراکز درمانی و بهداشتی با مشکل روبرو هستیم. وی افزود: تاب آوری کادر درمان رو به اتمام است و نگران سلامت کادر درمانی این استان هستیم چون از زمان شیوع کرونا تاکنون، ۵۰۰ نفر از کادر درمان مراکز درمانی و بهداشتی استان اصفهان به این ویروس نفس گیر مبتلا شده اند.

اعتصاب کارکنان بیمارستان هاشمی در شهرستان ریگان

روز سه شنبه ۷ مرداد، کارکنان بیمارستان هاشمی رفسنجان شهرستان ریگان در استان کرمان برای اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق و مطالبات خود دست از کار کشیدند. یکی از تجمع کنندگان گفت: در روزهای سخت کرونایی ما از جان خود گذشته و در حال خدمت رسانی با تمام فراز و نشیب و کاستیها هستیم، اما برای تهیه مخارج خود و خانواده به پول نیاز داریم.

وی افزود: با وجود همه کاستیها و نبود امکانات مناسب بهداشتی و حفاظت فردی در بیمارستان به کار خود با تمام توان ادامه خواهیم داد اما با عدم توجه مسوولان ذریبط روحیه ما و همکاران به شدت ضعیف شده است

کمبود پرستار و افزایش مرگ و میر از کرونا

محمد شریفی مقدم دبیرکل خانه پرستار گفت: قبل از پاندمی کرونا، تعداد پرستاران براساس مولفه هایی همچون نسبت جمعیت و براساس شاخص و استانداردهای جهانی تعیین می شد. اگر دولت می خواست از مردم مراقبتهای مناسب صورت بگیرد باید به ازای هر هزار نفر، ده پرستار استخدام می کرد، که این استاندارد در اکثر کشورهای اروپایی رعایت می شود و در برخی از کشورها مانند بلژیک به ازای هزار نفر، ۱۲ پرستار دارند. کیفیت متوسط مراقبت از مردم به ازای هزار نفر، پنج تا شش پرستار است و اگر مردم بخواهند از حداقل مراقبتهای برخوردار باشند به ازای هر هزار نفر سه پرستار نیاز است، قبل از شیوع کرونا در ایران متوسط تعداد پرستاران برای هزار نفر، ۵/۱ پرستار بود، یعنی نصف حداقل استانداردهای جهانی و نصف برخورداری مردم از حداقلهای مراقبتی! سیاستهای اشتباه و پزشک سالارانه وزارت بهداشت در ۲۰ سال گذشته و افزایش بیمارستانها، باعث شد ما از دوران پیش از انقلاب که جمعیت کشور کمتر بود، سرانه پرستار نسبت به تختهای بیمارستانی با رکود شدید مواجه باشیم.

بعد از شیوع کرونا که مداخله پزشکی در درمان بیماران نتیجه ای ندارد، بار اصلی و ۹۰ درصدی مراقبتهای بیماران کرونایی بر دوش پرستاران قرار گرفت. در این شرایط جامعه پرستاری ما با افسردگی و خستگی مفرط مواجه شده است. فشار کاری در ابتدا باعث خستگی مفرط و سپس به خستگی مزمن تبدیل می شود و تعدادی از پرستاران را ناخواسته از چرخه خدمت خارج می کند.

استثمار پرستاران فقط با هدف سودجویی

با وقوع بحران کرونا در کشور، پرستاران در کنار پزشکان در خط مقدم مبارزه با این بیماری همه-گیر قرار گرفتند. از آنجا



که مراوده پرستاران و ساعتهای تماس کادر پرستاری با بیماران کرونایی بسیار بیش از پزشکان است، آنها حتی نسبت به پزشکان، در معرض خطر ابتلا و مرگ و میر بیشتر ناشی از کرونا قرار دارند. با این حال، در یک ماه اخیر در چندین استان کشور، پرستاران در اعتراض به وضعیت ناامن شغلی، بی ثبات سازی نیروهای پرستاری و تبعیض درآمدی در نظام سلامت کشور دست به تجمع زدند. در واقع بحران کرونا، توان بخش بهداشت و درمان و معضلات و مشکلات عمیق تر سیاستگذاری فعلی بهداشت و درمان کشور را روشن تر کرد.

لازم به ذکر است که این معضلات ساختاری، صرفا به مقامات وزارت بهداشت فعلی خلاصه نمی شود بلکه حکایت از روندی طولانی و ساختاری دارد که توجه به آن، نه صرفا از جهت توجه به وضعیت پرستاران بلکه از جهت بهبود وضعیت سلامت و بهداشت عموم مردم کشور شایان توجه است.

طبق اظهار نظر پرستاران که در روز یکشنبه ۲۶ مرداد پوشش خبری داشت، معضل اصلی این بخش از نیروهای کار در سالیان اخیر، به سیاست شرکتی سازی اشتغال پرستاران در سالهای گذشته مربوط است که هنوز با وجود پیامدهای زیانبار آن برای بخش سلامت و عموم مردم کشور، ادامه دارد. به طور مشخص در مورد پرستاران، معضل اصلی و مرکزی از سال ۱۳۹۲ در دوران تکیه سیدحسن قاضی زاده هاشمی بر وزارت بهداشت آغاز شد.

در سال ۱۳۹۲، وزارت بهداشت تصمیم گرفت پای شرکتهای پیمانکاری نیروی انسانی را به حوزة سلامت باز کند و در واقع خدمت پرستاری را به این شرکتهای برون سپاری کند، به طوری که دیگر وزارت بهداشت طرف قرارداد با پرستاران نباشد

بلکه این شرکتها در نقش دلال و واسط بین دولت و پرستاران قرار گیرند. اتخاذ این سیاست در نظام سلامت، از یک سو موجب شد دولت و به طور مشخص وزارت بهداشت، از زیر بار برقراری رابطه حقوقی پایدار و امن با پرستاران شانه خالی کند؛ از سوی دیگر، قراردادی سازی یا موقتی سازی پرستاران در این شرکتها، به قطع یا کاهش شدید استخدام پرستاران منجر شد و در نتیجه بی ثبات سازی و ناامنی عمیق شغلی و روانی این قشر مهم از کادر درمانی کشور را در پی داشت. موضوع جالب دیگری که برخی از کارشناسان سلامت در خصوص این شرکتها مطرح می کنند، حضور برخی از مسوولان وزارتخانه بهداشت، در مقام اعضای هیات مدیره یا مسوولان همین شرکتهای تامین نیروی انسانی پرستار است که شائبه فساد را در پی دارد؛ برای مثال، یکی از شرکتهای پیمانکاری تامین نیروی انسانی پرستاران که تقریباً شرکت اصلی تامین پرستاران برای برخی بیمارستانهاست، طبق گفته مدیرعامل سابق خود ۸۰۰۰ نیروی پرستار در اختیار دارد که اکنون و در سه سال اخیر شمار پرستاران آن بیشتر هم شده است.

نگاهی به شاخصهای استانداردهای جهانی، حکایت از کمبود شدید تعداد پرستار نسبت به جمعیت کل کشور دارد. در شرایطی که شاخص تعداد پرستار به طور متوسط در کشور دانمارک ۱۴ نفر برای هر هزار نفر، در کل اروپا و ژاپن ۱۰ نفر برای هر هزار نفر و حتی در گرجستان ۶ نفر و در کمترین نسبت جهانی، ۳ نفر برای هر هزار نفر است، این شاخص در کشور ما طبق آمارهای موجود ۱ و نیم نفر برای هر هزار نفر است. این شاخص حتی در برخی استانها از قبیل خوزستان، به حدود نیم نفر برای هرتخت نیز کاهش می یابد.

توقیف روزنامه به خاطر افشای آمار دروغ رژیم



روزنامه جهان صنعت به خاطر انتشار مصاحبه با یکی از اعضای ستاد ملی کرونا، محمد رضا محبوب فر، در شماره روز یکشنبه ۱۹ مرداد، به خاطر گزارشی تحت عنوان "به آمار دولتی اعتمادی نیست" توقیف شد. محمدرضا محبوب فر، در گفتگو با جهان صنعت از مهندسی شدن آمار کرونا پرده برداشته و آمار حکومت را "یک بیستم آمار حقیقی" اعلام کرد و تاکید کرد که این آمار "مهندسی شده" و "بر اساس ملاحظات سیاسی و امنیتی به جامعه تزریق می شود."

تجمع کارکنان شرکتی بهداشت و درمان دستکم در هفت استان

ایجاد بحران در نظام سلامت مردم به طور عام و ایجاد مشکلات عدیده شغلی و روانی و درآمدی برای پرستاران به طور خاص، مهمترین ثمره تولد هفت ساله شرکتهای پیمانکاری تامین نیروی انسانی است. گرچه یکی از مهمترین حوزه این شرکتها در بخش پرستاری است اما محدود به آن نیست و در بخشهای دارویی، تجهیزات پزشکی و غیره نیز تقریباً کارکرد تهدید سلامت عمومی مردم را دارند. طی سالهای گذشته کادر درمانی و به ویژه پرستاران به این امر اعتراض کرده اند. روز دوشنبه ۲۰ مرداد، کارکنان شرکتی بهداشت و درمان با تجمع همزمان در سراسر کشور مقابل استاندارها خواهان تبدیل وضعیت و حذف شرکتهای پیمانکاری شدند.

*آذربایجان غربی - جمعی از پرستاران شرکتی آذربایجان غربی برای اعتراض به تبعیض توسط شرکتهای پیمانکاری و نداشتن امنیت شغلی خود، مقابل استانداری در ارومیه تجمع کردند. این تجمع با دخالت نیروهای انتظامی و متفرق کردن تجمع کنندگان خاتمه پیدا کرد.

***خوزستان -** جمعی از کارکنان طرح تحول سلامت دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز با تجمع مقابل ساختمان استانداری خوزستان ضمن اعتراض به سطح نازل حقوق و عدم پرداخت به موقع آ»، خواستار حذف شرکتهای پیمانکاری و تبدیل وضعیت خود شدند.



***کرمان -** کارکنان شرکتی مراکز بهداشت و درمان، مراقبان سلامت، کارشناسان تغذیه و ماماهاى کرمان در اعتراض به سطح نازل حقوق و رفتار تبعیض آمیز شرکتهای پیمانکاری و عدم تبدیل وضعیت مقابل استانداری تجمع کردند یکی از تجمع کنندگان گفت: متأسفانه با توجه به حجم بالای کاری که ما انجام می دهیم، میزان حقوقی که دریافت می کنیم اندک است و همین حقوق اندک هر ۶۵ روز یک بار پرداخت می شود و هیچ مزایایی نداریم، این در حالی است که ما دوشادوش کادر درمان در جبهه مبارزه با کرونا خدمت رسانی می کنیم

***خراسان رضوی -** کارکنان شرکتی بهداشت و درمان خراسان رضوی در اعتراض به سطح نازل حقوق و رفتار تبعیض آمیز شرکتهای پیمانکاری و عدم تبدیل وضعیت مقابل استانداری در کلانشهر مشهد تجمع کردند.

یکی از تجمع کنندگان گفت: حدود ۵ سال است که به صورت شرکتی در مراکز مختلف بهداشتی و درمانی مشغول به کار هستیم. در بیمارستانها و مراکز بهداشت مانند سایر نیروهای رسمی و پیمانی و قراردادی در حال کار و خدمت شیفی هستیم، اما با نصف حقوق نسبت به دیگر پرسنل و در شرایط کاری مساوی این کار را انجام می دهیم.

***فارس -** تعدادی از کارکنان شرکتی علوم پزشکی شیراز در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت و برای حذف شرکتهای پیمانکاری مقابل این دانشگاه تجمع کردند.

***تهران -** جمعی از کارکنان شرکتی بهداشت و درمان استان تهران مقابل سازمان اداری و استخدامی تجمع کرده و خواهان تبدیل وضعیت و حذف شرکتهای پیمانکاری شدند.

آنها گفتند: مجلس و دولت درخواست ما را پاس کاری می کنند. مجلس به گردن دولت می اندازد و دولت به گردن مجلس؛ سر آخر ما می مانیم و اعتراضاتی که تا این لحظه به جایی نرسیده اند.

تجمع مبتلایان به بیماری «سی اف» و خانواده‌های آنان مقابل ساختمان وزارت بهداشت و درمان

تعدادی از مبتلایان به بیماری «سی اف» و خانواده‌های آنان در روز شنبه ۲۵ آبان برای اعتراض به گرانی داروهای مصرفی این بیماری، مقابل ساختمان وزارت بهداشت و درمان در تهران تجمع کردند.

در پلاکاردهایی که تجمع کنندگان در دست داشتند جمله‌هایی چون؛ «داروی کرون = حیات بیماران سی اف»، «بیماران سی اف را دریابید»، «فرزندم مرا ببخش، من توان خرید کرون ۶۰۰ هزار تومانی را ندارم»، «از این که رنج و دغدغه خانواده‌های سی اف را درک می‌کنید، سپاسگزارم» و «من یک بیمار سی اف هستم ولی پدرم توان خرید دارو را ندارد»، نوشته شده بود.



شده بود.

پیش از این در روز سه شنبه ۲۱ مرداد تعدادی از شهروندان ساکن مشهد در اعتراض به گرانی دارو برای مبتلایان به بیماری «سی اف» مقابل یکی از بیمارستانهای این شهر تجمع کردند.

بیماری «CF» یا «سیستیک فیبروز» یکی از بیماریهای ژنتیکی است که شایع‌ترین بیماری دستگاه تنفسی نیز شناخته شده است. مهمترین عضوی که در این بیماری درگیر می‌شود ریه است و هزینه درمان این بیماری در ایران بسیار بالاست. مسوولان مربوطه چندین مرتبه وعده داده اند که داروهای این بیماری با قیمت مناسب توزیع خواهد شد اما تاکنون در این خصوص اقدامی عملی صورت نگرفته است که اعتراض مبتلایان به این بیماری و خانواده‌هایشان را در پی داشته است.

وضعیت قرمز در بیمارستان رازی اهواز

خوزستان رئیس بیمارستان رازی اهواز از اشغال ۹۰ درصدی تختهای ICU این بیمارستان برای بیماران مبتلا به کرونا خبر داد. روز چهارشنبه ۲۹ مرداد، دکتر فرهنگ کره بندی با اشاره به آخرین وضعیت بیمارستان رازی به عنوان تنها بیمارستان پذیرنده بیماران مبتلا به کرونا، اظهار کرد: در حال حاضر بیماران مبتلا به کرونای اهواز و شهرهای اطراف، در بیمارستان رازی اهواز پذیرش می‌شوند بنابراین وضعیت بیمارستان برای ما قرمز محسوب می‌شود.

وی افزود: در حال حاضر حدود ۸۵ تا ۹۰ درصد تختهای ICU و ۵۰ تا ۶۰ درصد تختهای عادی بیمارستان رازی اشغال هستند.

مارکسیسم، کینزیسم و بحران سرمایه داری

دولتها همه جا برای به اقتصاد جهانی پول پمپاژ می کنند تا آن را زنده نگه دارند و طرفداران نظریات کینزی این امر را تاییدی بر طرح خود مبنی بر برنامه های محرک اقتصادی دولت و کنترل دولتی تقاضای می دانند. اما فقط مارکسیسم است که راه حلی در دست دارد.

آدم بوث* / مارکسیسم دات کام
برگردان: بابک

اپیدمی کرونا موجب شاید بروز عمیق ترین بحران در تاریخ سرمایه داری شده است و همه جا آن را با بحران جهانی دهه ۳۰ قرن بیستم مقایسه می کنند. چرا که اقتصاد جهانی در حال فروپاشی است و بیکاری در همه کشورها به صورت جهشی رشد می کند.



در انگلیس پیش بینی می شود که تولید ناخالص ملی در سه ماهه بعدی حداقل ۱۵ درصد کاهش یابد. در آلمان، تخمین این که بازده اقتصادی حدود ۶ درصد عقبگرد خواهد کرد، به نظر بیشتر محتاطانه است. بنا به پیش بینی "مورگان استنلی"، در آمریکا این رقم کاهشی ۳۰ درصدی را در سال جاری در بر خواهد گرفت. بیش از ۳۰ میلیون نفر در حال حاضر شغل خود را در ایالات متحده از دست داده اند. در انگلیس فقط در دو هفته یک میلیون نفر متقاضی کمک اجتماعی شدند.

دوره های فوق العاده به اقدامات فوق العاده نیاز دارد. طبقه حاکم تمام کارتهای باقیمانده خود را بازی می کند. مشکل این است که زرادخانه های آنها به دلیل تلاش برای مبارزه با آخرین رکود از پیش به مصرف رسیده است. با نرخ بهره صفر درصد، سیاست پولی به انتهای مرز خود رسیده است. سالهای "کاهش کمی" منجر به افت سود شده و بدهی دولت به دلیل نجات بانکها در آخرین بحران جهانی به اوج رسیده است. به طور خلاصه، مهمات آنها برای مقابله با این بحران تمام شده است.

در نتیجه، دولتهای سراسر جهان چاره ای جز پمپاژ مستقیم پول به اقتصاد برای نگه داشتن سیستم ندارند. کشورهای پیشرفته سرمایه داری کمک تریلیونی، از جمله ۲,۲ تریلیون دلار از طریق اقدامات بانکهای مرکزی و ۴,۳ تریلیون دلار توسط مالیاتهای دولت را دستور کار گذاشته اند و به احتمال زیاد، با نگاه به آنچه که برای پیشگیری از سقوط کامل بازارها در هفته ها و ماههای آینده لازم خواهد شد، این فقط نوک کوه یخی است.

همه الان سوسیالیست شده اند؟

بسیاری از ناظران آنچه را که می بینند باور نمی کنند. دولت محافظه کار انگلستان یکشنبه مداخله ای بی سابقه در اقتصاد را آغاز کرد و متعهد شد ۳۳۰ میلیارد پوند (۱۵ درصد تولید ناخالص ملی) برای کمک به مشاغل کوچک و مالکان خانه و

همچنین مبلغ نامحدودی برای یارانه دستمزد کارگران اختصاص دهد. در آلمان در مجموع ۱,۲ تریلیون یورو به صورت وام و ضمانت تضمین شده است. این مبلغ نزدیک به یک سوم تولید ناخالص ملی آلمان است. این کمک شامل صندوق ۶۰۰ میلیارد یورویی ثبات اقتصادی برای شرکتهای بزرگ و کمکهایی بیشتر برای خودشاغلان و مشاغل کوچک به ارزش ۵۰ میلیارد یورو می شود. همچنین پرداخت کمک هزینه کار پاره وقت برای حدود ده میلیون کارمند که در نهایت پرداخت نوعی سوبسید به شرکتهای آنهاست. در ایالات متحده به نظر می رسد دونالد ترامپ برای توزیع "پول هلیکوپتر" (چاپ پول) به خانواده های آمریکایی قانع شده است. هر شهروند به طور بالقوه می تواند مبلغ ۱۰۰۰ دلار به طور پستی دریافت کند.

ریچارد نیکسون، رییس جمهور جمهوریخواه، در دوره مشابهی از بحران در اوایل دهه ۱۹۷۰ گفت: "اکنون ما همه کینزی شده ایم." در آن زمان دولت وی به یک سیاست اقتصادی توسعه گرا روی آورد. به همین ترتیب، بسیاری امروز اعلام می کنند که "اکنون ما همه سوسیالیست شده ایم" زیرا دولتهای بزرگ سرمایه داری همه جا برای نجات سیستم، تعصب خود به بازار آزاد را از پنجره بیرون می اندازند.

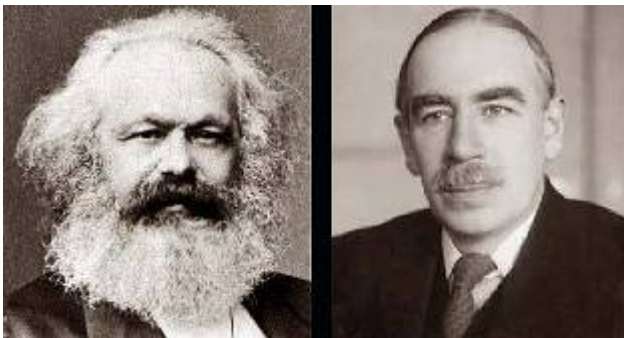
یک روزنامه نگار در روزنامه "تلگراف" (The Telegraph)، بلندگوی محافظه کاران، نوشت: "بوریس باید فوراً به سوسیالیسم روی بیاورد تا بتواند بازار آزاد لیبرال را نجات دهد." تیترا یک روزنامه دیگر محافظه کار، "اسپکتور" (The Spectator)، اعلام کرد: "بحران ویروس کرونا، محافظه کاران را به سوسیالیست تبدیل می کند."

کسانی که گرایش چپ دارند و سالها علیه ریاضت اقتصادی و برای مطالباتی مانند "درآمد پایه ای بی قید و شرط" کمپین کرده اند، اکنون به طور واضح عقیده دارند که دوره آنها فرا رسیده است. حتی "جرمی کوربین"، رهبر پیشین حزب کارگر، گفت که اقدامات فوری دولت محافظه کار، توجیهی برای برنامه اقتصادی وی است. اکنون اینجا "درخت جادویی پول" معروف سبز شده که محافظه کاران همیشه می گفتند وجود ندارد!

به ویژه، طرفداران سیاست کینزی - یعنی بسته های محرک دولتی و مدیریت اقتصادی - بر این باورند که سرانجام ثابت شده نظریه های آنها صحیح بوده است. در مورد پیروان معاصر آنها نیز همین موضوع صادق است: هواداران "تئوری مدرن پولی" (Modern Monetary Theory- MMT) که توسط نمایندگان ارشد حزب دموکرات در ایالات متحده، مانند "الکساندریا اوکاسیو-کورتز" (Alexandria Ocasio-Cortez) و همچنین از سوی مشاوران اقتصادی بانفوذ جنبش کارگری انگلیس ارائه می شود.

به نظر می رسد وقایع اخیر بهترین استدلال را در برابر منتقدان جناح راست در اختیار فعالان قرار می دهد که می پرسند هزینه یک سیاست رادیکال چگونه پرداخت می شود؟ پاسخ آنها این است: می خواهید خدمات درمانی و آموزش رایگان داشته باشید؟ مشکلی نیست، فقط کافی ست پول چاپ کنیم. سرمایه گذارهای کلان در انرژی سبز؟ نگران نباشید، ما می توانیم شیر پول دولت را باز کنیم. می خواهید به همه "حقوق پایه ای بی قید و شرط" (universal basic income - UBI) بدهید؟ خیلی ساده است، به حساب بنویسید! مشکل فقط این است که این حساب باید روزی پرداخت شود و سوال واقعی این است: توسط چه کسی؟

منظور از کینزیسم چیست؟



اگر حقیقت را بگوییم، اصطلاح "نظریه پولی مدرن" چندان درست نیست. در واقع این یک تئوری با اهمیت نیست و به ویژه زیاد مدرن نیست. در اصل، تئوری مزبور فقط برگرفته هایی از تفکرات "جان مینارد کینز" (John Maynard Keynes) است که معتقد بود دولتها می توانند با "تحریک تقاضا" سیستم سرمایه داری را کنترل و تنظیم کنند.

کینز که در سال ۱۹۴۶ درگذشت، یک اقتصاددان انگلیسی بود که به خاطر نوشته هایش در دوره ناآرام جنگ مشهور شد. او اگرچه امروز از سوی جنبش کارگری و چپ مورد استقبال و تکریم قرار می گیرد، اما کینز یک لیبرال سختگیر بود. او

به کلی با سوسیالیسم، بلشویسم و انقلاب روسیه مخالفت بود و با افتخار می گفت که "مبارزه طبقاتی مرا در جبهه بورژوازی تحصیل کرده پیدا خواهد کرد".

در حقیقت ایده های او برای کمک به طبقه کارگر طراحی نشده بود؛ برعکس، تلاش برای ارائه راهکار به دولتهای سرمایه داری به منظور رهایی از بحران بود. به ویژه معروف ترین اثر وی - نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول - (The General Theory of Employment, Interest and Money) پاسخ مستقیمی به بحران و بیکاری گسترده بود که در آن تاریخ آمریکا، انگلیس و تمام اروپا را دربرگرفته بود. کینز طرفدار سوسیالیسم نبود، اما از به اصطلاح "بازار آزاد" انتقاد می کرد. او به درستی - مانند مارکس در چندین دهه قبل تر - دریافت که "دست نامرئی" بازار قادر مطلق نبوده و نیست و عرضه و تقاضا همیشه در "توازن" با یکدیگر قرار ندارد.

در عوض، سرمایه داری به طور دوره ای - مانند دهه ۱۹۳۰ - در یک چرخه باطل قرار می گیرد: افزایش بیکاری منجر به کاهش تقاضا می شود، کاهش تقاضا منجر به فروپاشی سرمایه گذاری شرکتها شده و نبود سرمایه گذاری باعث افزایش بیکاری و به همین ترتیب الی آخر.

به گفته کینز راه حل این است که دولت کاهش تقاضا را به هر قیمت جبران کند. به عبارت دیگر، دولتها باید آنجایی که بخش خصوصی سرمایه گذاری نمی کند، حضور پیدا کنند تا کارگران پولی در جیب برای خرج کردن داشته باشند. مساله او این نبود که کارگران بتوانند غذای خوبی بخورند، بلکه بیشتر آنکه خرید و مصرف کنند تا بازاری با "تقاضای مؤثر" ایجاد شود که سرمایه داران برای فروش کالای خود و کسب سود بدان نیاز دارند. به طور خلاصه، هدف برنامه کینز نه بهبود زندگی طبقه کارگر، بلکه نجات سرمایه داری از تضادهای خود بود.

در همین راستا امروز ما در سیاستهایی که در پاسخ به بحران کرونا تدوین می شود، شاهد پژواکی از تفکرات کینز هستیم. طبقه ممتاز چندان نگران انسانهایی که در کوتاه مدت جان می سپارند نیست، بلکه دغدغه بحران اقتصادی احتمالی را دارد که اگر کارگران نه شغل، نه پول و نه امکانی برای خرید کالاهای تولید شده سرمایه داری داشته باشند، فراخواهد رسید. همانند دوران رکود بزرگ، مساله طبقه حاکم و مشاوران اقتصادی آن نجات جان افراد عادی نیست، بلکه امکان بقای سیستم خود، سیستم کسب سود است.

طرح نوین

بیش از همه ایده های کینز تاثیر عمده ای در "طرح نوین" (New Deal) روزولت داشت. برنامه رییس جمهور روزولت برای بخش دولتی با هدف رشد اقتصادی ایالات متحده در دوران رکود بزرگ طراحی شده بود. چرا که این اقتصاددان انگلیسی در نظریه عمومی خود پیرامون اشتغال، بهره و پول گفته بود که دولت می تواند با حفر پول در زمین و تشویق کارگران به بیرون آوردن آن، تقاضا را تحریک کند. کینز می گفت: "نیازی نیست که کسی بیکار باشد. در واقع فرستادن بیکاران به خانه سازی و امثال اینها مفیدتر است. اما وقتی مشکلات سیاسی و عملی بر سر راه باشد، راه حل فوق بهتر از هیچ است."

امروز همین ایده ها همراه با پیشنهادات در باره "طرح جدید سبز" (Green New Deal - GND) که به یک تقاضای اصلی چپ سیاسی تبدیل گردیده، مطرح می شود؛ طرحی که اجرای آن از سوی الکساندریا اوکاسیو کورتز در آمریکا و فعالان چپ و اتحادیه ای در سراسر اروپا مطالبه می شود. با این حال، طرفداران طرح یاد شده نمی گویند که نسخه اصل آن هم موفق نبود؛ رکود مدتها پس از اجرای "طرح نوین" ادامه یافت (در حقیقت با ظهور سیاست حمایت گرایی به هزینه همسایگان، بدتر هم شد). بیکاری حتی افزایش یافت و تنها با شروع جنگ جهانی دوم و فراخواندن کارگران به ارتش و اشتغال در بخش تسلیحات رو به کاهش گذاشت.

حتی خود کینز نیز مجبور شد شکست را بپذیرد. وی نتیجه گیری کرد: "به نظر می رسد که برای یک دموکراسی سرمایه داری از نظر سیاسی غیرممکن است که هزینه ها را در چنان مقیاس بزرگی سازماندهی کند که برای انجام آزمایشهای

بزرگی که نظرات مرا اثبات می کند، لازم است، مگر در شرایط جنگ." این واقعیت در سالهای اخیر در چین نیز مشاهده می شود. چین به بزرگترین برنامه ساختمان سازی کینزی در یک دهه گذشته دست زد تا با اثرات بحران جهانی سرمایه داری رویارویی کند. اما نتیجه آن افزایش گسترده بدهیهای دولت و تضاد نامطلوب بین شهرهای ارواح از یکسو و کمبود



عظیم مسکن از سوی دیگر بود. این نتیجه منطقی تلاشهای کینزی برای مدیریت بوروکراتیک یک اقتصاد سرمایه داری و سود محور است. دلیلی بر این باور وجود ندارد که امروز یک "طرح جدید" در آمریکا انگلیس یا هر جای دیگر، سرنوشت بهتری خواهد داشت. همزمان مهم است که تفاوت بین این آزمایشهای ناموفق کینزی در گذشته و اقدامات

امروز سیاست گذاران و رهبران جهان که در شرایط تنگنای مشابهی اتخاذ می شود، در نظر گرفته شود. تدبیرهای سنتی کینزی تلاشی برای تحریک تقاضا - و به همراه آن سرمایه گذاری شرکتها - از طریق هزینه کردن دولت بود. در حال حاضر اما مساله اصلی تحریک تقاضا نیست، چرا که تولید تا حد زیادی توسط اپیدمی کرونا فلج شده است. موضوع در اصل به زنده نگه داشتن سیستم تا رسیدن شرایط فعلی به حالت عادی برمی گردد. نکته این است که اطمینان حاصل شود که رووسا برای زمانی که سوت آغاز بازی کشیده می شود، هنوز نیروی انسانی برای استثمار در اختیار داشته باشند و مهمتر از همه، موضوع به این برمی گردد که معاش ابتدایی کارگران تامین شود تا در این میان از انفجار اجتماعی جلوگیری شود.

هیچ چیز مجانی نیست

طرفداران "تئوری مدرن پولی" مانند پیشینیان سنتی کینزی خود معتقدند که هرگز نباید یک رکود اقتصادی ایجاد شود و ریاضت اقتصادی یا بودجه های متوازن نیز هرگز نباید ضروری باشد، چرا که - به گفته این تئوری - دولتها همیشه با ایجاد پول و هزینه کردن می توانند مداخله کنند.

آنگونه که به ما گفته می شود، به شرطی که کشورها ارز "مستقل" خود را داشته باشند، پول دولتها هیچوقت تمام نمی شود. زیر دولت همیشه می تواند با "چاپ" پول بیشتر بدهیهای خود را پرداخت کند.

آری، اسکناس را می توان "از هیچ" ایجاد کرد، اما ارزش پول و تقاضا را نمی توان. دولت می تواند پول تولید کند و آن را به بازار عرضه کند. اما نمی تواند تضمین کند که این پول فلان ارزش را هم داشته باشد. بدون وجود یک اقتصاد مولد به عنوان پایه، پول بی ارزش است. پول فقط شکل نمایش ارزش است و ارزش واقعی در تولید و به عنوان نتیجه کار لازم اجتماعی ایجاد می شود.

از این رو پولی که یک کشور ایجاد می کند فقط تا آنجا دارای ارزش است که منعکس کننده ارزشی باشد که در اقتصاد به شکل تولید و تبادل کالا در گردش است. هر گاه چنین نباشد، این فقط نسخه تورم و بی ثباتی خواهد بود. برای مثال، اگر دولت در شرایط مشابه دو اسکناس به جای یک اسکناس موجود چاپ کند، ارزش پول رایج به نصف کاهش می یابد، بنابراین، قیمتها دو برابر خواهد شد. پادشاهان قرون وسطایی - و زیردستان شان - این مساله را به گونه دردناکی آموختند، زمانی که قیمتها به سمت بالا جهش کردند و نرخ تورم در واکنش به کاهش ارزش بی پایان پول، انفجاری شد.

سرآخر در سرمایه داری هیچ چیز مجانی نیست. دولتها پول ویژه ای ندارند، مخارج دولت در نهایت باید از طریق مالیات یا استقراض پرداخت شود. هیچیک از اینها تقاضا ایجاد نمی کند، بلکه فقط جهت آن را از بخش خصوصی به سمت دولت می برد. برای مثال مالیات را فرض کنید، این باید یا بر طبقه سرمایه دار وضع شود که در واکنش سرمایه گذاری را کاهش می دهد، یا باید به طبقه کارگر تحمیل شود که در نتیجه هزینه کمتری نیز به مصرف اختصاص می دهد. در هر دو صورت تاثیر ایجاد شده محدود کردن تقاضا است نه ایجاد آن.

همین مساله در مورد وام دولتی نیز صدق می کند. پولی که امروز از سرمایه داران وام گرفته شده، فردا باید پرداخت شود و آنها با بهره. به بیان دیگر تقاضا را می توان اکنون توسط بدهیهای دولتی "تحریک" کرد، اما فقط هنگامی که تقاضا در آینده مهار شود. دولت می تواند با چاپ پول از وضع مالیات و استقراض جلوگیری کند. اما نمی تواند معلم و مدرسه، پزشک و بیمارستان یا مهندس و کارخانه چاپ بزند. اگر هزینه های سرمایه ای دولت تقاضا را فراتر از میزان عرضه موجود افزایش دهد، نیروهای بازار قیمتها را در سطحی وسیع افزایش می دهند، یعنی تورم ایجاد می کنند.

مرز غیرقابل عبور توانایی هر دولت سرمایه داری برای ایجاد و هزینه کردن پول، ظرفیت تولید اقتصاد است، یعنی منابع اقتصادی موجود در یک کشور از نظر صنایع، زیرساختها، آموزش، جمعیت و غیره. همزمان دولت می تواند پول ایجاد کند اما نمی تواند اطمینان حاصل کند که این پول در واقع نیز خرج می شود. این دولت نیست که تقاضای پول را ایجاد می کند، بلکه شرایط تولید سرمایه داری است و این تولید در نهایت توسط سود پیش می رود. شرکتها برای رسیدن به سود، سرمایه گذاری، تولید و فروش می کنند. آنجا که سرمایه داران نتوانند سود کسب کنند، تولید هم نمی کنند. به همین سادگی!

سرمایه داری و جامعه طبقاتی

هرگاه نیازهای اجتماعی توسط بخش خصوصی برآورده نشود، دولت می تواند قدم برداشته و خود به طور مستقیم آن را برآورده سازد. اما نتیجه منطقی این امر ایجاد پول بیشتر یا تامین "حقوق پایه ای بی قید و شرط برای همه" نیست، بلکه خارج کردن تولید از کنترل بازار از طریق ملی کردن مهمترین اهرمهای اقتصادی در چارچوب یک طرح منطقی، دموکراتیک و برنامه ریزی شده سوسیالیستی است. شما نمی توانید آنچه را که کنترل نمی کنید برنامه ریزی کنید و نمی توانید آنچه را که متعلق به شما نیست، کنترل کنید. با این حال کینزیسم از پاسخ به این مساله کلیدی در مورد مالکیت اقتصادی فرار می کند.

در واقع تجزیه و تحلیل اقتصادی کینزی به کلی عاری از مساله طبقات است. زیرا به نظر می رسد این واقعیت را کنار می زند که ما در یک جامعه طبقاتی با منافع اقتصادی متضاد زندگی می کنیم: منافع استثمارگران و منافع استثمار شده ها. تا زمانی که اقتصاد توسط سرمایه کلان و انحصارهای خصوصی اداره شود، تمام پولهای پمپاژ شده به سیستم در نهایت برای پرداخت کالاها مواد غذایی و مسکن تولید شده توسط سرمایه داران صرف می شود. به عبارت دیگر، تمام این پول به دست انگلهایی می رسد که با آن سود به جیب می زنند. این مشکل واقعی خواسته های رفرمیستی مانند "حقوق پایه ای بی قید و شرط" است که در امر به چالش کشیدن قدرت طبقه سرمایه دار کمکی نمی کند.

سرانجام نه کینزیها و نه مقلدان آن و طرفداران تئوری مدرن پول "و" "حقوق پایه بدون قید و شرط" هیچ پیشنهادی برای تغییر پایه ای مناسبات اقتصادی کنونی و دینامیسم مختل حاصل از آن ندارند. برای آنها مالکیت خصوصی سرمایه داری غیرقابل تعرض و مقدس است. بنابراین، هرج و مرج بازار دست نخورده باقی می ماند.

به طور خلاصه می توان گفت استراتژی آنها به جای غلبه بر سرمایه داری، نجات و ترمیم آن است. اما ما باید به ریشه های سیستم سرمایه داری بپردازیم: مالکیت خصوصی و تولید برای کسب سود. فقط اگر مالکیت اشتراکی ابزار تولید را تامین کنیم و یک برنامه اقتصادی دموکراتیک سوسیالیستی را به دست اجرا بگذاریم، می توان نیازهای جامعه را برآورده کرد. ما نمی توانیم از مسیر سوسیالیسم تن بزنیم.

مارکسیسم علیه کینزیسم

حتی در سالهای "شکوفایی اقتصادی" اخیر، ظرفیتهای تولید اقتصاد ناپایدار جهانی به طور کامل اشباع نشد. این "ظرفیت اضافی" به یک علامت مشخصه سیستمی تبدیل شده که مدتهاست دوران سودمندی خود را پشت سر گذاشته. سرمایه داری حتی در اوج خود تنها توانست نزدیک به ۸۰ تا ۹۰ درصد قابلیتهای تولید خود را به کار اندازد. در دوره های رکود این رقم به ۷۰ درصد یا کمتر کاهش می یابد. در رکودهای گذشته، رقم مزبور فقط ۴۰ تا ۵۰ درصد بوده است. اما سوالی که هرگز توسط کینزیها (از هر گرایش) مطرح نشده این است: در اصل ما چگونه وارد این وضعیت شدیم؟

"لری الیوت" (Larry Elliott)، سردبیر اقتصادی "گاردین"، یادآور می شود: "به کار بستن "تئوری مدرن پولی" او کینزیسم به طور کلی [مانند باد کردن لاستیک پنچر شده است. هنگامی که کامل باد شد دیگر نیازی به ادامه باد کردنش نیست. ولی علت اصلی خالی شدن باد چیست؟"

چرا از ظرفیت تولید ما به طور کامل استفاده نمی شود؟ چرا اقتصاد در این ماریپیچ نزولی کاهش سرمایه گذاری، بیکاری و راکد شدن تقاضا گیر افتاده است؟ چرا دولت مجبور است قدم برداشته و سیستم را نجات دهد؟ کینزیها پاسخی در برابر این سوالات ندارند. آنها به سادگی می گویند "اضافه ظرفیت" نتیجه نبود تقاضای موثر است، شرکتها سرمایه گذاری نمی کنند، زیرا تقاضای کافی برای کالاهایی که تولید می کنند وجود ندارد. ولی چرا وجود ندارد؟

مارکسیسم در مقابل، تجزیه و تحلیل علمی روشنی از سیستم سرمایه داری، مناسبات و قوانین آن ارائه می دهد و اینکه چرا به گونه اجتناب ناپذیر منجر به بحران می شود. در نهایت مساله به تولید اضافی برمی گردد. اقتصاد نه فقط به دلیل افت ساده تقاضا (یا از بین رفتن اعتماد) فرو نمی ریزد، بلکه به دلیل آن که نیروهای مولده با مرزهای محدود بازار در تضاد قرار دارند.



تولید تحت نظام سرمایه داری مبتنی بر سود است، اما برای رسیدن به سود سرمایه داران باید بتوانند کالاهایی را که تولید می کنند بفروشند. ولی سود از کار بدون مزد طبقه کارگر کسب می شود. کارگران نسبت به آنچه که در قالب مزد می گیرند، ارزش بیشتری تولید می کنند. تفاوت بین این دو، ارزش اضافی است که طبقه سرمایه داری در قالب سود اجاره و بهره بین خود تقسیم می کند.

نتیجه این است که در سرمایه داری یک تولید اضافی سیستمی و اجتناب ناپذیر وجود دارد. این فقط یک "نبود تقاضا"ی ساده نیست، کارگران هرگز نمی توانند تمامی کالاهایی را که تحت سرمایه داری تولید می کنند بخرند. توانایی تولید بیش از ظرفیت جذب بازار است.

البته این سیستم می تواند با سرمایه گذاری مجدد ارزش اضافی در ابزار جدید تولید یا با استفاده از اهرم وام برای گسترش مصنوعی بازار، این محدودیت را برای مدت زمان معینی برطرف کند. اما اینها فقط اقدامات موقت است که راه را برای بروز بحرانهای عمیق تر هموار می کند. مارکس و انگلس در مانیفست کمونیست در اوایل سال ۱۸۴۸ نوشتند: "بورژوازی چگونه می تواند بر بحرانها غلبه کند؟ از یک طرف از طریق نابودی قهری توده زیادی از نیروهای مولده و از طرف دیگر با فتح بازارهای جدید و استثمار کامل تر بازارهای قدیمی. و بالاخره از چه راهی؟ با ایجاد بحرانهای همه جانبه و خشونت بار بیشتر و کم کردن وسائل جلوگیری از آنها."

رکود اقتصادی سال ۲۰۰۸ نقطه اوج چنین روندی را به نمایش گذاشت؛ نقطه اوجی که به دلیل سیاست کینزی و رونق وام دهی در نهایت برای چندین دهه به تاخیر افتاد. اما اکنون یک بحران جدید حتی عمیق تر شکل گرفته است و نه کینزیها و نه نمایندگان "تئوری مدرن پول" نمی توانند راهی برای خروج از آن ارائه دهند. این وظیفه مارکسیستهاست.

کینزیسم و "تئوری مدرن پول" برای درمان یک بیماری مزمن، فقط داروی مسکن تجویز می کنند، اما آنها نمی توانند به درستی این بیماری را تشخیص دهند یا یک درمان واقعی ارائه دهند.

سوسیالیسم یا بربریت

سرمایه داران در تلاشی ناامیدانه گرد نجات سیستم خویش از سقوط متمرکز شده اند. اما آنچه امروز در قالب یارانه دستمزد، حقوق کار پاره وقت و هزینه های دولت به کارگران می دهند، فردا با اقدامات ریاضتی از آنها گرفته خواهد شد. کسانی در جنبش کارگری که خواستار اقدام به سبک کینزی هستند، بدون شک سرشار از نیت های نیک هستند. اما همانطور که یک ضرب المثل قدیمی می گوید: راه جهنم هم با نیت های خوب آسفالت شده. فراخوان به اجرای سیاست های کینزی، "تئوری مدرن پول"، "حقوق پایه بدون قید و شرط" و امثال آن نه تنها اشتباه، بلکه مضر است، زیرا توهم می پراکند و راه را برای فجایع و ناامیدی هموار می کند. به همین دلیل است که ما باید مانند پسر کوچک در داستان "لباس جدید امپراطور" نوشته هانس کریستین اندرسن فریاد بزنیم: "امپراتور هیچ لباسی بر تن ندارد، او برهنه است." ما وظیفه داریم به کارگران و جوانان هشدار دهیم: کسانی را که سعی می کنند اکسیر شفا بخش شان را به شما قالب کنند، باور نکنید. الان وقت جذابیت های زیرکانه شارلاتانها و دعانویسها نیست.

با این حال، نقد ما از کینزیسم و "تئوری نوین پول"، از موضع طرفداران بورژوازی و ایدئولوژی های "بازار آزاد" نیست. نه! ما از موضع مارکسیستی نقد می کنیم، از دید آنچه برای طبقه کارگر در سراسر جهان مفید است، آنچه برای از بین بردن سرمایه داری و رهایی بشریت ضروری است.

سرمایه داری در بن بست است. او نمی تواند چیزی جز بربریت به جامعه ارائه دهد. فقط یک جایگزین روشن مبتنی بر مالکیت جمعی، کنترل کارگری و برنامه ریزی اقتصادی دموکراتیک سوسیالیستی می تواند به انسانیت یک راه برون رفت مترقی نشان دهد.

- "آدام بوث" نویسنده www.socialist.net و نویسنده کتاب مشهور "فهم کاپیتال مارکس" است.

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم

برخی از بیانیه های «کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر» (تیر و مرداد ۹۹)

منبع: توئیتر و فیس بوک ثوره تشرین (انقلاب اکتبر)

تهاجم قیام کنندگان لبنان به مزدوران عراقی رژیم ایران

شماره ۲۵۹، شنبه ۱۴ تیر ۱۳۹۹ - ۴ ژوئیه ۲۰۲۰



بسم الله الرحمن الرحيم - قیام کنندگان لبنان علیه وضعیت اسفناکی که حزب الله آن را به سوی پرتگاه کشانده است، به یک هیات از دولت منطقه سبز در روز جمعه ۱۳ تیر ۹۹، هنگامی که در یکی از هتلها و رستورانهای بیروت به همراه متناظران لبنانی شان حضور داشتند، تهاجم کردند. این حمله در اعتراض به سرقت خزانه کشور توسط افراد ذی نفوذ و پذیرش هیات دولت عراق صورت گرفت. زیرا دولت عراق حامی شبه نظامیان حزب الله است که باعث و بانی سوق دادن لبنان به سمت پرتگاه هستند.

کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر عراق، ضمن درود به این اقدام شجاعانه، همبستگی خود را با انقلابیون لبنان اعلام می کند. آنها شیرانی هستند که برای رهایی کشورشان از باندهای وفادار به رژیم ایران تلاش می کنند. باندهایی که کشور پرخیر و برکت لبنان را به وضعیت فعلی رسانده و آن را برای اجرای سیاست های تخریبی رژیم ایران در کشورهای منطقه و از جمله سوریه و عراق آماده می کند.

همچنین این کمیته اقدام کاظمی مبنی بر اعزام وزیر نفت و وزیر کشاورزی به لبنان به بهانه امضای توافق مبادله پایپای مشتقات نفتی عراق با محصولات کشاورزی لبنان را محکوم می کند و آن را اجرای دستورات رژیم ایران برای نجات دولت وفادار به خودش در لبنان که با خطر سرنگونی مواجه است می داند. این توافقنامه از حساب ثروتها و سرمایه های مردم و از [جیب] کشاورزان عراق است و این عمل در اساس مشابه همان اعمالی است که چه در قبل و چه اکنون دفاتر اقتصادی شبه نظامیان فراکسیونهای سیاسی مزدور رژیم ایران انجام داده و می دهند. این مبادله پایپای نابرابر منجر به کسادی محصولات کشاورزی عراق و خسارات سنگین به کشاورزان عراقی می گردد. این کمیته خواستار تحقیق در مورد انتقال سرمایه توسط این دو وزیر است. آنها این سرمایه ها را از طریق مزایده بانک مرکزی عراق با چمدانهای دیپلماتیک به شیوه نامشروعی از جیب کارمندان و بازنشستگان و بیماران و عموم مردم عراق منتقل کرده اند.

معابر مرزی در اختیار شبه نظامیان وفادار به رژیم ایران

شماره ۲۶۰، دوشنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۹ - ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۰

نخست وزیر فعلی، مصطفی کاظمی با صدور حکمی، ابوتراب (ملقب به ضابط دمج) یکی از مسئولان شبه نظامیان بدر و مرتبط با سپاه پاسداران رژیم ایران را جهت نظارت بر معابر مرزی تعیین کرد. این اقدام به جنایت دیگری در حق مردم عراق است. ابو تراب در حال حاضر فرمانده لشکر واکنش سریع است که این منصب جدید، زمینه سازی برای تعیین او به عنوان مدیر ارگان اطلاعات است. او یک بار مرتکب کشتار در ناصریه شد که طی آن دهها تن از تظاهرکنندگان صلحجو شهید و مجروح شدند. یادآوری می شود، وی به طور مطلق فاقد هرگونه شایستگی علمی و به لحاظ قرائت و کتابت نیز ضعیف و متهم به فساد مالی و اداری است. علاوه براین وی حقوق بشر مردم عراق را در زمینه های گوناگون از جمله کشتار و ناپدیدکردن اجباری و قتل خارج از چارچوبهای ثبت شده توسط سازمانهای بین المللی و داخلی نقض کرده است. کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر ضمن نظر قرار دادن اعمال خطیر کاظمی، تاکید می کند که اقدامات کاظمی صرفا کارهای تبلیغاتی است که به سرعت رنگ می بازد. کنترل بر معابر مرزی و پس زدن شبه نظامیان نه تنها واقعی نیست بلکه فریب و نیرنگی است که علیه مردم شریف عراق به کار می گیرد. مردم عراق می دانند که او پروژه رژیم ایران را تقویت و حمایت می کند، در غیر این صورت چگونه معابر مرزی را به افراد وفادار به رژیم ایران و شبه نظامیان واگذار می کند. دلیل این که چرا کاظمی به معبر مرزی قائم که توسط شبه نظامیان حزب الله و با زور سلاح بر آن چیره شدند، نمی رود، این است که این در راستای همان پروژه نابود کردن عراق است و این ما را برای مراحل مهمی در تظاهرات میلیونی «رهایی» برای سرنگونی رژیم سهمیه ای و وابسته فرا می خواند تا عراق و مردم آن را از سرنوشت نامعلوم و فاجعه آمیز نجات دهیم.

محکومیت طرحهای جنایتکارانه دولت برای کشتار تظاهر کنندگان

شماره ۲۶۲، سه شنبه ۷ مرداد ۱۳۹۹ - ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۰

کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر، بکارگیری گلوله های جنگی و قهر مفرط توسط نیروهای جنایتکار ضد شورش علیه تظاهر کنندگان صلحجو در میدان تحریر و دیگر میدانهای عزت و کرامت در استانها بپا خاسته که روز یکشنبه ۶ مرداد صورت گرفت را محکوم می کند. این حملات به دستور مستقیم الکاظمی و با شرکت فعال شبه نظامیان جنایتکار مورد حمایت رژیم ایران انجام گرفت. این حملات به شهادت و جراحت دهها تن از جوانان بی دفاع که خواهان احقاق حقوق به یغما رفته مردم عراق بودند، منجر گردید.

این اعمال وحشیانه بعد از دیدار اهانت بار الکاظمی از ایران صورت گرفت که اجرای دستورات رژیم ایران مبنی بر تصفیه تظاهر کنندگان و پایان دادن به انقلاب بود. انقلاب مردم عراق، مزدوران و دنباله های رژیم ایران اعم از باندهای تروریستی و فراکسیونهای سیاسی فاسد تا پارلمان جعلی و دولت منطقه سبز که عراق را به بدترین وضعیت انسانی اسفناک در تاریخ خود رسانده اند را به سوز و گداز واداشته است. کمیته سازمانده، بین انقلابیون واقعی و نفوذیهای که در تلاش برای موج

سواری از انقلاب هستند، تمیز قائل است. وعده های دروغین کاظمی برای حفاظت از تظاهر کنندگان و اجرای خواسته های مردم و افشای قاتلان هزاران تن از شهدا و مجروحان که از آغاز انقلاب اکتبر ۲۰۱۹ تا کنون به شهادت رسیده اند، کجاست؟ کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر به دژخیمان رژیم سهمیه ای فرقه گرا از عاقبت بکارگیری گلوله های جنگی و سلاحهای شکار هشدار می دهد و مسئولیت کشتار عامدانه تظاهر کنندگان را متوجه شخص مصطفی کاظمی می داند. این کشتار با معاهدات بین المللی که تضمین کننده آزادی بیان و نفی سرکوب شهروندانی که خواهان حق شان مبنی بر تغییر رژیم سهمیه ای فرقه گرای شکست خورده است، در تناقض است.

اعلام زمان انتخابات توسط کاظمی، یک فریبکاری ونتیجه کشاکش بین رژیم ایران و آمریکا است

شماره ۲۶۳، سه شنبه ۱۴ مرداد ۱۳۹۹ - ۴ اگوست ۲۰۲۰

کاظمی رئیس حاکمیت منطقه سبز، تاریخ ۱۶ خرداد ۱۴۰۰ (۶ ژوئیه ۲۰۲۱) را زمان اجرای انتخابات پارلمانی اعلام نمود. اعلام این زمانبندی بعد از دو پیشنهاد الزامی است، یکی از سوی رژیم ایران، که آوریل ۲۰۲۱ را به عنوان زمان انتخابات زودرس مشخص کرده و پیشنهاد دیگر از سوی آمریکا که از طریق سازمان ملل ژوئن همان سال را تعیین کرده است. آنها در تلاش هستند که به مردم عراق چنین القا کنند که این انتخابات زودرس به منظور پاسخ مثبت به خواسته های انقلاب سراسری اکتبر در عراق است. انقلابی که هویت روند سیاسی که در آن رژیم ایران حاکمیت داشته را افشاء کرده و عرصه را بر احزاب فاسد و شبه نظامیان جنایتکار آن تنگ نموده است. شبه نظامیانی که عراق را در تمامی زمینه ها به لبه پرتگاه رسانده و در ایجاد موسسه نظامی و امنیتی شکست خورده اند و عراق در زمینه اقتصاد و بهداشت و آموزش و برق کاملا فرو ریخته است. میانگین فقر ۵۰٪ افزایش یافته است و رژیم ایران تسلط کامل بر عراق دارد و عراق را به کانون جنگهای منطقه ای و بین المللی به ضرر مردم عراق تبدیل نموده است. روشن است که زمان انتخاباتی که کاظمی مشخص کرده قطعی نیست چرا که احزاب فاسد پارلمان که از طریق تقلب وارد این پارلمان شده اند، می توانند از طریق انحلال پارلمان، رئیس جمهور منطقه سبز را ملزم به جلو انداختن زمان این انتخابات نمایند چرا که براساس ماده ۶۴ قانون اساسی فعلی رئیس جمهور ملزم است که طی ۶۰ روز انتخابات را برگزار کند.

کمیته برگزار کننده تظاهرات انقلاب اکتبر، بعد از برگزاری چندین جلسه با کمیسیون های حقوقی و سیاسی و ارتباط با جوانان انقلابی در تمامی میدانهای تحصن، اعلام می نماید که هرگونه اعلام انتخابات زودرس می باید که قبل از آن تصمیماتی اتخاذ شود که تحقق خواسته های انقلاب اکتبر را تضمین نماید، این خواسته ها شامل: بلوکه کردن قانون اساسی فعلی، صدور قانون انتخابات که توسط مردم عراق و تحت نظارت سازمان ملل تدوین گردد، قانونی که بر اساس آن احزاب و کمیساریای مستقل انتخابات زیر نظر سازمان ملل تشکیل می شود و در آن سیستم رای گیری الکترونیکی بکار گرفته می شود و نتیجه آن طی اولین ساعات پایان رای دادن اعلام می شود، و این چنین برای مردم، عدم تاثیر گذاری سلاح بر روی نتایج انتخابات را تضمین می نماید. از این رو ما زمان اعلام شده توسط کاظمی و انتخاباتش را تا زمانی که این احزاب بر کمیساریای انتخابات کنترل داشته و شبه نظامیان با سلاح خود بر همه مناطق عراق حاکمیت دارند و خواسته دو میلیون مهاجر به تقلب کشیده می شود و هشت میلیون مهاجر دیگر در خارج عراق بسر می برند که حق انتخاب و کاندیدا شدن ندارند، مردود می شماریم. کاظمی با اعلام زمان انتخابات در تلاش است که از تعهداتش در معرفی قاتلان واقعی تظاهر کنندگان و شکستش در انحلال شبه نظامیان و منحصر کردن سلاح در دست دولت فرار نماید و گر نه اگر او فرد صادقی بود می باید که انحلال پارلمان را قبل از هر اقدامی اعلام می نمود.

حملات مشتتی افراد منحرف به افسر پلیس

شماره ۲۶۶، پنجشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۹ - ۱۳ اگوست ۲۰۲۰

کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر، حادثه بامداد روز چهارشنبه ۲۲ مرداد که طی آن یک افسر پلیس درحین انجام وظیفه مورد تعرض قرار گرفت را محکوم می کند و هر گونه رابطه ای بین این افراد منحرف و گمراه و انقلابیون صلحجو

که خواهان به زیر کشیدن فاسدان و از بین بردن فساد هستند را تکذیب می کند. تعدادی از افراد منسوب به الحشد الشعبی وابسته به وزارت دفاع که به جنگ پشت کرده اند و قرارداد خودشان را فسخ نموده و اخراج شدند با افسر مذکور وارد درگیری شده تا اینکه توجه وزارت دفاع را به این مخاصمه جلب نموده و مشکلاتی را بنا به تمایلات خودشان ایجاد نمایند.

متهم کردن تظاهر کنندگان صلحجو به دروغ، چیزی جز تلاشهای مذبوحانه به منظور خدشه دار کردن چهره آنها و برای تحریک نیروهای ضد شورش و شبه نظامیان جنایتکار مورد حمایت رژیم ایران علیه تظاهر کنندگان نیست. کمیته سازمانده، از آغاز تظاهرات انقلاب اکتبر در سال ۲۰۱۹ همواره بر مسالمت آمیز بودن تظاهرات تاکید نموده است. این تظاهرات همیشه هدف خشونت مفرط از سوی جلادان منطقه سبز و شبه نظامیان ضد قانون وابسته به رژیم شرور ایران بوده است. این وقایع دال بر ایستادن کمیته سازمانده در کنار این افسر که مورد تعدی واقع شده، است.

درخواست تحقیقات بین المللی پیرامون موضوع شهدا و مجروحان انقلاب اکتبر

شماره ۲۶۷، دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۹۹ - ۱۷

اگوست ۲۰۲۰



کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر پیگیرانه سرنوشت نتایج تحقیقات مربوط به شهادت بیش از هزار عراقی و جراحت ۳۰ هزار تظاهر کننده صلحجو از جمله ۴ هزار نفر که از آغاز انقلاب پربرکت اکتبر ۲۰۱۹ دچار نقص عضو یا معلول شده اند را دنبال می کند. بعد از اینکه دو دولت قبلی، نسبت به طرفهای مسئول قتل جوانان ما، اظهار بی اطلاعی کردند و مدعی بودند که

طرفهای نامشخص و ناشناس که اصطلاحاً آنها را طرف سوم نامگذاری کردند، تظاهر کنندگان صلحجو را مورد هدف قرار داده اند! این طرف که به طرف سوم معروف شده، اخیراً فعالیتهای مشکوکش، در راستای جنایت سازمان یافته مبنی بر ترور فعالان را افزایش داده است. با توجه به این که دولت موقت فعلی نیز، ناتوانی و شکست اش در رسیدن به نتایج نهایی روشنی در این زمینه را اثبات کرده است، صرفنظر از دلایل آن، کمیته سازمانده از جامعه بین المللی از جمله سازمان ملل و سازمانهای بین المللی حقوقی و مدافع حقوق بشر، خواهان اجرای تحقیقات بین المللی برای مشخص کردن افراد و طرفهای مسئول قتل شهیدایمان و کشاندن آنها به دادگاههای بین المللی برای مجازات عادلانه است. بدین منظور این کمیته به آقای علی عزیز امین عضو کمیته سازمانده اختیارات تام داده که به حرکت در این زمینه و ارتباط با ارگانهای ذیربط در سازمان ملل و سازمانهای بین المللی ذیربط پردازد و خواسته ها را به طور رسمی تقدیم نماید. در این رابطه از تمامی عراقیان و سازمانهای عراقی و عربی می خواهیم که به طور جدی برای خواست تشکیل کمیته بین المللی برای تحقیق پیرامون هدف قراردادن تظاهر کنندگان و کسانی که به طور مستمر حقوق بشر مردم عراق را نقض می کنند، تلاش نمایند.

اتهامات وقیحانه المالکی در مورد ناصریه

شماره ۲۶۸، چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۹۹ - ۱۹ اگوست ۲۰۲۰

نوری المالکی مسئول حزب الدعوه و ائتلاف دولت قانون در اظهارت روز سه شنبه ۲۸ مرداد، با بی شرمی تمام، تظاهر کنندگان صلحجو را ماجراجو و خرابکار و متجاوز توصیف نمود. اوصاف دروغین که در اظهارات وقیحانه و تحریک کننده اش که در طی دوران حکومتش هیچ استانی از آن مستثنا نبود. او تظاهر کنندگان ۲۵ فوریه را خرابکار و توطئه گر نامید

و به کشتار و زهرچشم گرفتن از آنها پرداخت. سپس تظاهرکنندگان اهالی الانبار را حباب توصیف نمود که باید به آن خاتمه داد و بصره را با قتل و دستگیری ویران کرد و سپس با کسانی نشست که آنها را به تروریست متهم می نمود. نوری المالکی مسئول اصلی انهدام عراق و مردم آن است. او کسی است که ثروتهای عراق که به ۱۰۰۰ میلیارد دلار می رسد را هدر داد و سرقت نمود، او کسی است که عراق را تحویل باندهای داعش داد، و سیاست به حاشیه راندن و حذف کردن را اجرا و حمایت از شبه نظامیان را اعمال نمود و به دلیل معاملات تسلیحاتی فاسد، زمینه ای برای تحویل مقدرات عراق به ایران فراهم نمود و در ساختن ارتش و نیروهای امنیتی سهل انگاری نمود.

کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر، ضمن محکومیت اظهارات نوری المالکی و تهاجم کثیف او، به طور خاص علیه اهالی شریف ناصریه، این اظهارات را در ردیف تروریسم و جنایت سازمانیافته می داند که در ارتباط با اعمال ننگین شبه نظامیان است که اخیراً آهنگ ترورهای آنها در رابطه با فعالان صلحجو افزایش یافته است. اظهارات روز گذشته مؤسس دولت در دولت چیزی جز سمت و سو دادن به شبه نظامیان برای کشتار اهالی ناصریه نیست.

کمیته سازمانده مسئولیت کامل هرگونه حمله ای به اهالی ناصریه و تمامی تظاهرکنندگان انقلاب اکتبر را متوجه نوری المالکی که دستانش به خون و سرمایه های عراقیان آغشته است، می داند. از این رو این کمیته از قوه قضائیه خواهان است که در بهای خود را برای پذیرش شکایتهای قضایی علیه المالکی بگشاید. همچنین از دادستان می خواهد که براساس این شکایتهای قانونی، حکم دستگیری علیه نوری المالکی که خواهان تروریسم و کشتار و اتهام به تظاهر کنندگان صلحجو که خواهان حقوق مشروع شان هستند و المالکی به حقوق آنها تعدی می کند را صادر نماید. شکوه و جاودانگی از آن شهدای انقلاب اکتبر، بهبودی عاجل برای مجروحان مان و آزادی ناپدید شدگان اجباری از زندانهای شبه نظامیان.



یادداشت سیاسی

یکدست سازی، رویا یا واقعیت

مهدی سامع

تلاشهای پیشین خامنه ای برای یکدست کردن ساختار سیاسی نظام به جز ایجاد برخی فرصتهای گذرا، به شکست انجامیده است. هم درونمایه ولایت فقیه شراکت ناپذیر است و هم واقعیتهای عینی و منجمله ساختار حقوقی نظام، تلاش برای یکدست سازی ساختار سیاسی نظام را با شکست روبرو کرده است. برای مثال وجود نهادی با عنوان ریاست جمهوری که از نظر فرم، با وجود شورای نگهبان و اختیار تنفیذ از جانب ولی فقیه، به هر حال با رای مستقیم انتخاب می شود، همواره یک تضاد مهم برای نهاد ولایت فقیه ایجاد کرده است. تجربه احمدی نژاد که یکی از تلاشهای خامنه ای برای یکدست سازی بود و در گام اول با انبوهی از تقلب به موفقیت انجامید، سرانجام نشان داد که در نظام ولایت فقیه هرکس بر کرسی ریاست جمهوری بنشیند به ناچار با ولی فقیه زاویه پیدا کرده و بنابراین به میزانی در قدرت مشارکت پیدا می کند. طرح «حکومت عدل اسلامی» از جانب یکی از کارگزاران نظام، وابسته به «موتلفه اسلامی» و خیز خامنه ای برای تغییر شیوه انتخاب رئیس جمهور و واگذار کردن آن به مجلس که حدود یازده سال پیش مطرح کرد، چاره جویی برای غلبه بر همین چالش است.

پیرامون این راهکار، حسام الدین آشنا، مشاور روحانی و از کارگزاران کارکشته امنیتی روز جمعه ۲۴ مرداد در تویتر خود نوشت: «تلاشهای بی وقفه برخی سیاست زدگان تازه کار و سیاست پیشگان کهنه کار برای ایجاد اختلال در سامانه های سیاستگذاری کشور بیش از آن که ثمرات جناحی داشته باشد دارای خطرات ملی است. این دولت می رود، شما می مانید و نظام و مردم. بذر آرامش بپاشید؛ آن که باد می کارد طوفان درو می کند».

راست این است که در ساختار نظام جمهوری اسلامی، از نظر حقوقی و حقیقی، نهاد «ولایت مطلقه فقیه» و شخص ولی فقیه اختیارات بیشماری دارد و استبداد دینی نتیجه همین امر است. اما واقعیت دیگری نیز وجود دارد که وجود یک نهاد «انتخابی» که فردی را در شکل به شخص دوم نظام تبدیل می کند، در عمل «ولایت مطلقه» را در دست اندازهای گوناگون می اندازد. تلاش باند میانی نظام، در گذشته به سرکردگی رفسنجانی و اکنون روحانی، که آنها را «اصولگرایان معتدل» معرفی می کنند، برای «مشروط» کردن «ولایت مطلقه فقیه» راهکاری برای غلبه بر این تضاد و تدبیری برای «امنیت نظام» است.

این راهکار همان است که در «نامه سرگشاده موسوی خوئینی ها» منعکس شده و یا سعید حجاریان در شماره روز چهارشنبه ۲۲ مرداد روزنامه شرق به آن پرداخته است. هسته اصلی نظر حجاریان انجام «برجام موشکی و اصلاحات ساختاری در داخل» است.

تضاد بین جامعه و کلیت نظام، بین نیازهای توده ها و غارتگری باندهای درون قدرت که از سال ۱۳۸۸ به بحران و شرایط انقلابی منجر شد و پس از افت و خیزهای چند ساله از قیامهای دی ماه ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ عبور کرد، هر دو راهکار را با وجود تلاشهای هر دو باند، فُشل کرده است.

خامنه ای پس از قیام آبان ماه و شروع تحریمها، دولت جوان انقلابی را به عنوان راهکار مدیریت بحران مطرح کرد و در گام نخست با قلع و قمع باندهای رقیب، مجلسی تحت امر سامان داد. حرکت دوم او به کرسی نشاندن گماشته ای از جنس احمدی نژاد، که فاقد روحیه یاغیگری باشد، در مسند ریاست جمهوری است. اگر عمری برای نظام باقی بماند، ممکن است، هرچند با احتمال بسیار کم، پس از عبور از مرحله دوم، طرح حذف انتخابات ریاست جمهوری را دوباره زنده کرده و آن را با تغییر قانون اساسی به مجلس دست نشانده واگذار کند.

خامنه ای برای پیشبرد این راهکار به قدرت حقیقی و حقوقی خود و صد البته سپاه پاسداران متکی است. او با نظارت و کنترل نهادها و کارتل‌های تحت سلطه اش مخالف است. «عزت الله ضرغامی، رئیس سابق سازمان صدا و سیما در واکنش به اظهارات احمد توکلی در مورد عدم استقبال دفتر ولی فقیه از طرح شفافیت در این دفتر گفته است این کار به معنای مخالفت با اصل شفافیت نیست.» (دویچه وله فارسی، دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۹۹)

قابل توجه آن که ضرغامی و توکلی هر دو اصولگرا و وابسته به باندهای مربوط به خامنه ای هستند.

نمونه دیگر از قدرت غیرقابل کنترل و نظارت ولی فقیه، افشاگری پرویز فتاح، سرکرده بنیاد غارتگران موسوم به مستضعفان است. او که منصوب خامنه ای است، در برنامه تلویزیونی «نگاه یک» تعدادی از نهادها و کارگزاران رژیم به شمول سپاه پاسداران و حداد عادل را متهم به بخور بخور اموال این بنیاد کرد. غلامعلی حداد عادل در زمینه ملک هشت هزار متری و خانه مدرسه فرهنگ در نامه سرگشاده به فتاح اعلام کرد که این ملک را «رهبر» به او داده و به دنبال آن و این که پرویز فتاح متوجه شده که انگشت در لانه زنبور کرده مجبور به اظهار ندامت و پشیمانی شد و اعلام کرد که: «اطلاعات بنده ناقص اعلام شد. جانب انصاف را رعایت نکردم. در محضر خدا و مردم از همه آن بزرگواران، مخصوصا برادر عزیزم حدادعادل عذرخواهی می کنم.» (همشهری آنلاین، چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۹۹)

از این موارد که نشان از اختیارات بی حد و مرز خامنه ای است به فراوانی در رسانه های حکومتی پوشش داده می شود. در عمل نیز بارها شاهد بودیم که ولی فقیه از اختیارات قانونی و فراقانونی خود استفاده کرده است. این اختیارات برای خامنه ای فرصتهایی در جهت تحقق رویای یکدست سازی ایجاد کرده و برای مخالفان درونی نظام یک کابوس عذاب آور است. اما واقعیت در ورای رویا و کابوس، حکم خود را صادر می کند. این واقعیت بحران و شرایط انقلابی است که هم رویاهای ولی فقیه را پریشان می کند و هم کابوس مخالفان درونی نظام را دوچندان می کند. حرفهای کارگزاران نظام گوشه ای از واقعیت را برملا می کند.

وبسایت حکومتی عصر ایران در روز سه شنبه ۲۱ مرداد مقاله ای با عنوان «سخنی صریح با مسئولان: نیترا نارضایتی؛ مراقب بیروتی شدن ایران باشید» منتشر کرد و پس از مدت کوتاهی آن را حذف کرد. به این متن می توان در شبکه گوگل دست یافت. در این مقاله می خوانیم: «به نفع نظام، مردم و کشور است که به جای مسیر "ناراضی - معترض -

برانداز"، راه عقلانی "ناراضی - راضی - حامی" انتخاب شود. اما این راه معقول چگونه پیموده می شود؟... مسئولان جمهوری اسلامی ایران نیز چاره ای جز پیمودن یکی از این دو راه ندارند. ادامه وضع موجود، "ناراضی" ها را به "معترض" تبدیل می کند و معترضان در گذر زمان و در بستر مناسب، این قابلیت را دارند که به "برانداز" تبدیل شوند، خاصه آن که اراده های فرامرزی از سعودی و اسرائیل گرفته تا ایالات متحده نیز وجود دارند که بخواهند بر موج اعتراضات سوار شوند و مصادره به مطلوب کنند. اما این راه معقول چگونه پیموده می شود؟ به نظر می رسد تنها راه این است: شنیدن صدای مردم و تمکین عملی در برابر گفتمان غالب بر جامعه.»

مهدی عیسی زاده، یکی از مجلس نشینان از میاندوآب در جلسه روز چهارشنبه ۲۹ مرداد گفت: « هشدار می دهم غفلت بیش از این در حوزه اجتماعی تبعات جبران ناپذیری خواهد داشت؛ تصمیم گیریها در حوزه های اقتصادی، سیاسی و عمرانی بدون پیوست اجتماعی و فرهنگی منجر به مشکلاتی می شود که امروزه در هفت تپه شاهد هستیم و کمیسیونها باید پیوست فرهنگی و اجتماعی داشته باشند. در حوزه نظام اداری و استخدامی تمامی سیستمهای اداری امروز درگیر هستند و مردم هر روز بدون توجه نمایندگان و دولت در جلوی مجلس تجمع می کنند. عزت این مردان و زنان غیرتمند ایرانی جلوی مجلس پایمال می شود و هیچ خبری هم از ما نیست.» (خانه ملت)

این واقعیتها که بیان جامعه ناراضی، گُنجِشگر و نه خاموش است، به خامنه ای اجازه نمی دهد که طعم شیرین یکدست سازی را حس کند. فشار از پایین بسی کلان تر از آن است که بتوان آن را مهار کرد و خروجی همین فشار، حتی در شرایط دولت مطلوب خامنه ای، تشدید تضاد در درون هر م قدرت است که منجر به زاویه دار شدن «دولت جوان» با نهاد ولایت فقیه می شود. نشانه هایی از این واقعیت را اکنون هم می توان دید.



سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

جنبش رنگین کمان بیشماران (مرداد ۹۹)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

فقر و فلاکت شتاب کم سابقه ای پیدا کرده و در ماه گذشته نیروهای کار و زحمت به تلاش برای کسب حقوق اولیه خود ادامه دادند. حقوقهای معوقه، اخراجها، عدم پرداخت سهم کارفرما از بیمه، خودمانی سازی با عنوان خصوصی سازی و به خصوص سپردن سرنوشت کارگران به شرکتهای پیمانکاری از جمله مواردی بود که موجب اعتراض نیروهای کار شد. در ماه گذشته شاهد سه رشته حرکت بزرگ کارگری؛ اعتصاب و تجمع کارگران نیشکر هفت تپه، اعتصاب و تجمع کارگران و کارکنان صنایع نفت، پتروشیمی و نیروگاههای برق در سراسر کشور و اعتصاب کارگران هپکو بودیم. در مجموعه زیر خلاصه ۳۰۵ حرکت اعتراضی از جانب کارگران و مزدبگیران در ماه مرداد را خواهید خواند. اخبار حرکتیهای اعتراضی معلمان، دانشجویان و پرستاران در این ماه به طور جداگانه در ماهنامه نبرد خلق منتشر می شود.

۶۸ روز اعتصاب و تجمع کارگران نیشکر هفت تپه



کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، در ۱۵ کیلومتری شهر شوش در شمال خوزستان، از روز شنبه ۲۴ خرداد حرکت اعتراضی خود را با اعتصاب و تجمع شروع کردند. تجمع کارگران معترض تا پایان روز ۳۱ مرداد همچنان ادامه داشت. مهمترین خواسته های کارگران این شرکت بزرگ تولیدی، دریافت معوقات مزدی، رسیدگی به وضعیت شغلی، تعیین تکلیف شرکت، بازگشت به کار همکاران اخراج شده، ابطال واگذاری شرکت به بخش خصوصی و همچنین تمدید مهلت دفترچه های درمانی است.

کارگران معترض در برخی از روزهای این ماه در گرمای «خرما پزان» تابستان خوزستان علاوه بر تجمع مقابل فرمانداری



شوش، اقدام به راهپیمایی در سطح شهر می کردند. به گزارش کانال تلگرام سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، کارگران برای نشان دادن خشم شان نسبت به سکوت مصلحتی مسئولان طراز اول خوزستان از جمله شعار می دادند: «شریعتی حیا کن خوزستان را رها کن» «کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد» و ...

روز یکشنبه ۱۹ مرداد، جمعی از بازنشستگان فرهنگی و تامین اجتماعی برای اعلام همبستگی با کارگران هفت تپه و حمایت از خواسته های شان مقابل فرمانداری و در تجمع این کارگران شرکت کردند.

روز سه شنبه ۲۸ مرداد، خبرگزاری حکومتی ایلنا گزارش داد؛ با تامین منابع مالی، حقوق اردیبهشت و خرداد ماه کارگران هفت تپه پرداخت شد. در همین روز کارگران در شصت و پنجمین روز از اعتصاب شان مقابل ساختمان فرمانداری شهر شوش تجمع کردند.

روز آدینه ۳۱ مرداد، کارگران نیشکر هفت تپه در شصت و هشتمین روز

از اعتصاب شان با تجمع در مقابل ساختمان فرمانداری شهر شوش خواستار رسیدگی به تمامی مطالبات شان شدند.

تا آخرین روز مزداد ماه، حرکت اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه پوشش گسترده خبری در رسانه های جمعی داشته است.

اعتصاب ۲۱ روزه کارگران و کارکنان صنایع نفت، پتروشیمی و نیروگاههای برق در سراسر کشور

از روز شنبه ۱۱ مرداد، کارگران و کارکنان شماری از صنایع نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاههای برق در سراسر کشور اقدام به اعتصاب و تجمع کردند. یکی از مهمترین خواسته های کارگران معترض بیرون انداختن تمامی پیمانکاران و بسته شدن قرارداد مستقیم شرکتهای با کارگران است. به گزارش ایلنا، «برهانی نسب»، رئیس اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان مهر، وقیحانه گفت: «کارگران شرکت همپا برای افزایش دستمزدهای خود اعتراض کردند اما شرکت اعلام کرده است که هرکس مایل به ماندن نیست، می تواند جدا شود.»

روز شنبه ۱۱ مرداد، کارکنان پالایشگاههای آبادان، لامرد، پارسیان و کنگان به خاطر عدم پرداخت معوقات مزدی خود دست به تجمع اعتراضی زدند. در همین روز ایلنا گزارش داد که کارگران شرکت نفت سنگین قشم برای اعتراض نسبت به سطح نازل حقوق و عدم پرداخت به موقع آن دست از کار کشیدند و مقابل شرکت تجمع کردند.

به گزارش پیام سندیکا، روز یکشنبه ۱۲ مرداد، ۸۰۰ کارگر پترو پالایش کنگان و کارگران پالایشگاه پارسیان سپهر لامرد و شرکت اکسیر در فاز ۱۳ اعتصاب کردند.

همچنین کارگران کل شرکتهای فاز ۲۲ و ۲۴ از جمله کارگران شرکت آریا ماهان، آزمون فلز اعتصاب کردند.

کارگران فاز ۲ پالایشگاه نفت آبادان دست از کار کشیدند و مقابل درب ورودی پالایشگاه تجمع کردند.

روز دوشنبه ۱۳ مرداد و در سومین روز اعتراض سراسری، کارگران نیروگاه بیدخون و شرکت جهانپارس ایلام مهران نیز به اعتصاب پیوستند. در این روز اعتصاب در پترو پالایش کنگان که دارای ۸۰۰ کارگر است و پتروشیمی جم ادامه داشت.

کارگران شاغل در پالایشگاه جفیر واقع در ۵۰ کیلومتری غرب اهواز، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان دست به تجمع زدند. این کارگران از طرف شرکت پیمانکاری آتروپارت در این میدان نفتی مشغول به کارند.

روز سه شنبه ۱۴ مرداد، کارگران پالایشگاه اصفهان و جهان پارس ایلام - مهران به اعتصاب پیوستند. در این روز اعتصاب کارگران در شرکت پترو پالایش کنگان، شرکت ارتو پارت پیمانکاری باقری، پالایشگاه اصفهان، فاز ۱۴ پیمانکاری مطوری، نیروگاه سیکل ترکیبی مپنا بویلر مشهد، نیروگاه سیکل ترکیبی تبریز هم جوشکارها وهم فیترها، گروه پیمانکاری آریا نگین خوزستان NGL، پالایشگاه جفیر در اهواز، فاز ۱۳ تمبک، فولاد سنگان پیمانکاری قیصری شرکت فولاد کوشان، پتروشیمی سبلان، نیروگاه برق رودشور تهران، فاز ۱۴ پارس جنوبی ادامه پیدا کرد.

در نیروگاه ایرانشهر، کارگران بعد از دو روز اعتصاب قصد ترک کارگاه را داشتند که کارفرما اعلام کرد با تمام خواسته های آنها موافقت نموده و تمام حقوقها را طبق کمپین قبول دارد.

به گزارش ایلنا، روز سه شنبه ۱۴ مرداد، بیش از ۶۰۰ کارگر پتروشیمی رازی ماهشهر برای اعتراض به سطح نازل حقوق، تبعیض در پرداخت مطالبات و اخراج یک همکار خود دست از کار کشیده و تجمع کردند.

به گزارش برق نیوز، روز چهارشنبه ۱۵ مرداد، کارگران نیروگاه برق پارس جنوبی واقع در بیدخون شهرستان عسلویه در اعتراض به عدم افزایش حقوق اعتصاب کرده و در محوطه این نیروگاه دست به تجمع زدند.

به گزارش خورنا، روز چهارشنبه ۱۵ مرداد، جمعی از نیروهای حراست اخراج شده پالایشگاه بیدبلند خلیج فارس در مقابل ساختمان این پالایشگاه تجمع کردند.

روز پنجشنبه ۱۶ مرداد، کارگران نیروگاه برق سبلان اردبیل (شرکت نصب نیرو) به اعتصاب پیوستند و کارگران آذران گستر پالایشگاه سنگین قشم تا آخرین نفر دست از کار کشیدند.

در همین روز ۴ ماه حقوق عقب افتاده شرکت تنش گستر در نیروگاه پارس جنوبی به حساب کارگران واریز شد اما کارگران همچنان به اعتصاب ادامه می دهند.

روز شنبه ۱۸ مرداد، شماری از کارگران نیروگاه سیکل ترکیبی اورمیه در مقابل این نیروگاه دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش هرانا، روز یکشنبه ۱۹ مرداد، تعدادی از کارگران در معرض اخراج شرکت مپنا در پالایشگاه بید بلند ۲ بهبهان،

با برگزاری تجمع اعتراضی خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

به گزارش همبستگی ملی، روز سه شنبه ۲۱ مرداد، یازدهمین روز اعتصاب کارگران پالایشگاههای نفت و گاز و پتروشیمی در ۵۱ کانون اعتصاب در ۲۱ شهر و منطقه ادامه داشت.

بنا به اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، روز پنجشنبه ۲۳ مرداد، اعتصاب دهها هزار کارگر در پالایشگاهها و تاسیسات نفت و پتروشیمی و گاز در ۲۱ شهر از ۱۲ استان برای سیزدهمین روز ادامه یافت. این اعتصابات در ۵۱ مرکز در استانهای اصفهان، اردبیل، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، ایلام، بوشهر، خراسان رضوی، خوزستان، فارس، سیستان و بلوچستان، مرکزی و هرمزگان جریان داشت.

به گزارش عصر ایذه، روز شنبه ۲۵ مرداد، جمعی از کارگران شاغل در پروژههای نفت و گاز شهرستان ایذه در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، دست به تجمع زدند. کارگران معترض که در سیزدهمین روز از اعتصاب شان به سر می برند، خواستار افزایش حقوق و مزایای ماهیانه خود هستند.

به گزارش روز پنجشنبه ۳۰ مرداد پیام سندیکا، طی ۲۰ روز حرکت اعتراضی، بیش از ۱۵ هزار کارگر از ۳۶ شرکت در پارس جنوبی در پالایشگاهها و مراکز نفتی به اعتصاب پیوستند.

روز آدینه ۳۱ مرداد، اعتراض سراسری کارگران تاسیسات نفت و گاز و پتروشیمی در ۵۵ مرکز در ۲۴ شهر از ۱۲ استان همچنان ادامه یافت. در حالی که کارفرمایان برخی از شرکتهای پیمانکاری بخشی از حقوق کارگران را پرداخت کردند، اما کارگران برای تحقق تمامی خواسته های خود همچنان به اعتصاب ادامه می دهند.

اعتصاب و تجمع کارگران هپکو اراک



به گزارش ایلنا، روز شنبه ۱۱ مرداد، کارگران هپکو اراک برای اعتراض نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی ابتدا در کارخانه و سپس زیر پل بختیاری نزدیک ریل قطار راه آهن تجمع کردند. کارگران هپکو همچنین خواستار تعیین تکلیف هرچه سریعتر وضعیت شرکت هستند و از مسئولان می خواهند که هرچه سریعتر مالکیت شرکت تعیین تکلیف شود و مدیران فعلی آن به دلیل عدم توانایی در رونق تولید عزل شوند.

روز یکشنبه ۱۹ مرداد، برای نهمین روز متوالی کارگران این واحد تولیدی داخل شرکت دست به

تجمع اعتراضی زدند. کارگران هپکو ضمن ابراز نگرانی از آینده شرکت و واگذاری بخشی از سهام به جای دیون دولت به تامین اجتماعی گفتند: هپکو از زمان واگذاری در اوایل دهه ۹۰، راه سقوط را با سرعت طی کرد؛ اکنون هیچ سفارش ساختی ندارد و حقوق کارگران با فروش اموال یا گرفتن وام پرداخت می شود که اینک همین الان دو ماه مطالبات مزدی کارگران پرداخت نشده است.

روز شنبه ۲۵ مرداد، تجمع کارگران کارخانه هپکو اراک وارد سومین هفته شد. کارگران معترض هپکو اعلام کردند: باوجود وعده مسئولان استان مرکزی در خصوص پرداخت دستمزد، تا روز یکشنبه ۲۶ مرداد، هنوز حقوق دو ماه کارگران به حساب شان واریز نشده و مدیرعامل شرکت هم کماکان پا به شرکت نگذاشته است.

روز دوشنبه ۲۷ مرداد، کارگران هپکو اراک «خلع ید از مدیریت کارخانه» را مطالبه و عنوان کردند: باتوجه به اینکه در حال حاضر شاهد واگذاری شرکت هپکو به تامین اجتماعی هستیم از مسئولان این سازمان درخواست داریم هرچه سریعتر با خلع ید مدیران فعلی هپکو، افرادی لایق و اهل فن را در راس مدیریت کارخانه منصوب کنند تا هرچه سریعتر تولید در این واحد صنعتی بزرگ آغاز شود.

روز چهارشنبه ۲۹ مرداد، حرکت اعتراضی کارگران هپکو نوزدهمین روز خود را پشت سر گذاشت. کارگران اعلام کردند که با وجود ۱۹ روز متوالی تجمع و اعتراض به هیچیک از وعده‌ها عمل نشده است.

کارخانه هپکو در سال ۱۳۵۴ در زمینی ۹۰ هکتاری با همکاری شرکای خارجی به عنوان اولین و بزرگترین تولیدکننده ماشین‌آلات صنعتی و کشاورزی و راهسازی در خاورمیانه آغاز به کار کرد. در سال ۱۳۸۳ فرآیند خصوصی سازی این شرکت رقم خورد و از آن پس، روز به روز اوضاع وخیم تر شد. نسرین هزاره مقدم در گزارشی برای ایلنا نوشت: «وقتی اساس کار یعنی "توانمندسازی بنگاههای در معرض سقوط" توسط دولت به طور کامل نادیده گرفته شده است، وعده‌های مسئولان برای پرداخت دو یا سه ماه حقوق کارگران یا پرداخت موضعی و مقطعی حق بیمه آنها نمی‌تواند بنگاههایی مانند هپکو یا هفت‌تپه را به رونق و شکوفایی برساند؛ دولت اگر نمی‌خواهد خود اداره این کارخانجات مادر را در اختیار داشته باشد، چرا به احیای بخش تعاونی در اقتصاد نمی‌اندیشد؛ مگر "خصوصی سازی به هر قیمتی" تکلیف قانون اساسی است؟!»

چهارشنبه ۱ مرداد

*اهالی روستای «چم شهران» و «چم کبود» در اعتراض به قطعی آب آشامیدنی، جاده پلدختر- خرم آباد را مسدود کردند. به گزارش آفتاب نیوز، با دخالت نیروهای سرکوبگر انتظامی جاده بازگشایی شد. معترضان علت مسدود کردن جاده را پیگیری‌های بی نتیجه خود در روزهای اخیر عنوان کردند.

روستای چم کبود گاو زرده واقع در ۵ کیلومتری جنوب معمولان و در ضلع شرقی رودخانه کشکان از جمله روستاهایی است که در سیلاب فروردین ماه ۹۸ به زیر آب رفت و به طور صد درصد تخریب شد. این روستا با تغییر مکان در منطقه‌ای حدود ۵۰۰ متری محل قبلی جانمایی شد و بعد از گذشت ۱۶ ماه از سیلاب هنوز با مشکلاتی از جمله نبود آب شرب روبرو است. یکی از معترضان گفت: به دلیل گرمای هوا آب شربی که یک در میان توسط آب وفاضلاب به روستا داده می‌شود جوابگو نیست و مشکلاتی برای مردم به وجود آورده است.

*جمعی از کشاورزان سرخس برای اعتراض نسبت به افزایش صد در صدی نرخ حق آبه سال جاری کشاورزی در فرمانداری این شهرستان در استان خراسان رضوی اجتماع کردند. به گزارش ایلنا، اعتراض نمایندگان تعاونیهای آبران نسبت به افزایش نرخ آب با توجه به اینکه در سال آبی ۹۸-۹۹ قیمت هر متر مکعب ۴۲۰ ریال تعیین و قرارداد بسته شده کاملاً منطقی است، چرا که چک و مدارک وصول حق آبه را پرداخت کرده و دیگر قادر نیستند اضافه‌بهای دیگری را برای زارعان توجیه کنند.

پنجشنبه ۲ مرداد

*کارگران فضای سبز شهرداری کوت عبدالله برای دومین روز متوالی در این ماه و چندمین بار طی ماههای گذشته مقابل فرهنگسرای مهدیه این شهر تجمع کردند. تجمع روز اول کارگران معترض مقابل ساختمان استانداری بود. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران شهرداری کوت عبدالله گفت: این تجمع در ادامه بی توجهی شهرداری به تعویق معوقات مزدی و بیمه‌ای آنها است. وی با بیان اینکه کارگران خواهان مشخص شدن وضعیت پرداخت مطالبات معوقه و امنیت شغلی خود هستند، گفت: در حال حاضر با احتساب حقوق اردیبهشت ماه که شمار زیادی از همکارانمان آن را دریافت نکرده‌اند، سه ماه معوقات مزدی طلبکاریم که تا این لحظه از جانب شهرداری و مسئولان شورای شهر پاسخ مشخصی به این خواسته‌های ما کارگران فضای سبز داده نشده است.

یکشنبه ۵ مرداد

*کارگران فضای سبز شهرداری یاسوج در اعتراض به عدم دریافت مطالبات مزدی شان مقابل ساختمان شورای فرمایشی این شهر تجمع کردند. به گزارش کبنا نیوز، یکی از کارگران معترض گفت: علت تجمع ما عقب افتادگی حقوقمان بین ۶ الی ۹ ماه است که هنوز دریافت نکرده‌ایم. کارگر دیگری که که ۱۴ سال سابقه کار دارد، افزود: ۶۳ نفر کارگر فضای سبز شهرداری یاسوج هستیم که بعضاً ۱۴ سال، ۱۰ سال و یا کمتر و بیشتر سابقه کار داریم و چندین ماه است که حقوقمان را نمی‌دهند. وقتی اعتراض می‌کنیم هم فوراً ما را به اخراج تهدید می‌کنند.

دوشنبه ۶ مرداد

*بازنشستگان شرکت واحد اتوبوسرانی در اعتراض به عدم پرداخت سنوات خدمت، مقابل ساختمان مرکزی شرکت واحد (خیابان هنگام) تجمع کردند. به گزارش کانال تلگرام سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کارگران پس از مدتی با درخواست مدیریت به سالن کنفرانس ساختمان رفتند ولی با توجه به شلوغی سالن کنفرانس با درخواست مدیریت چند تن از نمایندگان برای مذاکره با مدیریت در سالن کنفرانس ماندند و بقیه کارگران سالن کنفرانس را ترک کردند. این کارگران بازنشسته عموماً اسفند ماه ۹۸ بازنشسته شده اند اما به هر یک از آنان ۵۰ تا ۶۰ درصد حق سنوات شان پرداخت شده است.

*کارگران بیکار شده سیمان لوشان برای اعتراض به عدم تحقق وعده بازگشت به کار از سوی خریدار کارخانه و بی خیالی مسئولان شهرستان دست به تجمع مقابل دفتر امام جمعه لوشان زدند. این کارگران روز یکشنبه ۵ مرداد نیز مقابل ورودی معدن سنگ آهک تخت آسمان سیمان لوشان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان گفتند: مرداد ماه سال ۹۲ بعد از اعلام تعطیلی کارخانه سیمان لوشان و بیکاری شمار زیادی از کارگران، همچنان ۶۷ نفر منتظر بازگشت به کار خود هستند. کارگران افزودند: از سال ۹۵ که این کارخانه با همه تجهیزات به همراه یک معدن بزرگ سنگ آهک به یک پیمانکار سنگ فروخته شد، خریدار متعهد شد همه آنها را در این مجموعه مشغول کند که تا امروز و بعد از گذشت ۴ سال، هنوز وعده کارفرما محقق نشده و او نیروی کار خود را از استانهای دیگر جذب کرده است.

سه شنبه ۷ مرداد

*کارگران کارخانه کنتورسازی ایران مقابل استانداری قزوین تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران تجمع کننده گفت: چند روز پیش نیز در مقابل استانداری تجمع کردیم تا شاید مسئولان به خود بیایند و فریادرس مشکلات ما باشند؛ اما متأسفانه این تجمع هیچ نتیجه ای نداشت. وی افزود: قرار شده بود مشکلات ما از سوی مسئولان قزوین پیگیری و حل شود، اما متأسفانه هیچ مسئولی پاسخگوی ما نیست.

کارگر دیگری گفت: ما با مشکلات مختلفی دسته و پنجه نرم می کنیم؛ بیمه یکی از مشکلات ماست و تقریباً از چهارماه گذشته حق بیمه ای به حساب ما توسط شرکت واریز نشده است تا بتوانیم از خدمات بیمه بیکاری استفاده کنیم.

*برای پنجمین بار، کارگران شهرداری سریش آباد از شهرستان قروه در استان کردستان برای اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق دست به اعتصاب زدند و مقابل ساختمان این شهرداری اجتماع کردند. به گزارش ایلنا، ۱۹ بهمن ماه سال گذشته بود که چهارمین اعتصاب پرسنل شهرداری سریش آباد رقم خورد، اعتصابی که با وعده مدیرکل امور شهری استانداری کردستان برای پرداخت حقوق دو ماه در عرض یک هفته پایان یافت، وعده ای که به گفته پرسنل فقط همان حقوق دو ماه پرداخت شد و از عید به بعد هیچ مبلغی پرداخت نکرده اند.

تجمع کنندگان گفتند: با توجه به وضعیت اقتصادی و پیش آمدن ویروس کرونا زندگی کردن سخت شده و درست نیست در این شرایط حق و حقوق ما را هم ندهند.

*جمعی از مصدومان جنگ ایران و عراق، مقابل ساختمان وزارت نفت دست به تجمع زدند. به گزارش نفت آنلاین، تجمع این شهروندان در اعتراض به ابلاغ بخشنامه جدید نفتی، قطع و تقلیل ساعات کاری جانبازی، عدم اعمال مدارک تحصیلی، ایاب ذهاب، عدم تخصیص پاداش بهره وری، عدم اجرای ماده ۱۰ و اجرا نشدن مصوبات مجلس صورت گرفته است. معترضان طی هفته گذشته نیز در تجمعی خواستار رسیدگی به مطالبات خود شده بودند.

چهارشنبه ۸ مرداد

*تعدادی از شهروندان ساکن تبریز در اعتراض به قطع مکرر آب در بخشهایی از این شهرستان دست به تجمع زده و خواستار پیگیری مسئولان برای رفع این مشکل شدند. به گزارش کولبر نیوز، بیش از دو ماه است که آب آشامیدنی در

منازل مسکونی شهروندان در این شهرستان به دلایلی نامعلوم قطع می شود و تاکنون اقدامی از سوی مسئولان برای رفع این مشکل صورت نگرفته است.

پنجشنبه ۹ مرداد

*صدها زن و مرد، پیر و جوان و حتی کودکان خردسال، از اهالی شهرستانهای دشتی و تنگستان در استان بوشهر برای اعتراض به فعالیت دوباره معدن سنگ مرمریت در کنار عمارت تاریخی شیرینه و بزرگترین چشمه آب شیرین منطقه، پس از پیاده روی در کوه بیرمی مقابل این معدن تجمع کردند. به گزارش ایلنا، سید کریم موسوی فعال محیط زیست، در این خصوص، گفت: از آنجا که کوه خواری طعم دلپذیری در این روزها برای زیاده خواهان دارد در کنار خبرهای ناگوار دیگر که از بام سرافراز «دماوند» و آتش سوزی دیگر کوههای کشورمان را می شنویم، معدن مرمریت تنگه «شیرینه» کوه «بیرمی» نیز با وجود مقاومت نزدیک به ۲ سال مردم شهرستان دشتی جهت ابطال پروانه این معدن، متأسفانه دوباره آغاز به کار کرده است.

شنبه ۱۱ مرداد

*کارگران کشت و صنعت شوشتر برای اعتراض به عدم پاسخگویی کارفرما به مطالبات شان و اخراج یکی از همکاران شان مقابل فرمانداری شهرستان شوشتر تجمع کردند. به گزارش ایرنا، یکی از معترضان گفت: این تجمع به دلیل اعتراض به پرداخت نشدن حق کارگران و عدم تمکین کارفرما از رای اداره کار است که به نفع کارگران صادر شده است. وی افزود: شرکت کشت و صنعت کارون بیمه و بازنشستگی و سنوات حدود ۴۰۰ کارگر را به طور کامل پرداخت نکرده، به همین دلیل کارگران شکایتی را در اداره کار مطرح کردند.

*به گزارش عصر باختر، رانندگان اتوبوس شهری کرمانشاه در ادامه اعتراض به عدم پرداخت یارانه سال ۹۸ و حق بیمه بیکاری به خاطر دو ماه تعطیلی در ایام شیوع ویروس کرونا دست به تجمع در ترمینال کایانی کلانشهر کرمانشاه زدند. *ساکنان روستای آق مشهد، از روستاهای شهرستان ساری برای اعتراض به وقف روستا و جنگل دست به تجمع زدند. به گزارش اسکای نیوز، اهالی روستای آق مشهد دلیل تجمع خود را اعتراض به وقف ۵۶۰۰ هکتار از جنگلهای اطراف این روستا عنوان کرده و گفتند: جنگل منابع ملی و میراث جهانی است و نمی توان یک میراث ملی و جهانی را وقف کرد. تجمع کنندگان افزودند: وقفی بودن جنگلهای ملی، علاوه بر آنکه غیرقانونی است، عوارض و مشکلات بسیاری را برای مردمان حاشیه آن مناطق ایجاد می کند که تخریب جنگل و ویلا سازی و سیل تنها بخشی از آن است. *کارگران اداره آب و فاضلاب اهواز با تجمع مقابل ساختمان این اداره در کلانشهر اهواز به پایداری حقوق شان توسط شرکت پیمانکاری اعتراض کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض گفتند: خواستار رفع تبعیض در پاداش، حقوق و مزایای مزدی نسبت به کارگران رسمی و قرارداد مستقیم هستند. آنها افزودند: اختلاف زیادی در حقوق کارگران پیمانی مجموعه شرکت آب و فاضلاب که زیرمجموعه شرکت پیمانکاری کار می کنند، نسبت به کارگران رسمی و قراردادی وجود دارد.

یکشنبه ۱۲ مرداد

*کارگران کارخانه کنتورسازی ایران برای اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی و وعده های توخالی مسئولان مقابل فرمانداری شهرستان البرز تجمع کردند. به گزارش صبح قزوین، کارگران حاضر در تجمع گفتند: چندین سال است که شاهد بی سر و سامانی شرکت کنتورسازی قزوین هستیم و خصوصی سازی بلای جان کارگران شده است، اما در این میان آنچه دیده نمی شود فریادهای به حق کارگران این شرکت است که به جایی نمی رسد و مسئولان استان قزوین هم بارها وعده های بی سرانجامی داده اند که عملیاتی نشده است.

*کارگران دفاتر سهام عدالت از نقاط مختلف کشور خود بار دیگر به تهران آمدند و مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش فارس، تجمع کنندگان گفتند: از ۴ مرداد ماه سال جاری به دنبال دستور العمل جدید شورای عالی بورس مبنی بر آزاد سازی سهام عدالت، از کار بیکار شده ایم. در دستور العمل شورای عالی بورس به جز پرداخت مطالبات معوقه کارکنان دفاتر سهام عدالت هیچ تصمیمی در خصوص وضعیت شغلی ما گرفته نشده و ما را بیکار کرده اند.

*جمعی از اهالی محله یوسف آباد تبریز دست در محوطه عمارت ساعت این کلانشهر تجمع کردند. تجمع کنندگان به مبلغی که شهرداری به عنوان غرامت به مسکنهای تملک شده آنها پرداخت می کند اعتراض کردند. به گزارش ایسنا، در فاصله مصوبه شورا قلبی شهر مبنی بر پرداخت غرامت به اهالی محله یوسف آباد، افزایش قیمتی در زمینه مسکن رخ داده است، در برخی موارد این افزایش قیمت در حوزه مسکن ۱۰۰ درصد است، کارشناسان دادگستری و شهرداری یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان برای هر متر ملک این شهروندان قیمت گذاری کرده اند و این شهروندان به دلیل افزایش قیمت مسکن، نسبت به این رقم شاکی هستند.

*برخی از هنرمندان اصفهان با تجمع در ساختمان خانه هنرمندان این شهر، به تغییر تملک و واگذاری این عمارت به بنیاد شهید اعتراض کردند. به گزارش ایسنا، عمارت خانه هنرمندان اصفهان از ۳۰ سال قبل مأمّن هنرمندان و علاقه مندان هنر در اصفهان بوده اما از پنج سال قبل بنیاد شهید به دنبال تملک آن بود. تجمع هنرمندان در این عمارت، با دخالت مأموران نیروی انتظامی همراه بود که همین مساله، انتقاد هنرمندان را به دنبال داشت.

دوشنبه ۱۳ مرداد

*شماری از مدیران دفاتر پیشخوان دولت در اعتراض به تصمیم اخذ شده در راستای کاهش کارمزد پستی آنها مقابل اتحادیه خود تجمع کردند و خواستار رسیدگی مسئولان و تجدید نظر در این زمینه شدند. به گزارش روزنامه قانون، پیش از این براساس مصوبه ای ۴۰ درصد از قیمت تمام شده خدمات بخش پستی به بخش قبول تعلق می گرفت که دفاتر پیشخوان آن را دریافت می کردند، اما با شکایت دفاتر و رای دیوان عدالت اداری میزان ۴۰ درصد، ابطال شده است.

*کارگران دفاتر سهام عدالت از نقاط مختلف کشور خود بار دیگر به تهران آمدند و مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش فارس، تجمع کنندگان گفتند: از ۴ مرداد ماه سال جاری به دنبال دستور العمل جدید شورای عالی بورس مبنی بر آزاد سازی سهام عدالت، از کار بیکار شده ایم. در دستور العمل شورای عالی بورس به جز پرداخت مطالبات معوقه کارکنان دفاتر سهام عدالت هیچ تصمیمی در خصوص وضعیت شغلی ما گرفته نشده و ما را بیکار کرده اند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض برای دومین روز متوالی مقابل ساختمان سازمان خصوصی سازی و قوه قضائیه تجمع کردند.

*جمعی از رانندگان ناوگان اتوبوس شهرداری ارومیه برای اعتراض به بلا تکلیفی معیشتی در پی شیوع بیماری کووید ۱۹ و عدم حمایت دولت، دست از کار کشیده و مقابل شهرداری این کلانشهر در مرکز استان آذربایجان غربی تجمع کردند. به گزارش خبرآنلاین، تجمع کنندگان گفتند: هیچ کسی به درد آنها نمی رسد و متاسفانه شهرداری بیمه رانندگان را پرداخت نکرده و از طرفی درآمد آنها ۸۰ درصد بعد از شیوع کرونا کاهش یافته است و هیچگونه حمایتی از سوی نهادی صورت نگرفته و تنها کمک به آنان توزیع روغن موتور برای یک بار بوده است.

*کارگران اخراجی اجرائیات شهرداری اهواز به نمایندگی از طرف ۳۷ تن از همکاران شان با تجمع مقابل ساختمان شورای شهر این کلانشهر خواهان بازگشت به کار شدند. به گزارش عصر جنوب، یکی از کارگران معترض و شرکت کننده در این تجمع گفت: پنج نفر از نمایندگان این تعداد افراد اخراج شده مقابل ساختمان شورای شهر اهواز برای پیگیری وضعیت شغلی خود تجمع کردیم. وی ادامه داد: در مجموع ۴۰۰ نفر در اجرائیات شهرداری اهواز مشغول به کار هستند که همه زیر نظر یک پیمانکار فعالیت دارند.

*به گزارش هرانا، تعدادی از اهالی روستای محمدآقا آقاجری (کیکاووس آقاجری) از روستاهای شهرستان بهبهان در اعتراض به مشکل بی آبی این روستا مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گفته اهالی این روستا، مشکل بی آبی با شروع فصل گرما کماکان ادامه دارد و باوجود وعده های مسئولان طی چندسال گذشته هیچ اقدامی در این خصوص صورت نگرفته است.

*به گزارش هرانا، کارگران شرکت آسفالت طوس دشت آزادگان واقع در استان خوزستان برای دومین روز متوالی در اعتراض به مشکلات معیشتی و پایین بودن حقوق و دستمزدشان دست از کار کشیده و تجمع کردند.

سه شنبه ۱۴ مرداد

*کارگران شرکت کنتور سازی، بار دیگر مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، حدود ۱۳۶ کارگر کارخانه کنتور سازی ایران برای چندمین بار به نشانه اعتراض به محقق نشدن وعده های داده شده از سوی مسئولان برای پرداخت مطالبات شان اعتراض کردند. کارگران گفتند؛ مشکلات صنفی آنها از زمان خصوصی سازی شرکت کنتور سازی آغاز شده و برای پرداخت ۲۶ ماه از معوقات مزدی کارگران، مسئولان مصوبه ای را در جلسه ای که اخیرا با حضور نماینده کارگران در محل استانداری برگزار شد، امضاء کردند که با فروش سهام شرکت «نیرو کلر» که متعلق به کنتورسازی است حدود ۲۰ میلیارد تومان مطالبات مزدی و بیمه کارگران پرداخت شود. کارگران در ادامه تصریح کردند: متاسفانه مسئولان برخلاف مصوبه استانداری سهام شرکت «نیرو کلر» را به ارزش مالی حدود ۱۶ تا ۱۷ میلیارد تومان فروخته اند و به جای آنکه این مبلغ را به حساب دادگستری برای پرداخت مطالبات کارگران واریز کنند، به دلایل نامعلومی آن را به خزانه دولت واریز کرده اند و هم اکنون دست ما کارگران به جایی بند نیست.



*صدها کارگر شهرداری بروجرد باسابقه کاری ۵ تا ۱۴ سال برای اعتراض به نداشتن امنیت شغلی دست به تجمع مقابل شهرداری و فرمانداری این شهرستان زدند. به گزارش سفیر افلاک، یکی از کارگران حاضر در تجمع گفت: بیش از ۱۰ سال است که در شهرداری مشغول به کار هستم و حالا زمزمه های قرارداد موقت شنیده می شود، اگر این کار صورت گیرد پایان زمان قرارداد ممکن است بعد از یک دهه کار، اخراج شویم.

پنجشنبه ۱۶ مرداد

*شماری از رانندگان تاکسی در شهرهای مشهد، بابل و سبزوار در اعتراض به بی توجهی مسئولان به مطالبات شان دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، رانندگان دلیل اعتراض خود را مناسب نبودن قیمت کرایه تاکسی، هزینه تعمیر و نگهداری خودرو، عدم توازن بین دخل و خرج آنها و افزایش روز افزون تورم و گرانی عنوان کردند. *برای پنجمین بار در سال جاری، جمعی از غارت شدگان مجتمع تجاری آدینه رشت دست به تجمع مقابل ساختمان اداری این مجتمع در کلانشهر رشت زدند. به گزارش ۸ دی، پس از ساعتی نیروهای انتظامی وارد شدند تا با پایان دادن به تجمع مانع از حق طلبی این مالباختگان شوند و پرونده سیاه شان را سیاه تر کنند.

شنبه ۱۸ مرداد

*بازنشستگان شرکت کشت و صنعت نیشکر میان آب واقع در منطقه میان آب و آهودشت شهرستان شوش، برای اعتراض به عدم پرداخت حق سنوات، دست به تجمع مقابل فرمانداری شهرستان شوش زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، معترضان خواهان پرداخت حق سنوات طبق رای هیات تشخیص و هیات اداره کار شوش و الوان و ماده ۲۶ قانون کار و بازرسی کارشدند.

یکشنبه ۱۹ مرداد

*گروهی از کارگران خدمات شهری خرمشهر در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی خود، در مقابل ساختمان فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند. به گزارش ایرنا، یکی از کارگران معترض گفت: اکثر کارگران شهرداری در تامین هزینه های زندگی با مشکل رو به رو هستند و شهرداری خرمشهر حق بیمه هشت ماه کارگران خدمات شهری را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نکرده و هم اینک این کارگران برای درمان نمی توانند از خدمات درمانی استفاده کنند.

*دامداران شهرستان بهبهان مقابل ساختمان اداره صنعت و معدن و تجارت این شهرستان تجمع کردند. به گزارش هرا، این شهروندان در اعتراض به گرانی خوراک دام و ارزان بودن شیر و تلفات دام بر اثر گرما که تعداد زیادی از دامداران را تا مرز ورشکستگی برده است، دست به تجمع زدند.

دوشنبه ۲۰ مرداد

*به گزارش آذربایخیش، جمعی از کارگران واحد پاکبانی و فضای سبز شهرداری خوی مقابل ساختمان شورای فرمایشی این شهرستان تجمع کردند. به گفته این کارگران که از نواحی چهارگانه شهرداری خوی گردهم آمدند، حقوق و مزایای آنان طی ۵ ماه گذشته پرداخت نشده است.

*کارگران پیمانی آب و فاضلاب خوزستان برای اعتراض به عدم تبدیل وضعیت و عملکرد شرکتهای پیمانکاری از جمله عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه دست به تجمع مقابل ساختمان شرکت درکلانشهر اهواز زدند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران معترض گفت: شماری از مجموع ۳۰۰ کارگر شرکت آب و فاضلاب اهواز که به صورت قراردادی به عنوان موتورچی و پمپ چی آب در سطح شهر اهواز فعالیت می کنند دارای سوابق کاری ۱۰ تا ۱۵ ساله هستند که در چند ماه گذشته که با شرکت آبفاز ادغام شده اند، از شرایط کار خود رضایت ندارند. وی با بیان اینکه هیچ کدام از کارفرمایان شرکتهای پیمانکاری پرداخت مطالبات حقوقی کارگران اداره آب و فاضلاب اهواز را برعهده نمی گیرند، گفت: کارگران آبفای اهواز در تجمع امروز جدا از پیگیری مطالبات مزدی و بیمه‌ای خواستار تغییر وضعیت استخدامی خود از پیمانکاری به قرارداد مستقیم هستند.

*جمعی از گلخانه داران یاسوج مقابل استاندار کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. یکی از تجمع کنندگان به خبرنگار کبنا نیوز گفت: برخی از مسئولان پشت میز نشسته اند و اصلاً دغدغه تولید کنندگان را ندارند. ما مشکل خرید مواد اولیه داریم. چرا مسئولان چاره اندیشی نمی کنند. وی افزود: تأمین اجتماعی نباید هزینه هایش را از گرده تولیدکنندگان تأمین کند. ما به دلیل شرایط ویروس کرونا با شکست مواجه شده ایم. مسئولان حمایت نمی کنند. برای یک فیش برق، برق گلخانه من را قطع می کنند.

سه شنبه ۲۱ مرداد

*رانندگان اتوبوس یک شرکت خصوصی تهران برای اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق دست از کار کشیدند و با به صف کردن اتوبوسهای مزین شده شان به پلاکارد در خیابان هنگام واقع در شمال شرق پایتخت اجتماع کردند. به گزارش مهر، تجمع کنندگان تأسیس شرکتهای خصوصی را ظلم به رانندگان اتوبوس عنوان کرده و بر روی بنرهایی که روی اتوبوسهای خود نصب کرده بودند، این مساله را به نام اتوبوسرانان و به کام شرکتهای خصوصی خواندند.

*کارگران فضای سبز منطقه آزاد قشم برای اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق دست به تجمع زدند. به گزارش شمانیوز، یکی از کارگران حاضر در تجمع گفت: حدود ۲ ماه است که حقوق کارگران پرداخت نشده و کارگران با مشکلات معیشتی مواجه شده اند. وی افزود: برخی از این کارگران نیز به همین جهت توان تأمین سوخت وسیله نقلیه خود برای حضور در محل کار را ندارند.

*تعدادی از ساکنان سه روستا در بخش غیزانیه اهواز با تجمع در کنار عوارضی آزاد راه خلیج فارس (اهواز - بندر امام) خواستار رایگان شدن و حذف هزینه تردد از این آزاد راه شدند. به گزارش ایرنا، مردم ۱۵ روستای بخش غیزانیه ناچارند برای انجام کارهای روزمره از جمله خرید آب و مایحتاج به شهر تردد کنند و گاهی در یک روز چندین بار مجبور به گذشتن از عوارضی و پرداخت پول هستند.

چهارشنبه ۲۲ مرداد

*کارگران سایت پسماند صفیره اهواز برای اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی دست به تجمع مقابل ساختمان سازمان مدیریت پسماند شهرداری اهواز واقع در خیابان شیخ بهایی جنوبی زدند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت: هر ساله با تغییر پیمانکار، وضعیت پرداختیها بدتر می شود و از فروردین سال جاری هم کارگران هیچ حقوقی دریافت نکرده اند.

شنبه ۲۵ مرداد

*کارگران بازنشسته تامین اجتماعی برای اعتراض به سطح نازل حقوق و عدم همسان سازی و پرداخت نشدن بدهی دولت به سازمان، همزمان دست به تجمع مقابل ساختمان تامین اجتماعی در مراکز استانها منجمله در شهرهای تبریز، رشت، کرج، بجنورد، اهواز، ساری، ابهر، کرمان، ایلام، اصفهان، مشهد و تهران زدند. به گزارش هراتا، در ماده ۱۱۱ قانون



بازنشستگان آمده است که حقوق بازنشستگان از کار افتاده برابر با حداقل دستمزد باشد که هم اکنون حداقل دستمزد تعیین شده برای کارگران ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان است در حالی که بازنشسته از کار افتاده ای که

برروی تخت بیمارستان و یا در خانه است و هزینه های درمانی بسیار بالا دارد تنها ۲۰۰ هزار تومان به حقوق قبلی آنان اضافه شد و هم اکنون به یک میلیون ۴۰۰ هزار تومان رسیده است. یک بازنشسته تامین اجتماعی گفت: موضوع دیگر که به آن اعتراض داریم این است که درخواست داریم دولت دستش را از صندوق بازنشستگان بیرون بکشد چرا که منابع صندوق بازنشستگان را بازنشستگان تامین کرده اند. وی تاکید کرد: در حال حاضر دولت ۲۷۲ میلیارد تومان به صندوق بازنشستگان بدهکار است که سود همین پول هم مبلغ هنگفتی است. وی تاکید کرد: تمام فساد که در تامین اجتماعی انجام می شود به خاطر مدیریت دولتی این صندوق است.

*کارگران کارخانه فولاد جهان آرا اروند واقع در شهرک صنعتی خرمشهر در اعتراض به سطح نازل حقوق و اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل اقدام به اعتصاب و تجمع کردند. این کارگران به خبرنگار ایلنا گفتند: نزدیک به ۶۰۰ کارگر رسمی، قراردادی و پیمانکاری شاغل در کارخانه فولاد جهان آرا خرمشهر هستیم که به دنبال اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در این واحد تولیدی هستیم. به گفته کارگران این کارخانه؛ اصرار آنها به این دلیل است که در قانون کار بر الزامی بودن اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در کارگاههای بالای ۵۰ نفر تاکید شده است. وی شمار کارگران شاغل در کارخانه فولاد جهان آرا را ۸۰۰ نفر اعلام کرد و افزود: طبق بخشنامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیمانکاران موظفند افزایش سنواتی را برای کارگران خود تا شهریور ماه اعمال کنند و در صورت تخلف از این قانون موضوع از طریق مراجع حل اختلاف اداره کار و سایر نهادهای قانونی پیگیری می شود.

*جمعی از معلولان آبادان برای اعتراض به بازپس گیری یک ساختمان فعال در کارآفرینی معلولان و کمک به تحصیل کودکان بازممانده از تحصیل دست به تجمع مقابل ساختمان مدیریت آموزش و پرورش آبادان زدند. به گزارش ایرنا معترضان گفتند: آموزش و پرورش آبادان قصد دارد مکانی که تا سه سال پیش به مدت ۳۰ سال مخروبه و متروکه بود و در سال ۹۶ با هدف کارآفرینی معلولان و کمک به تحصیل کودکان بازممانده از تحصیل در اختیار گروه تکما قرار گرفته بود بازپس گیرد. آنها افزودند: این گروه با مشقت فراوان و کمک حامیان اقدام به مرمت این ساختمان کرده اینک روا نیست در این موقع آموزش و پرورش آنها را از این ملک خارج کند.

*به گزارش ایران انترناسیونال، گروهی از خریداران خودروهای ثبت نامی از شرکت شهر خودرو در اعتراض به گرانی قیمت‌های اعلام شده و عدم تحویل خودرو، مقابل هتل محل اقامت تیم فوتبال شهر خودرو واقع در شاهین شهر اصفهان تجمع کردند.

یکشنبه ۲۶ مرداد

*به گزارش عصر جنوب، شماری از شهروندان شهر چمران برای دومین روز متوالی مقابل بیمارستان نفت ماهشهر دست به تجمع زدند. این شهروندان علت اجتماع خود را اعتراض به استخدام کارگران غیربومی در بخش حراست و خدمات، عنوان کردند.

*جمعی از متقاضیان مسکن مهر برازجان در استان بوشهر بایرپایی تجمع مقابل شعبه مرکزی بانک مسکن و فرمانداری شهرستان دشتستان به بلا تکلیفی ۱۲ ساله اعتراض کردند و خواهان تحویل واحدهای مسکن مهر خود شدند. به گزارش اتحاد خبر، یکی از تجمع کنندگان بی تدبیری مسئولان مربوطه را عامل مشکلات و بی خانمانی مردم این شهر عنوان کرد و خواستار حل فوری مشکل مسکن مهر شد.

*کارگران کارخانه کنتورسازی ایران در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت شغلی و مطالبات مزدی خود مقابل ساختمان استانداری قزوین تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض اظهار داشتند: با گذشت ۵ ماه از تعطیلی این واحد تولیدی که به بهانه کرونا ویروس اتفاق افتاد، مدیریت کنونی هنوز اقدامی در جهت بازگشایی کارخانه و پرداخت مطالبات معوقه کارگران انجام نداده است. در حال حاضر ما حدود ۲۶ ماه معوقات مزدی طلبکاریم و مدیریت کارخانه هیچ برنامه برای پرداخت آنها ندارد. مسئولان نیز واکنشی از خود نشان نمی‌دهند.

*به گزارش اعتماد، شماری از اسرای سابق جنگ ۸ ساله ساکن تهران در اعتراض به واگذاری غیرقانونی سهمیه زمینهای خود توسط تعاونی مسکن «احرار الزمان» به یک فرد حقیقی، در مقابل مقابل دفتر ریاست قوه قضاییه تجمع کردند. یکی از تجمع کنندگان در این خصوص گفت: سال ۸۰ امتیاز بخشی از زمینهای مقابل ورودی دریاچه شهدای خلیج فارس (غرب تهران - منطقه ۲۲) به تعاونی مسکن احرار الزمان واگذار شد و این امتیازها بین ۹۵۶ عضو این تعاونی تقسیم شد. در آن زمان، زمینهای اطراف دریاچه خلیج فارس بیابان بود و ارزش ریالی زیادی نداشت.

*به گزارش فارس، تعدادی از اعضای تعاونی مسکن شهرک امیرالمومنین پاکدشت برای اعتراض به بلا تکلیفی ۱۸ ساله برای گرفتن مجوز ساخت خانه های شان دست به تجمع در خیابان اصلی این شهرستان در استان تهران زدند.

دوشنبه ۲۷ مرداد

*به گزارش عصر هامون، شماری از کارگران شهرداری سراوان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود مقابل ساختمان شورای شهر و فرمانداری این شهرستان دست به تجمع زدند. یکی از کارگران شرکتی شهرداری سراوان گفت: افرادی که در حال حاضر به دلیل اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود در این مکان حضور دارند، هشت ماه قبل به عنوان راننده، پاکبان و کارگران امور شهر به صورت شرکتی جذب شده اند اما در حال حاضر شهردار می گوید به صورت غیرقانونی این اقدام صورت گرفته است. وی افزود: اگر به صورت غیرقانونی جذب شده ایم چرا در حال انجام کار هستیم. شورای شهر و شهرداری پاسخ قانع کننده ای به ما نمی دهند و می گویند که ما مسئولیتی در قبال شما نداریم.

*به گزارش کولبرنیوز، گروهی از گوجه کاران کرمانشاه مقابل استانداری این استان تجمع کردند. تجمع کنندگان دلیل تجمع خود را پائین بودن قیمت گوجه فرنگی عنوان کردند.

*به گزارش ایسنا، اهالی شهرک فرهنگیان همدان برای اعتراض به وضعیت نامناسب خیابانها و آسفالت نبودشان دست به تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان زدند.

*دامداران مجتمع گاو شیری اندیمشک برای اعتراض به تهدید مصادره اموال توسط بانک کشاورزی به دنبال ورشکستگی به دلیل وعده های توخالی مسئولان دست به تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان زدند. به گزارش فارس، یکی از تجمع کنندگان گفت: مجتمع در حالی بنا شد که قول زمینهای کشاورزی را به ما داده بودند اما حصارکشی دور مجتمع انجام

نشد و کم کم شاهد آغاز سرقتها شدیم. او افزود: باوجود نبود حصار، دامداران کار خود را آغاز کردند اما پس از گذشت ۵ سال هنوز وعده زمینهای کشاورزی محقق نشد و مجتمع کاملاً ورشکست شد.

*جمعی از فعالان صنعت ساختمان نیشابور برای اعتراض به عدم صدور مجوز برای احداث ساختمان بیش از چهار طبقه مقابل فرمانداری این شهرستان در استان خراسان رضوی تجمع کردند. به گزارش ایرنا، یکی از تجمع کنندگان گفت: از ابتدای امسال شهرداری نیشابور مجوز ساخت برای ساختمانهای بیش از چهار طبقه صادر نمی کند و علت آن را مصوبه کمیسیون انطباق فرمانداری عنوان کرده است. وی افزود: با این مصوبه، ساخت و ساز در این شهر به صرفه نبوده و با این وضعیت دیگر قادر به ادامه فعالیت نیستیم.

سه شنبه ۲۸ مرداد

*کارگران کارخانه پروفیل ساوه در ادامه کنشهای دامنه دار به عدم اجرای حکم بازنشستگی به دلیل خروج از مشمولیت مشاغل سخت و زیان آور دست به تجمع مقابل اداره کار شهرستان ساوه زدند. به گزارش ایسنا، یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت: این کارخانه به دلیل وجود آلودگیهای محیطی فراوان طبق گزارشات کمیته های استانی و با وجود مخالفتهای کارفرما از جمله مشاغل سخت و زیان آور تشخیص داده شده است. وی افزود: اما در سال ۹۷ زمانی که طبق سنوات گذشته کارگران اقدام به مراحل قانونی بازنشستگی کردند متوجه شدند که قانون سخت و زیان آور کار تا پایان سال ۹۲ محاسبه شده است و طبق برگه ضمیمه ای که وجود داشت امکان اعتراض را برای کارگران فراهم کرده بود اما اداره کار آن را اعلام نکرده بود و با گذشت زمان اعتراض عملاً دستمان به جایی بند نشد.

*به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران گیتهای اخذ عوارض آزاد راه قزوین، در اعتراض به بلاتکلیفی همکاران شان، مقابل ساختمان اداره کل راه و شهرسازی قزوین، تجمع کردند. دهها تن از کارکنان عوارضیهای قزوین از ابتدای سال جاری تا به امروز به مدت ۵ ماه است که بیکار شده اند و کسی پاسخگوی آنها نیست. الکترونیکی شدن عوارضیها بهانه ای برای بیکاری کارکنانی شده است.

*جمعی از کارگزاران و کارمندان مخابرات روستایی در اعتراض به عدم همسان سازی حقوق آنها با سایر کارمندان رسمی مخابرات مقابل مجلس تجمع کردند. خواسته اصلی این کارگزاران مخابرات روستایی، همسان سازی حقوق و موارد رفاهی آنها با سایر کارمندان رسمی مخابرات است. به گزارش خبرنگار ایلنا، کارگزاران مخابرات روستایی قبل از خصوصی سازی شرکت مخابرات، در مراکز مخابرات روستایی مشغول به کار بودند و در حال حاضر نیز قرارداد دائمی و رسمی با شرکت مخابرات دارند اما هنوز حکم کارگزینی یا دریافت حقوق و مزایای رفاهی برابر با سایر کارمندان دائمی، مشمول آنها نمی شود.

*کارگران بازنشسته کارخانه «پارس مینو» واقع در استان تهران، به شیوه محاسبه سنوات بازنشستگی خود در این واحد صنعتی انتقاد دارند. به گزارش ایلنا، به گفته چندتن از کارگران بازنشسته شرکت پارس مینو، طبق قانون، مبنای محاسبه سنوات کارگران در قانون کار به ازای هر سال کار معادل یک ماه آخرین حقوق تعیین شده است؛ این در حالی است که کارفرمای شرکت پارس مینو در پرداخت سنوات بازنشستگی شمار زیادی از کارگران، طبق این قانون عمل نکرده است.

چهارشنبه ۲۹ مرداد

*تعدادی از اهالی شهرستان کنگاور با تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان خواهان مشخص شدن وضعیت زمینهای شهرک نیروی انتظامی شدند. به گزارش فارس، تجمع کنندگان که تعدادشان به ۲۰۰ تن می رسید، با شعار مرگ بر زمین خوار از کم توجهی ۲۰ ساله به وضعیت زمینهای شهرک نیروی انتظامی گلایه کردند و خواهان برخورد با عامل زمین خواری و مشخص شدن تکلیف خریداران زمینهای شهرک نیروی انتظامی شدند.

*به گزارش مهر، برای سومین هفته، دانش آموختگان حقوق با برپایی تجمع مقابل مجلس خواهان رفع انحصار از وکالت و جذب بر اساس صلاحیتهای علمی شدند.

پنجشنبه ۳۰ مرداد

*به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، تجمع چند باره کارگران کنتورسازی قزوین در محوطه این کارخانه. پرداخت ۲۷ ماه حقوق معوقه، بازگشت کارگران اخراجی، معرفی همه کارگران به بیمه بیکاری، پرداخت سنوات و سایر مزایای معوقه از جمله خواسته های کارگران است.

*کارگران ناوگان حمل و نقل شهری شهرداری یاسوج برای اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق مقابل ساختمان شورای فرمایشی شهر در مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. به گزارش تسنیم، کارگران معترض با اشاره به تعویق ۹ ماهه در دریافت حقوق و مطالبات شان، گفتند: در روز استیضاح شهردار با حضور در همین مکان اعتراض کردیم، شهردار شهر یاسوج با حضور در جمع ما قول داد که اگر چرخ ماشینم را بفروشم مشکلاتتان را حل می‌کنم، چند ماه از وعده شهردار می‌گذرد و هنوز مشکل ما حل نشده است.

*کارگران شرکت «گسترش آهن راه» با تجمع در محل کار و کارگران «راه آهن ایثارگران» با اجتماع مقابل مجلس ضمن اعتراض به نداشتن امنیت معیشتی و شغلی، خواهان حذف شرکتهای پیمانکاری و عقد قرارداد مستقیم شدند. به گزارش ایلنا، کارگران پیمانی شرکت راه آهن گفتند: از اینکه در چند سال گذشته به صورت پیمانی در استخدام چند شرکت پیمانکاری مشغول کار هستیم، معترض هستیم و خواستار آن هستیم که وضعیت استخدامی مان به قرارداد مستقیم تبدیل شود.

آدینه ۳۱ مرداد

*کارگران شهرداری لالی مدتهاست که برای اعتراض به عدم پرداخت ۱۱ ماه حقوق و ۶ ماه حق بیمه دست به تجمع مقابل ساختمان شهرداری این شهر در استان خوزستان می‌زنند. به گزارش الف، کارگران این شهرداری از مشکلات خانوادگی که گاه به خاطر بی پولی تا مرز طلاق پیش رفته می‌گویند. یک کارگر هم از مریضی فرزند و آزارش از نبود بیمه سفره دل می‌گشاید. و یا کارگر دیگری ازدغدغه گرفتن پول نزول برای رفع مایحتاج زندگی زن و بچه اش سخن می‌گوید.

*به گزارش کولبر نیوز، تعدادی از ساکنان شهرک قائم شهرستان اراک در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان دست به تجمع زدند. این شهروندان نسبت به واگذاری زمینهای کاربرد عمومی به افراد و نهادهای دولتی اعتراض کردند.

اخبار کوتاه منتشر شده در شبکه های اجتماعی

شنبه ۴ مرداد: تجمع اعضای تعاونی مسکن کارکنان سازمان امور اداری و استخدامی کشور در محل زمینهای خریداری شده شان در مهر شهر کرج.

پنجشنبه ۹ مرداد: تجمع اهالی دهستان پشتنگ زهاب و مجتمع ایاسی سرپل مقابل فرمانداری شهرستان پل زهاب. معترضان راه ورود به ساختمان فرمانداری را برای مدتی بستند.

شنبه ۱۱ مرداد: تجمع گروهی از کارگران شهرداری کوت عبدالله مقابل استانداری خوزستان به دلیل عدم پرداخت معوقات مزدی خود. / تجمع کارکنان کاشی اصفهان مقابل درب این کارخانه به خاطر اعتراض به عدم دریافت حق سنوات خود.

یکشنبه ۱۲ مرداد: تجمع تعدادی از صاحبان باغهای تفریحی جاده آبشار در شهرستان بویراحمد برای اعتراض به بلا تکلیفی معیشتی، مقابل فرمانداری بویراحمد.

سه شنبه ۱۴ مرداد: تجمع کارگران پیمانکاری قیصری شرکت فولاد کوشان شاغل در مجتمع فولاد سنگان در استان خراسان رضوی، در محوطه این شرکت. / تجمع شلتوک کاران دشت آزادگان برای اعتراض به ضرر و زیان از زهکشی، مقابل فرمانداری شهرستان دشت آزادگان. / تجمع اعضای تعاونی مسکن مهر استان هرمزگان مقابل استانداری.

چهارشنبه ۱۵ مرداد: جمعی از دانش آموختگان حقوق با تجمع مقابل مجلس در بهارستان خواستار حذف ظرفیت از آزمون وکالت شدند.

پنجشنبه ۱۷ مرداد: کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن ناحیه زاگرس (اندیمشک) برای اعتراض به تاخیر در پرداخت حقوق ماهیانه دست از کار کشیدند.

دوشنبه ۲۰ مرداد: رانندگان اتوبوسرانی ارومیه در اعتراض به پائین بودن کرایه حمل مسافر و همچنین افزایش بی رویه قیمت کالاها و منصفانه نبودن درآمد با هزینه روزانه اعتصاب کردند.

چهارشنبه ۲۲ مرداد: کارگران کارخانجات تراورس بتنی کرج در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ماههای اردیبهشت، خرداد و تیر دست از کار کشیده و با تجمع روی ریل مانع از عبور قطار مسافری شدند. / کارگران نگهداری برق و تاسیسات ایستگاهها و طول خط ناحیه تهران برای اعتراض به عدم پرداخت پاداش بازنشستگی کارگران باز نشسته، مطالبات صندوق پس انداز و حقوق و مزایای کارگران راه آهن و خصوصی سازی دست به تجمع مقابل اداره راه آهن زدند. / کارگران راه آهن خراسان در اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق دست از کار کشیدند.

پنجشنبه ۲۳ مرداد: جمعی از کشاورزان و اهالی روستاهای مزاین، قیدو و جلماجرد در شهرستان خمین برای اعتراض به عدم اختصاص حَقابه از سد کوچری دست به تجمع مقابل فرمانداری شهرستان خمین زدند.

دوشنبه ۲۷ مرداد: گروهی از پرسنل ایستگاه پمپاژ میرحسینی (شرکت زلال ایران) در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق خود مقابل این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند.

مصطفی صالحی؛ صورت مساله باقی ست و جواب در پیش!

منصور امان

فراسوی خبر... پنجشنبه ۱۶ مرداد



جنگ پیشدستانه رژیم ج.ا علیه خیزش در راه مردم ایران، با اعدام مصطفی صالحی، یکی از مُعترضان قیام دی ماه ۹۶، وارد فاز دیگری از خُشونت و وحشیگری شده است. حاکمان کشور در حالی که وحشت زده چشم در چشم پایان صدارت خونین شان دوخته اند، آخرین پناهگاه شان را در چوبه دار می یابند.

طناب دار را دست لرزانی بر گردن مصطفی صالحی افکنده که پایوران و رسانه هایش مرثیه مرگ اش را سر داده اند. صدای آژیر قرمز سرنگونی از چار گوشه "خیمه" قاتلان بلند شده است و آمران و عاملان با چهره های پریشان و نگران، هُشدار گویان از این گوشه به آن گوشه در شتابند. در چنین شرایطی پیام قتل مصطفی صالحی - برخلاف آنچه که "نظام" مایل

است دریافت شود - اقتدار و اعتماد به نفس نیست. برعکس، خود اعتراف دردناکی به این واقعیت است که حاکمیت هنوز از ضربه دی ماه کمر راست نکرده و همچنان با آثار ماندگار آن در جنگ است.

از سوی دیگر، دست زدن به این جنایت دُرست زیر نگاه خشمگین و مُراقب توده، همان مردمی که بیش از ده میلیون تن از آنها علیه خیز حاکمیت برای اعدام سه مُعترض آبان بسیج شدند، فقط می تواند هیزومی دیگر در کوره گدازان خشم و کینه جامعه باشد. این ویژگی مُشترک همه رژیمهای از تعادل خارج شده است که در تلاش برای سفت کردن زمین زیر پای خویش، اغلب تصمیمهای غلط و خودغرضانه ای می گیرند که سقوط شان را ساده کرده و شتاب می بخشد.

کسانی مُرتکب قتل یک مُعترض شده اند که میلیونها مُعترض دیگر را در برابر دارند و هر روز شُمار بیشتری را به این جبهه عظیم می رانند. قتل مصطفی صالحی موجب نمی شود که اینان سَفَره های خالی شان را فراموش کنند و از کنار مُسابقه غارت و چپاول وُزرا، وُکلا، آقازاده ها، مُرید و رهبر بگذرند. هیچ چوبه داری هرگز آنقدر بُزرگ نیست که بتواند ناکارایی، فساد و نابرابری را پنهان کند و با پاشیدن خون به صورت تحقیر شده ها و به جان آمده ها نمی توان چشم آنها را بر فلاکت و بی حُقوقی خود بست.

رژیم ج.ا با ارتکاب به این قتل با صدای بلند دوباره اعلام می کند که هیچ طرح یا راه حلی برای تخفیف رنج و سختی جامعه ندارد، ظرفیت یا اراده ای در آن برای تغییر مسیر فاجعه بارش موجود نیست و راهکار آرام گرفتن توده مُعترض را در شلیک به مغز و قلب آن و برافراشتن چوبه دار می داند. نگون بختی استبداد مذهبی در آن است که زمانی به مردم ایران اعلان جنگ داده که در موضع ضعف قرار دارد و بیشتر پادشاه غُریانی است که در حلقه مُحاصره رجز می خواند. با گرفتن جان مصطفی صالحی، رژیم ولایت فقیه از دست مُطالبه او و دیگر مُعترضان دی و آبان خلاصی نخواهد یافت. با قتل او به هیچ سووالی پاسخ داده نشده، صورت مساله باقی ست و جواب مردم ایران در پیش!



از ساده سازی «فساد حکومتی» تا مهندسی «آمار کرونا»

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ... چهارشنبه ۲۲ مرداد

در کنار راه اندازی نمایشهای مسخره «مبارزه با فساد» به رهبری رئیسی آدمکش، چرخ و دنده چوبه های دار و ابزار شکنجه فعالتز شده است.

متأسفانه جان زندانیان سیاسی بیش از همیشه به وسیله دو ویروس کرونا و ولایت مورد تهدید است. قراردادن زندانی سیاسی در بند زندانیان عادی و مجرمان خطرناک، یکی از شیوه های رژیم برای شکنجه و سر به نیست کردن زندانی سیاسی است. عدم درمان و بهداشت و تحمیل مرگ با بیماری هم از شیوه های رایج رژیم است که در این شرایط با ویروس کرونا به هم آمیخته شده است. علیرغم نگرانیها و هشدارهای خانواده ها و نهادهای حقوق بشری در مورد امکان مبتلا شدن زندانیان به کرونا، رژیم نه تنها هیچ اهمیتی به این موضوع نداده بلکه شرایط را برای شیوع این ویروس میان زندانیان تقویت کرده است. بر اساس گزارش «فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران» روز دوشنبه ۲۰ مرداد، دهها زندانی سیاسی در محوطه بند ۸ زندان اوین در «اعتراض به انتشار ویروس کرونا و عدم درمان جدی» دست به تحصن زدند. بی توجهی رژیم به همه گیری ویروس کرونا در زندان در حالی است که اختلاسگران و دزدانی که پرونده های دزدی شان در نمایشهای «مبارزه با فساد» دستگاه قضائیه رژیم بر سر زبان است آزاد می چرخند و پاسپورتهای شان در جیب برای فرار است.

در کنار پنهان کاری آمار کرونا در میان زندانیان، آمارهای دروغ در مورد کشته شدگان کرونا در سراسر ایران هم باید اضافه کرد. یک روزنامه حکومتی به دلیل مصاحبه با یکی از اعضای ستاد مقابله با کرونا، توبیخ و تعطیل می شود. عضو این ستاد به «مهندسی» آمار کرونا اشاره کرد و خروجی این مهندسی را «یک بیستم آمار حقیقی و واقعی» اعلام کرده است. البته گفته های این فرد حرف جدیدی نیست. بارها از طرف افراد مختلف حتا از طرف برخی از کادرهای درمانی در ایران مطرح شده است. سازمان جهانی بهداشت همان روزهای اول، آمار کشته شدگان در ایران را ۵ برابر آمار حکومتی اعلام کرد. سازمان مجاهدین خلق ایران که مرتب آمارهای کشته شدگان و مبتلایان را اعلام کرده اند، در آخرین اطلاعیه خود از جان دادن ۸۶ هزار و ۷۰۰ نفر در ۳۷۳ شهر ایران خبر داده است.

در حالی که رژیم ولایت فقیه به قتل سازمانیافته مردمی در اثر ویروس کرونا متهم و فقر و گرسنگی را به مردم تحمیل می کند، نمایش پرونده های «املاک نجومی» پاسدار قالیباف و زمین خواری سپاه پاسداران و ... به روی صحنه می آید. نمایش بنیاد چپاولگران با نام مستضعفان به ریاست پرویز فتاح، که خود منتخب ولی فقیه بر ریاست این هلدینگ بزرگ اقتصادی است، پرده ای از ساده سازی فساد، و سفیدسازی انبوه ثروتهای به چنگ آورده زیر مجموعه های خامنه ای است. مبارزه با فساد، در دستگاه فاسدان معنایی جز سفید سازی ماهیت فساد سیستماتیک و ساختاری ندارد. اگرچه بخشی از این افشاگریهای باندها علیه هم محصول بحران حکومتی و برای سهم بیشتر در قدرت و ثروت است اما بخشی از آن هم محدود کردن اعتراضهای گسترده مردمی به دعوای باندهای درون حکومت است. اما این نمایشها، در اراده مردم برای تغییر تمامی حکومت و پس گرفتن ثروتهای ملی تغییری نخواهد داد بلکه تنفر از ابعاد گسترده چپاولگری را بیشتر خواهد کرد.

اسرائیل چگونه به خلیج فارس آمد؟

منصور امان

فراسوی خبر... شنبه ۲۵ مرداد

یک کشور عربی حاشیه خلیج فارس تابوی سیاسی دنیای عرب یعنی برقراری مناسبات رسمی دیپلماتیک با اسرائیل را شکسته است و این نباید کسی را شگفت زده کند. در طول سه دهه گذشته محور درگیری در خاورمیانه هرچه بیشتر از بحران اعراب و اسرائیل به سمت بحران اعراب و ج.ا. چرخیده است. امارات متحده عربی فقط یک گام ناگزیر در امتداد این



پروژه برداشته و نامزدهای بعدی هم در راهند.

تا پیش از آنکه رژیم ولایت فقیه سودای "قدرت منطقه ای" شدن را در سر بپرورد و با مداخله گری و بی ثبات سازی همسایگان ایران کمر به تحقق آن ببندد، موضوع سیاست در خاورمیانه را همواره درگیری فلسطین - اسرائیل دیکته می کرد. حتی

پیمان صلح میان اسرائیل و مصر (تنها کشور عربی که دو بار به جنگ با اسرائیل پرداخت) نیز تغییری در مضمون تحولات پدید نیاورد.

رژیم ولایت فقیه با سرمایه گذاری سنگین سیاسی و اقتصادی موفق شد آرایش نیروها در خاورمیانه را به سود اسرائیل تغییر دهد و آنهم در حالی که تابلوی "آزادی قدس" را بر سر درخیمه اش آویخته بود و برای "مردم مظلوم فلسطین" گریبان چاک می داد.

در چشم خلقهای عرب این ژست پوشالی مدتها پیش از آنکه فشار میلیتاریستهای "تمدن نوین اسلامی"، موجب تغییر در استراتژی امنیت ملی دولتهایشان بشود، رنگ باخته بود. آنها شاهد بوده اند که باند مسلح لبنانی (حزب الله) که حاکمان ایران می گویند برای آزادی فلسطین از چنگ یهودیها اجیر کرده اند، زن و مرد عرب را در سوریه سلاخی می کند و سپاه آزادیبخش قدس شان در بغداد و بصره و نجف جوانان عراقی را به گلوله می بندد.

تهدیدات و تنش آفرینی پیوسته حاکمان ج.ا. که بر بال یک فرقه گرای شیعی بیرحم و توسعه طلب حرکت می کند، فضای اجتماعی کشورهای عربی را که تا پیش از این مهمترین مانع برای شکل گیری چنین سناریویی به شمار می آمد، دچار تحوّل کرد. در کنار همبستگی با مردم فلسطین، به تدریج نگرانی از دست اندازی مذهبی، آشوب و از میان رفتن بنیادهای زیست و معیشت جای خود را باز کرد تا سرانجام این جوامع را در برابر انتخاب بگذارد.

عادی سازی مناسبات امارات متحده عربی و اسرائیل نتیجه گیری سیاسی از واقعیتی است که امروز و اینجا فاکت تولید می کند و سیاست و جوامع در خاورمیانه زیر تاثیر چگونگی و ترکیب آن قرار دارد. این به همان گونه که به معنای کاهش اهمیت مساله فلسطین در دنیای عرب است، همزمان از یکپایگی رویکرد امنیتی اعراب و رانده شدن ج.ا. به مرکز توجه آن حکایت می کند.

برای ج.ا. این تحوّل یک ضربه استراتژیک به حساب می آید. باز شدن پای اسرائیل به خلیج فارس، یافتن پایگاه های سیاسی و قرار گرفتن "نظام" و طرحهای مورد مناقشه اش زیر بینی تل آویو، آخرین وضعیتی است که مایل بود خود را در آن بیابد. امارات و اسرائیل از همکاری نزدیک در پهنه های اقتصاد، توریسم، تکنولوژی پیشرفته، انرژی و امنیتی سخن می گویند؛ یک توصیف گویا و با جزئیات از همه آنچه که جنگ سالاران ج.ا. از این پس باید نگرانش باشند.

عدم تصویب قطعنامه، گسترش نا امنی در خاورمیانه!

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ... یکشنبه ۲۶ مرداد

تصویب نشدن قطعنامه آمریکا در شورای امنیت برای تمدید تحریم تسلیحاتی رژیم و چگونگی رای ممتنع کشورهای اروپایی با هر هدفی که صورت گرفته باشد، به نفع مردم ایران نیست. رفع تحریم تسلیحاتی رژیم، خرید سلاح و بازگذاشتن دست رژیم تروریستی ولایت فقیه در فروش سلاح با توجه به نقش مداخله گرایانه و ناامن کننده آن به ضرر



مردم کشورهای همسایه است. حکومتی که با هزار حقه بازی و کلک به مردم نفت پیش فروش می کند و به جای رسیدگی به گرسنگی و تشنگی مردم آنان را به گلوله می بندد، برای خرید و فروش سلاح هیچ حد و مرزی را رعایت نخواهد کرد.

عراق، سوریه و لبنان، در کانون مداخله گری نظامی از طریق حمایت تسلیحاتی، مالی و نیرویی رژیم قرار دارند و مردم این کشورها علیه این مداخله گری شورش کرده اند. آنها خواهان کوتاه شدن دست رژیم ایران از سرنوشت سیاسی کشورشان هستند. با توجه به این که حل مشکل مردم این کشورها به سرنوشت رژیم ولایت فقیه در ایران گره خورده است پس هر راهکاری در سطح بین المللی که به این رژیم روبه سقوط یاری رساند، در جهت ناامنی و شعله ورتر شدن جنگ و رشد بنیادگرایی در منطقه است.

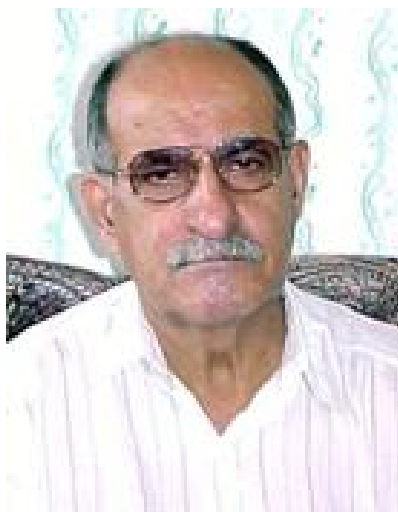
همانگونه که رژیم جمهوری اسلامی طی ۴ دهه، نه تنها هیچ کمکی به مردم محروم فلسطین برای دستیابی به صلح و حقوق مُسَلَّم آنها نکرده بلکه به قدرت گیری اسرائیل و نزدیکی اعراب به اسرائیل هم یاری رسانده است.

عدم تصویب قطعنامه آمریکا، منفعت استراتژیک برای جمهوری اسلامی نخواهد داشت. بدین معنا که رژیم برنده خروجی جلسه شورای امنیت در روز آدینه ۲۴ مرداد نخواهد بود. تنها نفع آن برای رژیم، مصرف داخلی کوتاه مدت برای دلواپسان و نگاه داشتن «امت در صحنه» و مزدوران نیابتی در هلال شکسته شیعی خواهد داشت.

ارزیابی رای اعضای شورای امنیت بر این امر صحه می گذارد. زیرا دو کشور روسیه و چین رای مخالف دادند که نکته جدیدی نیست. اما ۱۱ کشور رای ممتنع دادند. رای ممتنع از این جنبه اهمیت دارد که با توجه به ایزوله بودن رژیم و جلورفت تحریمها و رعایت کشورهای اروپایی و موضع مشخص و قاطع آنها در رابطه با سه موضوع اصلی یعنی، دخالت رژیم در منطقه، ساخت موشکهای بالستیک و ارسال آن به مزدوران نیابتی خود، دستیابی به سلاح اتمی، می توان گفت عدم رای مثبت این کشورها آبی برای رژیم گرم نخواهد کرد. هر سه کشور آلمان، بریتانیا و فرانسه در روز ۲۴ مرداد ۹۹ نگرانی خود را از لغو تحریمهای تسلیحاتی و انتقال تسلیحات به یمن، لبنان و سوریه و عراق اعلام کردند و بر مکانیسم ماشه به عنوان راه حلی برای کشاندن رژیم به پای میز مذاکره تاکید کردند. روحانی مدعی شد که آمریکا شکست سیاسی خورد. مدتی پایوران رژیم سوژه ای برای فریب مزدوران خود پیدا کرده اند اما این رژیم است که شکست خورده زیرا، اروپائیهها نه در طرفداری از رژیم بلکه در تضاد با شخص ترامپ و حفظ آبروی خود در ادامه برجام ناموفق و از بین رفته، در این میدان بازی می کنند. اما برای رژیم شمشیر مکانیسم ماشه و تحریمهای ایالات متحده حتا بعد از پایان تحریم تسلیحاتی همچنان برندگی خود را خواهد داشت.

در سوک رفیق مبارز و چهره محبوب مردم کردستان ایران، کاک جلیل گادانی

با تاثر فراوان، مبارز برجسته کاک جلیل گادانی امروز در یکی بیمارستانهای اقلیم کردستان درگذشت. زنده یاد کاک جلیل



از دوران جوانی به صفوف مبارزه مردم محروم کردستان ایران پیوست و تا پایان عمر در جبهه مردم و علیه مستبدان و غارتگران بود. کاک جلیل گادانی در دوران رژیم شاه برای مدت طولانی زندانی سیاسی بود. از آستانه سرنگونی رژیم شاه مبارزه علنی کاک جلیل در صفوف حرب دمکرات کردستان ایران آغاز و پس از لشکر کشی مزدوران خمینی به کردستان، دوران جدیدی در مبارزه برای او شروع شد که تا پایان عمر ادامه داشت.

زنده یاد جلیل گادانی چندین دهه برای آزادی، عدالت و رفع هرگونه تبعیض مبارزه کرد. او سرسختانه به سرنگونی رژیم ولایت فقیه و استبداد دینی اعتقاد داشت. انسان دوستی، صبوری و پایداری از خصوصیات برجسته کاک جلیل بود. او که از رهبران جنبش ملی دمکراتیک کردستان ایران بود، همواره به همبستگی با جنبش سراسری مردم ایران تاکید و از آن مهمتر خود را در جبهه طرفداران سوسیالیسم تعریف می کرد.

از طرف خود و رفقاییم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، فقدان زنده یاد رفیق جلیل گادانی را به خانواده و همزمان او در حزب دمکرات کردستان ایران، به مردم ایران و به ویژه مردم کردستان به تمام آزادیخواهان تسلیت می گویم.

مهدی سامع پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۹۹ - ۱۶ اگوست ۲۰۲۰



به یاد رفیق یعقوب تقدیری قزلقه میدان

گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی

رفیق یعقوب سال ۱۳۳۰ در خانواده ای زحمتکش در محله ستارخان ش هر تبریز به دنیا آمد.

او با توجه به زمینه مستعد مبارزاتی که داشت در سالهای اول دهه ۵۰ بسوی مبارزه مسلحانه کشیده شد و مدت ها تلاش کرد که با سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ارتباط برقرار کند. از آنجا که کوششهایش به نتیجه نرسید، تصمیم گرفت به فلسطین برود و از آن طریق با سازمان ارتباط بگیرد. در سال ۱۳۵۴ به فلسطین رفت و سه سال تمام در صفوف مبارزان فلسطینی قرار داشت. پس از بازگشت به ایران فعالیت خود را در رابطه با سازمان آغاز کرد و باعلاقه ای که به رفیق پویان داشت، نام مستعار امیر را انتخاب کرد.

سپس به عنوان مسئول نظامی بخش بوکان شاخه کردستان، سازماندهی شد. رفیق امیر نقش زیادی در تربیت رفقای ما در بوکان داشت.

امیر شایستگیهای بسیار زیادی از خود شان داد و به رفقا بسیار چیزها آموخت.

روز اول ش هر یور سال ۱۳۵۸ رفیق امیر در سقز با ایست بازرسی مواجه شد. پس از پیاده شدن از ماشین و معرفی خود، توسط پاسداران ارتجاع به گلوله بسته شد و جان باخت. رفیق یوسف کشی زاده و ابوبکر حمیدی که در ماشین بودند توسط مزدوران سپاه دستگیر و در ششم ش هر یور به جوخه تیرباران بسته شدند. یادشان ماندگار و گرامی باد.

شهادت فدایی در شهریور ماه

رفقای فدایی: ایرج سپهری - اعظم السادات روحی آهنگران - حسن سعادت - هاشم باباعلی رحیمی - حسن جان لنگوری - پروین فاطمی - طهمورث اکبری - جمیل یخچالی - شهریار ناهید - علی میرشکاری - محمود باباعلی - احسن ناهید - محمد مجیدی - حمید رضا مالکی - احمد صادقی - محمدتقی برومند - بهنام رهبر - بهمن رهبر - یعقوب (امیر) تقدیری قزلجه میدان - محمدرضا فریدی - سعیده کریمان - پرویز داوودی - غلامحسین بیگی - حسن صالحی - علی رضا شاه بابایی کوتنائی - ناصر فتوتی - ناصر سلیمی - محمد سپاسی - حمیدرضا ماهیگیر - عباس کابلی - جواد کارشی - نادره (جمیله) نوری - علی رضا پناهی - قاسم معروفی - انور اعظمی - ابوبکر آرمان - هوشنگ احمدی - رشید یزدان پناه (سمکو) - بیژن جنتی - مرتضی خدامرادی - مصطفی شمس الدینی - قاسم سید باقری - عبدالرضا غفوری - عزیز محمد رحیمی - محمد (فرشاد) تمدن - اصغر جعفری جزایری - خسرو مبارکی - سعید رهبری - علیرضا یراق چی - محمدرضا ستوده - احمدرضا شعاعی - مهدی سمیعی - ابوالفضل غزل ایاق - زهرا (اشرف) بهکیش - خسرو مبارکی - اکبر صمیمی - محمد علی بهکیش - علی شیرمحمدی - محمود قاضی پور - عباس تهمتنی - نفیسه ناصری (نسترن) - محمد تقی (همایون) فرومند - علیرضا یراقچی - اسد الله اخوان - فریدون (فرید) یزدانیان - یدالله آل کنعان - احمد رضا بیک محمدی - مسعود عرفان -



فدایی شهید ابوالفضل قزل ایاق

محسن رجب زاده - محمود خاموشیان - همایون آزادی - مریم فرشادفر - نصرت الله کریمی - جواد بنی احمد - یوسف ایمانی دارستانی - نقی (امیر) ظریفی دارستان - صفر لنگرودی - ابوبکر حمیدی - نبی الله عباسی - علی توکلی - علی (مسعود) باختری - مجید ولی - کریم سعیدزاده - کیوان مصطفوی - عبدالله یزدانی - اسدالله اخوان اقدم - عبدالله فیض الله بیگی - عبدالرضا ایروانی - مهرداد حیدری فرد - احمد صادقی - یوسف کیشی زاده - محمدرضا مزیدی - محمد چشم به راه - علیرضا شاه بابائی کوتنائی - محمد دانایی فر - کمال بهمنی - مهرداد پناهی شبستری - حمیدرضا مالکی - رشید آهنگری - محمد تمدن - جمشید میرحیدری - یونس رضانی - جلال فتاحی - محمدعلی ابرندی - سیاوش حسوند - ایرج سلیمانی، از سال ۱۳۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و به وسیله مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیهها

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No 428 / 22 august 2020

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook ///// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe/>